



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



توابع و عقاب - حمله به مدرسه فیضیه

به کوشش
سید ضیاء مرتضوی

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه امام خمینی (ره)

نویسنده:

سید ضیاء مرتضوی

ناشر چاپی:

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	دانشنامه امام خمینی جلد چهارم
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	پرسش و پاسخ
۱۱	آیا می توانیم از ابزار علمی جهت پیدا کردن قبله، سود بجوئیم؟
۱۴	آیا امام خمینی (ره) گفته است که انبیاء در راه بسط عدالت شکست خوردند؟
۱۶	آیا امام راحل به حضرت علی(ع) یا امام حسن(ع) اعتراضی داشته اند؟
۱۸	آیا باید "علی ولی الله" را در آخر تشهد بگوئیم؟
۲۰	آیا برای زن بهتر است که در خانه نماز بخواند؟
۲۱	آیا تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت واجب است؟
۲۲	آیا شکستن روزه غیر ماه رمضان قضا و کفاره دارد
۲۴	آیا قمه زدن حرام است؟
۲۵	احکام خمس
۲۷	احکام طهارت یا نجاست کفار و ارتباط با آنان
۲۹	احکام غسل، کفن و نماز بر میت در حال اضطرار
۳۱	احکام نگاه به نامحرم از داخل آئینه
۳۲	اختلاف در رؤیت هلال
۳۴	اذن پدر در ازدواج موقت
۳۶	اذن پدر در ازدواج موقت
۳۷	اشکال به انقلاب و امام خمینی (ره)
۴۰	اشکالات و محدودیت های پوشیدن لباس روحانیت برای جامعه و افراد روحانی
۴۸	اصلاح موهای زاید بدن
۴۹	اطلاعاتی پیرامون شاه و انقلاب اسلامی ایران می خواستیم؟
۵۲	امام جماعت شدن زنان

- ۵۴ امام خمینی و پیروی از فرق صوفیه
- ۵۵ امام خمینی(ره) و توجه او به تفاسیر متداول
- ۵۶ اهدای اعضای بدن
- ۵۷ اهمیت تحصیل برای خانم ظها و اولویت بین خانواده و تحصیل در شرایط مختلف
- ۶۰ باطل کردن روزه با چیز حرام از روی جهل
- ۶۲ به همراه داشتن عکس شهداء در هنگام نماز
- ۶۴ تزویج غیر بالغ توسط ولی و لزوم پرداخت مهریه
- ۶۶ تعریف هنر اسلامی
- ۶۸ تعریف و حکم غنا و موسیقی
- ۷۱ تعلق خمس بر درآمد کسب و حقوق زن
- ۷۲ تفاوت های ازدواج دائم و موقت
- ۷۵ تمجید از صوفیه یا مشایخ عرفان در آثار امام خمینی(ره)
- ۷۷ تکلیف پدر و مادر در سقط جنین در ماههای اول
- ۷۸ تیمم بدل از غسل
- ۸۰ حدود اخنیارات فقها و نایبان امام زمان(عج)
- ۸۳ حرمت آواز خوانی زن
- ۸۶ حرمت همجنس بازی در اسلام
- ۸۸ حرمت یا حلیت موسیقی در اسلام
- ۸۹ حکم ادوات موسیقی
- ۹۰ حکم ارث و مهریه زنی که بعد از عقد دائم و قبل از عروسی بمیرد
- ۹۱ حکم ازدواج زن شیعه با مرد سنی
- ۹۲ حکم انواع رقص و موسیقی
- ۹۳ حکم بازی با شطرنج و پاسور چیست؟
- ۹۴ حکم بهره بانکها در جمهوری اسلامی
- ۹۵ حکم تراشیدن ریش
- ۹۶ حکم تقلید از مجتهد مرده

- ۹۷ حکم خواستگاری، صحبت کردن و یا هر گونه ارتباط دیگر با زنی که در عده طلاق رجعی قرار دارد
- ۹۹ حکم خوراکیهای مخلوط به ژلاتین
- ۱۰۰ حکم خون رؤیت شده در لباس و بدن
- ۱۰۱ حکم زنجیر زنی در عزاداری امام حسین(ع)
- ۱۰۲ حکم شهادت ثالثه (شهید ان علیا ولی الله) در تشهد
- ۱۰۳ حکم قصیده، مدح و ستایش
- ۱۰۴ حکم قمه زنی در اسلام
- ۱۰۸ حکم نماز و روزه قضای پدر
- ۱۱۰ حکم وام بانکی که سود به آن تعلق می گیرد
- ۱۱۱ حکم وضو در صورت مالیدن لاک به ناخن پا
- ۱۱۲ حکم پول و اشیاء پیدا شده
- ۱۱۳ خروج منی قبل از اذان صبح در ماه مبارک رمضان
- ۱۱۴ خمس در زمان پیامبر اسلام(ص)
- ۱۳۲ خواندن سوره حمد بجای تسبیحات اربعه در نماز
- ۱۳۳ دست یابی به قبله در جاهایی که قبله مشخص نباشد
- ۱۳۵ رسیدن آب وضو به دهان روزه ظدار
- ۱۳۶ رعایت تجوید در هنگام قرائت نماز
- ۱۳۷ رعایت قانون تجوید در نماز
- ۱۳۸ رفتار با افراد متجاهر به فسق و تارک الصلاة
- ۱۳۹ رفتن سر قبور ائمه(ع)
- ۱۴۱ رهبانیت و حدود آن
- ۱۴۹ روزه ی مستحبی و قضای روزه واجب
- ۱۵۰ زمان دقیق دست کشیدن از سحری
- ۱۵۱ زندگی نامه شهید بهشتی
- ۱۵۵ سجده های واجب قرآن
- ۱۵۷ شرائط استطاعت حج

- شرائط طلاق ۱۵۸
- شرط سلامت در امام جماعت و ولی فقیه ۱۶۰
- شستن صورت در وضو ۱۶۱
- طریقه خواندن نماز جماعت آنگاه که به رکعت دوم امام جماعت ملحق شدیم ۱۶۲
- طریقه نماز خواندن امام خمینی(قدس سره) ۱۶۳
- عبور دادن معنا و الفاظ آیه های سجده دار در ذهن ۱۶۴
- عدم توانایی قضای روزه واجب ۱۶۵
- عدول از تقلید ۱۶۷
- عدول به فتوای تمام بودن نماز در مأموریت ۱۶۸
- عزاداری مطلوب برای امام حسین(ع) ۱۷۰
- علت تاخیر در عمل کردن به فرمایشات امام قدس سره ۱۷۲
- علت حرمت گوشت خوک ۱۷۳
- فلسفه آیات تکراری در قرآن ۱۸۴
- فلسفه اطاعت زنان از مردان ۱۸۵
- فلسفه امر به معروف و نهی از منکر ۱۹۱
- فلسفه امر به معروف و نهی از منکر ۱۹۴
- فلسفه روی نیاوردن دنیای اسلام به بعضی از هنرها مثل مجسمه سازی ۱۹۶
- فوریت بجا آوردن نماز آیات ۱۹۸
- قمه زدن از نظر فقه اسلامی ۲۰۰
- لزوم اطلاع محتضر از مقدار ماترک به ورثه ۲۰۳
- مستحبات تکبیره الاحرام ۲۰۵
- مصرف نذورات در غیر مورد آن ۲۰۶
- معرفی منابعی در باره ی اسرار مناسک حج ۲۰۷
- معروفترین کلام امام خمینی(ره) پیرامون نقش موثر تربیتی زن در اسلام ۲۰۸
- معنی بیان امام خمینی ره در باره موفق نشدن پیامبران (ع) به اقامه عدل و انجام اینکار توسط امام زمان (عج) ۲۰۹
- معنی حجاب های هفتگانه ای که در آداب الصلاة امام راحل آمده است ۲۱۴

- ۲۲۳ ملاک در صحت قرائت نماز از حیث ادای مخارج حروف چیست؟
- ۲۲۴ ملاکها و شاخصهای اصلی تفکر دینی
- ۲۲۷ موارد جواز استفاده از حریر
- ۲۲۸ موارد وجوب نماز آیات و شرائط آن
- ۲۲۹ موسیقی در اسلام
- ۲۳۱ موسیقی مجاز
- ۲۳۳ موضوع وصیت نامه امام(ره)
- ۲۳۴ نام روزه های مستحبی
- ۲۳۵ نباید در لباس نمازگزار اجزای حیوان حرام گوشت باشد
- ۲۳۶ نزدیکی با همسر در ایام عادت
- ۲۳۷ نظر امام خمینی (ره) درباره اهل سنت
- ۲۳۹ نظر علماء در خصوص نماز جمعه
- ۲۴۱ نظر مراجع در خصوص نماز جمعه
- ۲۴۲ نظرات مراجع در خصوص ریش تراشی
- ۲۴۳ نماز جماعت با اهل تسنن
- ۲۴۴ نماز در مأموریت و عدول به مجتهد دیگر
- ۲۴۵ نماز شب را چگونه می خوانند؟
- ۲۵۰ نگه داری و تنبیه بچه ۷ ساله
- ۲۵۲ واکنش و طرز برخورد بزرگان دین در مصائب
- ۲۵۶ وسواس و رعایت طهارت و نجاست در اسلام
- ۲۵۷ وقت افطار طبق نظر شیعه
- ۲۵۸ وقت نماز مغرب و عشاء
- ۲۶۰ چرا بچه های طلاق توسط پدر نگهداری می شوند؟
- ۲۶۳ چگونگی خواندن نماز مستحبی در حال حرکت
- ۲۶۴ چگونگی رفتار با اعضای فاسق خانواده.
- ۲۶۵ کارهای اقتصادی زمان شاه و محبت امام خمینی ره بین مردم

۲۶۸ کتب قابل مطالعه در زمینه علوم اسلامی و اخلاقی

۲۶۹ گدایی کردن سید

۲۷۰ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرتضوی ، سیدضیاء، 1337 - ، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : دانشنامه امام خمینی / به کوشش سیدضیاء مرتضوی.

مشخصات نشر : تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) ، 1400.

مشخصات ظاهری : 10 ج. : مصور، عکس ؛ 22 × 29 س م.

شابک : 49500000 ریال : دوره 9-573-212-964-978 :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

مندرجات : ج.1. آداب الصلاه - اسلام ناب محمدی. -- ج.2. اسم اعظم - بهشت و جهنم. -- ج.3. بهشتی، سیدمحمد - تقفی، خدیجه. -- ج.4. ثواب و عقاب - حمله به مدرسه فیضیه. -- ج.5. حوزه علمیه قم - روشنفکری. -- ج.6. رهبری - صدور انقلاب. -- ج.7. صدوقی، محمد - فلسطین. -- ج.8. فلسفه - مالکیت. -- ج.9. ماهیت - نامه ها. -- ج.10. نبوت - یقین.

موضوع : خمینی ، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، 1279 - 1368 . -- دایره المعارف ها

موضوع : Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI -- Encyclopedias

شناسه افزوده : موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

شناسه افزوده : Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works

رده بندی کنگره : DSR1576 /ض 9 د 2 1400

رده بندی دیویی : 955/0842092

شماره کتابشناسی ملی : 7894441

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

ص: 1

پرسش و پاسخ

آیا می توانیم از ابزار علمی جهت پیدا کردن قبله، سود بجوئیم؟

ما چگونه می‌توانیم جهت قبله را پیدا کنیم؟ آیا می‌توانیم از ابزار علمی در این زمینه سود بجوئیم؟ چنانکه مستحضر هستید نماز باید روبروی قبله (خانه کعبه که در مکه معظمه هست) خوانده شود ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند کافی است و همچنین کارهای دیگر مانند سربریدن حیوانات که باید رو به قبله انجام بگیرد و کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده است. البته کسی که می‌خواهد نماز بخواند باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید تا یقین کند قبله کدام طرف است و می‌تواند به گفته دو شاهد عادل که از روی نشانه‌های حسی (نه حدسی و محاسبه‌ای) شهادت می‌دهند یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می‌شناسد و محل اطمینان است، عمل کند و اگر اینها ممکن نبود باید به گمانی که از محراب مساجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راههای دیگر پیدا می‌شود، عمل کند حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که بواسطه قواعد علمی قبله را می‌شناسد گمان به

ص: 1

قبله پیدا کند، کافی است. [i] راما قبله نما و مانند آن، اگر انسان بوسیله آن اطمینان حاصل کند می تواند طبق تشخیص آن عمل کند. [ii]
[و همچنین ظهر 4 خرداد و 26 تیر، خورشید درست بر بالای کعبه قرار می گیرد و کعبه سایه ندارد و اگر شاخصی را بگذاریم درست در
لحظه ظهر (به وقت مکه معظمه که باید با ساعت محل زندگی خود آن را تنظیم کنیم) مقابل سایه آن شاخص، قبله محسوب می شود.]
[i] [iii] رتوضیح المسائل، امام خمینی (ره)، مسئله 782 [ii] رتوضیح المسائل مراجع، ج 1 ص 462، استفتاءات از آیت الله خامنه ای
ش استفتاء 376. [iii] رهمان مأخذ و همان سوال پایگاه حوزه 0002

ص: 2

آیا امام خمینی (ره) گفته است که انبیاء در راه بسط عدالت شکست خوردند؟

آیا امام خمینی (ره) گفته است: اینکه امام (ره) رفرموده است: پیامبران نتوانستند آمال و اهداف خود را در دنیا پیاده کنند يك حقیقت مسلم است ولي باید مقصود او را به خوبی متوجه شویم، مقصود امام این نیست که العیاذ بالله آنان در انجام وظایف خود کوتاهی کرده اند بلکه مقصود این است که طواغیت و عناصر شوم مانع اجرای کامل و دقیق آرمانها و آمال و اهداف آنان می شدند، جنگهای فراوان پیامبر اسلام، تلخی های زیادی که در زندگی او رخ داد و فرصتهایی زیادی که از ایشان صرف این موانع شد، باعث شد که پیامبر آنگونه که می خواهند، نتوانند اسلام را در اقطار عالم نشر داده و یا عدالت را به تمام معنا اجرا نموده و مردم کره خاکی را از شر مظالم شاهان ستمگر خلاصی دهد. چه یاران پاك پیامبر را که نکشتند و چه جنایاتی که مرتکب نشدند و تاریخ انبیاء عموماً اینگونه است حضرت زکریاء را سر بریدند، در يك روز 70 پیامبر را کشتند، مسیح (ع) به آسمان عروج داده شد و... وقتی یکی از علمای درباری مصر به امام ایراد گرفت و با غرض ورزی گفت که امام گفته است: پیامبر شکست

خورده است، در جواب او گفته شد: اگر پیامبر به اهداف عالی خود می رسد الآن تو آخوند درباری وجود نداشتی! و البته امام زمان علیه السلام باذن پروردگار بقیه الله فی الارض است و در زمانی که زمینه مستعد است تمام آمل انبیاء و جد مطهرش را عملی خواهد نمود
پایگاه حوزه 1-3691

ص: 4

آیا امام راحل به حضرت علي(ع) یا امام حسن(ع) اعتراضی داشته اند؟

آیا امام خمینی (ره) در مورد موافقت علي(ع) با صلح در جنگ صفین و نیز به امام حسن(ع) در مورد قبول خلافت معاویه، اعتراض داشته است؟ و گفته است که علي(ع) و حتی پیامبر(ص) نتوانستند حکومت اسلامی را برقرار کنند؟ اینکه امام راحل به حضرت امیرالمؤمنین(ع) یا امام حسن مجتبی(ع) اعتراض داشته اند سخنی سخیف، زشت و بهتانی عظیم و بی مایه و عاری از حقیقت می باشد. آری امام خمینی مانند هر مؤمن دیگر از بروز این حوادث بسیار رنجیده خاطر بوده است، چنانچه خود امام علي(ع) و امام حسن(ع) رنجیده خاطر بودند ولی این هرگز به معنای اعتراض به امام معصوم نیست و آن ارادتی که امام خمینی به ائمه اطهار علیهم السلام داشت قابل توصیف نیست. آری حضرت امام تأسف می خوردند از اینکه اوضاع جامعه اسلامی به گونه ای شد که امام علي(ع) ناچار به پذیرش حکمیت شد و بسیار متأسف بودند که اوضاع بگونه ای شده است که امام حسن مجتبی علیه السلام بر خلاف میل باطنی خود تن به صلح داد و ای کاش جامعه آن روز این قدر رشید و قدرشناس بود که اطراف این اولیاء خدا را خالی

نمی کردند و تن به آن فصاحت ها نمی دادند، تأسّف و تأثر امام در این حوزه بوده است، تمام هستی امام خضوع و انقیاد در برابر اولیاء معصوم خداوند کریم و اهل البیت و عترت رسول اکرم (ص) بود . پایگاه حوزه 3-3691

ص: 6

آیا باید "علي ولي الله" را در آخر تشهد بگوئیم؟

آیا باید "علي ولي الله" را در آخر تشهد بگوئیم؟ این عمل نه تنها واجب نیست بلکه فقهای بزرگ اجازه آن را نداده اند. ردر استفتائات از امام خمینی رحمه الله علیه همین را پرسیده اند و ایشان فرموده است: نباید گفته شود و باید به همان نحو متعارف تشهد را بجا آورند [1] ، اصولاً در نماز اگر يك كلمه را به قصد ورود در حالي که وارد نشده است بخوانیم نماز اشکال پیدا می کند و اگر به قصد مطلق بخوانیم ایرادی ندارد مگر آن که از جهت دیگر اشکال داشته باشد. قصد ورود یعنی به این نیت که این جمله جزء نماز است. به قصد مطلق یعنی می دانیم این جزء نماز نیست و به عنوان جزء نماز نمی خوانیم ولي می دانیم که ذکر گفتن در هر حال مستحب است ولو اینکه در حال نماز باشیم و به این لحاظ می خوانیم . درست است که علي ولي خداست و همه این ها حق و درست است ولي قرار نیست که هر چه حق و درست باشد در نماز بیاید والا باید گفت: اشهد أن الموت حق و ان الحساب و الميزان و سؤال في القبر و القيامة و الصراط و... حق ، در حالي که

احدي اينگونه نكفته است. [1] استفتائات امام خميني (ره)، ج، 1 ص 166 و 167، سوال 146 پاينگاه حوزه 3781

ص: 8

آیا برای زن بهتر است که در خانه نماز بخواند؟

آیا این درست است که در توضیح المسائل گفته شده: بهتر است برای زن که در خانه نماز بخواند؟ و ترجیحاً در اتاق و یا ترجیح بیشتر در اتاقهای ته خانه؟ اگر زنان بجای رفتن به مسجد به نماز جمعه بروند چقدر ثواب دارد؟ اگر بیان شده است که برای زن بهتر است نمازش را در خانه بخواند و از لزوم حضور در نماز جمعه معاف شده است در راستای مراعات حال زن و حفظ حرمت و آسان گرفتن بر اوست نه برای خانه نشینی زن و عدم حضورش در اجتماعات. لذا زن نیز می تواند در مسجد حاضر گردد و یا در نماز جمعه شرکت کند و مانند سایرین از ثواب این عبادات بهره مند گردد. حضرت امام خمینی (ره) در پاسخ به این سؤال که: آیا شرکت بانوان در نمازهای جماعت و یومیه و نماز جمعه کراهت دارد یا خیر؟ می فرمایند: "کراهت ندارد، بلکه در بعضی موارد مطلوب است." [1] [1] استفتائات امام خمینی (ره)، ج 1، ص 272، مسأله 456. پایگاه حوزه 1354

ص: 9

آیا تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت واجب است؟

آیا تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت واجب است؟ با تکیه بر ضرورت استمرار زندگی عمومی و نظم سیاسی شیعیان در دوره غیبت، در جستجوی نظامی باید بود که به هر حال جایگزین امامت معصوم (ع) در زمان غیبت باشد. این نظریه است که جمهوری اسلامی بر مبنای آن شکل گرفته و ولایت فقیه نیز از آن استنتاج شده است. ولایت فقیه، اساس نظم سیاسی دوره غیبت در دستگاه فکری امام خمینی است. به نظر امام خمینی در عصر غیبت ولی امر (عج)، نمایان آن حضرت که فقیهان جامع شرایط برای فتوا و قضاوتند جانشین آن حضرت در اجرای سیاسات و مسایل حکومتی و سایر امور مربوط به امام معصوم هستند که فقیهی عادل و مورد قبول مردم، قدرت را با کمک مردم بدست می گیرد و بقیه فقهاء باید او را در اجرای عدالت و احکام اسلام یاری کنند. پایگاه حوزه 1-9203

آیا شکستن روزه غیر ماه رمضان قضا و کفاره دارد

من در رساله های مختلف و توضیح المسائل فقهای مختلف خوانده ام که يك شخص مي تواند روزه اختياري هایش را هر وقت خواست بشکند. آیا این بدان معناست که اگر کسی روزه اختياري اش را بشکند، هیچ کفاره و قضایي ندارد؟ بخاطر خوردن نوشیدن و یا آمیزش جنسی؟ روزه غیر ماه رمضان چند قسم است: روزه مستحبی؛ اگر کسی روزه مستحبی بگیرد واجب نیست آن را به آخر رساند بلکه اگر برادر مؤمنش او را به غذا دعوت کند مستحب است دعوت او را قبل کند و در بین روز افطار نماید. [1] روزه نذری؛ اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد چنانچه در آن روز عمدا روزه خود را باطل کند باید يك بنده آزاد نماید یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد [2]، . ولی اگر نذر مطلق باشد می تواند در روزی که قصد کرده روزه بگیرد، افطار نماید چه قبل از ظهر و چه بعد از ظهر. رالبته روزه عهدهی هم مثل نذری است. [3] روزه قضای ماه رمضان؛ کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمدا کاری که روزه را باطل

مي كند انجام دهد، بايد به ده فقير هر كدام يك مُد كه تقريباً ده سير است، طعام بدهد و اگر نمي تواند، بنابر احتياط واجب بايد سه روز پي در پي روزه بگيرد. [4] قضاي روزه معين غير ماه رمضان؛ اگر قضاي روزه معين را گرفته باشد، احتياط واجب آن است كه بعد از ظهر روزه را باطل نكند. [5] روزه قَسَم؛ اگر قسم بخورد كه روز معين را روزه بگيرد، چنان چه عمدا مخالفت كند و آن روز را روزه نگیرد، بايد كفاره بدهد. يعني يك بنده آزاد كند، يا ده فقير را سير كند يا آنان را بپوشاند و اگر اينها را نتواند، بايد سه روز روزه بگيرد. [6] [1] - توضيح المسائل، امام خميني، مسئله 1748. [2] - همان، مسئله 1672. [3] - همان، مسئله 2669. [4] - همان، مسئله 1687. [5] - همان، مسئله 1701. [6] - همان، مسئله 2670. پایگاه حوزه 1-9537

آیا قمه زدن حرام است؟

آیا قمه زدن حرام است؟ بنابر فتوای علماء بزرگ از جمله حضرت امام خمینی (ره) و همچنین رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای و دیگر مراجع تقلید شیعه، قمه زدن به جهاتی جایز نیست که عمدۀ آن وهن مکتب تشیع می باشد. امروزه قمه زنی موجب بی اعتباری مذهب و لطمه زدن به حیثیت آن است و حفظ آبروی مذهب از اوجب واجبات است. پایگاه حوزه 1-1723

ص: 13

آیا ممکن است توضیح کوتاهی در باره خمس و احکام آن بیان کنید؟ 1. خمس از فروع دین است که پرداخت آن در هفت چیز واجب است: اول: منفعت کسب، دوم: معدن، سوم: گنج، چهارم: مال حلال مخلوط به حرام، پنجم: جواهری که بواسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می آید، ششم: غنیمت جنگ، هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. شرح بیشتر و تفصیل تمام جزئیات و نحوه محاسبه خمس اموال در رساله های عملیه آمده است. 2. خمس به دو بخش سهم سادات و سهم امام (ع) تقسیم می شود که سهم سادات به سادات فقیر تا به اندازه خرج يك سال پرداخت می شود و سهم امام هم توسط مرجع تقلید در امور عام المنفعه و صلاح دید او مانند اداره امور حوزه های علمیه دینی و... مصرف می شود. 3. در بعضی از جزئیات احکام خمس اختلاف نظرهای جزئی وجود دارد که هر کس باید به مرجع تقلید خویش مراجعه نماید. 4. کسی که مال او مشمول خمس شده است حق تصرف در آن بدون پرداخت خمس را ندارد مگر با اجازه مرجع تقلید. 5. نماز خواندن در زمین و خانه و یا پوششی که خمس آن پرداخت نشده باشد در حکم غصب بوده و باطل است و همین

طور غسل کردن و یا وضو گرفتن با آبی که از پول غیر خمس داده شده تهیه شود، باطل است. [i] [i] - توضیح المسائل (المحشی للإمام
الخمینی)، ج 2، ص: 7 پایگاه حوزه 7975

ص: 15

احكام طهارت يا نجاست كفار و ارتباط با آنان

با توجه به ارتباط كاري با كفار، و تماس با آنها، تكليف من نسبت به طهارت در نماز، خوراك و پوشاك، چگونه است؟ نجاست آن گاه سرايي ت مي كند كه عي ن نجس ي اكسي كه نجس مي شود (متنجس) داراي رطوبت قابل سرايي ت و انتقال باشد و اگر بدن شما و آنها خشك باشد در واقع با ملاقات نجس، نجس نمي شود. مجرد احتمال تماس دست مرطوب كفار، با مواد غذايي، براي وجوب اجتناب كافي نيست، بلكه تا يقين به تماس حاصل نشود، حكم به طهارت مي شود [i]. راما در مورد نماز اگر لباس شما تر نباشد ي بدن آنان كه با شما برخورد مي كنند رطوبت نداشته باشد نجس نمي شود و در صورت نجس شدن باي د آن را تظه ي ر كرد و اگر فرصت براي تظه ي ر نباشد مي توان ي د لباسها ي ي كه نجس شده مثلا كت خود را در آورده و با بق ي ه لباسها نماز بخوان ي د و اگر آن هم م ي سورت ي ست و فرصت براي نماز اندك است با همان لباس نجس نماز بگذاري د و

قضا هم ندارد [ii] . و نبای د اجازه ده ی د که نماز شما قضا شود. البته طبق نظر آیت الله خامنه ای کافر اگر از اهل کتاب باشد، نجس ذاتی نیست و تماس دست مرطوب او باعث نجاست نمی شود [iii] مگر نجاست عرضی در ست یا بدن او باشد . [i] توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 1 ص 151 س 333، أجوبة الاستفتاءات (بالفارسية) ص 66. [ii] أجوبة الاستفتاءات (بالفارسية) ص 32، س 167. [iii] أجوبة الاستفتاءات (بالفارسية) ص 66، س 333 . پایگاه حوزه 1-6935

ص: 17

احکام غسل، کفن و نماز بر میت در حال اضطرار

اگر در مقام ضرورت جنازها را غسل و کفن نداده و نماز نخوانده باشند، حکم چیست؟ 1- بطور کلی اگر مسلمانی از دنیا برود بر سایرین واجب است که به غسل و کفن و نماز او همت بگمارند و اگر بدون اینها دفن شود در صورت عدم هتک حرمت برای غسل و کفن باید نبش قبر شود [1] ولی نماز را بر قبر او می توان گذارد [2] و در شرایط اضطرار مثلاً نبود آب سدر و کافور بجای اغسال ثلاثه به هر مقدار از این اغسال که ممکن است کفایت می شود فرضاً اگر امکان غسل با سدر یا کافور یا هر دوی آنها نباشد به جای آنها غسل با آب خالص می شود و یا اگر آب به اندازه یک غسل فقط باشد بجای دو غسل دیگر تیمم بجا آورده می شود و یا در صورت تعذر از استفاده آب بجای غسل تیممهای سه گانه جایگزین می شود [3] و در کفن هم بایستی سه تکه شامل قمیص و منتر و ازار داشته باشد لکن در صورت عدم تمکن از بعضی از آن به هر مقدار که ممکن است و در صورت عدم تمکن از هیچ یک به قدر ستر عورت کفایت می شود [4] که قطعاً

در مورد حادثه بم با توجه به فرهنگ پوشش آن ناحیه این گونه بوده است. [1] توضیح المسائل امام خمینی احکام طهارت مسأله 643.
[2] همان، مسأله 607. [3] همان، مسأله 550. به بعد. [4] همان، مسأله 570 به بعد. پایگاه حوزه 2-9784

ص: 19

احکام نگاه به نامحرم از داخل آئینه

نگاه کردن به زن نامحرم از داخل آئینه و شیشه چه حکمی دارد؟ 1- در حالت عادی نگاه کردن به نامحرم چه در آئینه و چه در شیشه و آب و مانند آن حرام است. [1] 2- در مقام ناچاری و درمان که جزء با رؤیت ممکن نیست دیدن نامحرم از داخل آئینه و شیشه اشکال ندارد. [2] 3- البته این احکام مربوط به نگاه کردن به نامحرمی است که جایز نیست به او نگاه کنیم یا عضو یا اعضایی از او که نگاه کردنش حرام است می باشد ولی اگر نامحرم از کسانی باشد که نگاه کردن بدون ریبه به او اشکال ندارد (مانند زنان اهل کتاب) [3] یا اموری که از منع نگاه استثناء شده اند مثل وجه و کفین ایرادی ندارد. [1] توضیح المسائل امام خمینی، احکام نگاه، مسأله 2436. [2] توضیح المسائل امام خمینی، احکام نگاه، مسأله 2442. [3] توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسأله 2434 پایگاه حوزه 1984

ص: 20

علت اختلاف بین علما در مورد رؤیت هلال ماه شوال چیست؟ از جهت فقهی راه های ثبوت هلال در موارد زیر خلاصه می شود: دیدن خود شخص. عده ای که از گفتن آنها یقین پیدا می شود، بگویند ماه را دیده ایم و همچنین است هر چیزی که بواسطه آن یقین پیدا شود. گذشتن 30 روز از اول ماه قبل که اول ماه بعد ثابت می شود. بینه شرعی (خبر دو نفر عادل) حکم حاکم شرع اگر علم به خطای او وجود نداشته باشد. [i] و در واقع آنچه که یقین آور است می تواند ملاک و مستند قرار بگیرد، و از اینجاست که اختلاف حاصل می گردد. یعنی برای شخصی از طریق یکی از راهها، یقین حاصل می شود و برای شخص دیگری چنان یقینی حاصل نمی گردد، و البته چنین چیزی، طبیعی تلقی می گردد و مشکلی را هم برای کسی ایجاد نمی کند. چون هر کس وظیفه دارد به یقین خود عمل کند ولو اینکه دیگران از این یقین برخوردار نباشند. البته باید توجه داشت که مبانی و فتاوی علما در این باب هم اختلاف دارد مثلاً 1- بعضی از مراجع عظیم الشان فعلی، رؤیت هلال با چشم مسلح را در ثبوت اول ماه کافی می دانند. 2- اما گروهی دیگر از این بزرگواران فقط رؤیت

با چشم غیر مسلح را درست می دانند. 3- مبنای برخی دیگر از آنان در ثبوت اول ماه، اشتراک در شب (به این معنی که در لحظه رؤیت هلال در نقطه ای از زمین، ماه جدید برای سایر نقاطی هم که در شب قرار گرفته اند، ثابت می شود). 4- مبنای عده ای دیگر اشتراک آفاق است (به این معنی که در هر کجای زمین هلال دیده شود، اول ماه برای تمام نقاط زمین شروع می گردد). 5- اما جمع دیگری از مراجع بزرگوار نیز هستند که هم قائل به اختلاف آفاق هستند و هم بر رؤیت با چشم غیر مسلح تأکید دارند. 6- نظر دیگری که هست این است که اگر منطقه ای ر که در آن منطقه ماه دیده شده در شرق منطقه شما قرار داشته باشد برای منطقه شما هم حجت است. [i] توضیح المسائل امام خمینی، مساله 1730 و 1731. پایگاه حوزه 7-3595

من دختری هستم که پدرم اجازه داده تا با پسری هر وقت که او به خواستگاریم آمد ازدواج کنم و عقد دائم کنم اما من بدون اجازه او عقد موقت کردم، لطف کنید و بگوئید ازدواج موقت دختر بدون اذن پدر چه حکمی دارد؟ اذن پدر در ازدواج دائم و یا موقت دختر باکره را بعضی از فقهاء شرط صحت عقد ازدواج و نکاح می دانند و بعضی هم يك وظیفه می دانند ولي عقد را صحيح می دانند. اما اگر کسی باکره نباشد اذن ولي لازم نیست مگر باکره بودن او بر اثر عدم ازدواج شرعی از بین رفته باشد که در این مورد باز اختلاف نظر می باشد. شما که وظیفه دارید مسائل شرعی را از يك مجتهد جامع الشرايط تقليد کنید بهتر آن است که مرجع تقليد خود را معرفی کنید تا احکام مربوط به شما بر اساس فتوای آن مجتهد واضح تر بیان شود. اما در مورد اذنی که پدر به شما داده است اگر منحصر به عقد دائم است نمی توانید بدون اذن او ازدواج موقت کنید ولي اگر اذن او عام باشد و ازدواج دائم و موقت هر دو را در بر بگیرد می توانید ازدواج موقت هم نمایید. [1] [1] نك: توضیح المسائل (المحشی)

للإمام الخميني) ج 2 ص 458 مسأله 2377 . پایگاه حوزه 7364

ص: 24

اذن پدر در ازدواج موقت

من مدتی است که با پسری دوست هستم و خانواده ما نیز از این مساله باخبرند و موافقت کردند تا در موقعیت مناسب، با هم ازدواج کنیم. ما بدون نظر آنها صیغه موقت خواندیم، آیا صیغه موقت صحیح است یا نه؟ به فتوای بعضی از فقها بدون اذن پدر یا پدر بزرگ نمی‌توانید به عقد آن پسر در آید و اگر زن هستید ایرادی ندارد و در هر صورت به توضیح المسائل مرجع تقلید خود رجوع کنید و جهت احتیاط چنانچه ممکن است این عمل را هم با اذن و اجازه پدر انجام دهید. پایگاه حوزه 0264

ص: 25

اشکال به انقلاب و امام خمینی (ره)

پدرم امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران را دوست ندارد، او فکر می‌ظن کند که امام خمینی (ره) قاتل 80000 انسان است، بخاطر این مسایل من و فعالیت‌هایم را دوست ندارد و می‌ظن گوید که شما نباید توضیح‌المسایل و سخنرانی‌های انقلابی را بخوانید زیرا فکر ترا عوض می‌کنند. آن‌انکه به حضرت امام خمینی (ره) ر عشق نمی‌ورزند و احياناً آن شخصیت عظیم‌الشان را مورد اتهاماتی از قبیل آنچه ذکر شد قرار می‌دهند، به یقین ایشان را نشناخته‌اند. در ایام انقلاب و پیروزی پرشکوه آن، مأموران شاه به سوی مردم گلوله پرتاب می‌کردند و مردم به فرمان امام خمینی (ره) ربه آنها گل‌هدیه می‌کردند. امام می‌کوشید که حتی خون یک انسان بی‌گناه ریخته نشود و کوچکترین ستمی را بر احدی روا نمی‌دانست. جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران هم که بر همه روشن است و می‌دانند که آغازگر جنگ رژیم عراق بوده است. ایران تنها از خاک و ناموس و شرف خود دفاع کرده است. آیا این قتل‌ها را امام خمینی (ره) رانجام داده است؟ بد نیست یک داستان از تاریخ برایتان بیاوریم، این جمله پیامبر (ص) مشهور و معروف بود که ایشان فرموده بودند عمار را گروهی یاغی و طاغی و سرکش

شهید خواهند کرد و تقریباً بین مسلمانان شهرت همگانی داشت [i] . جناب عمار در جنگ صفین در رکاب حضرت امیر(ع) می جنگید. او در همان جنگ به دست لشکریان معاویه به شهادت رسید. تردید و دودلی در میان سپاهیان شام بالا گرفت و می رفت که شالوده آن سپاه جاهل و بی خبر در هم ریخته شود. معاویه با همکاری دستیار و همدستش حلیه ای اندیشید و گفت به لشکریان من بگویند که علی قاتل عمار است اگر او عمار را به این جنگ نمی آورد چگونه عمار کشته می شد؟ وقتی این سخن سست و بی پایه به گوش حضرت امیر(ع) رسید امام فرمود: بنابر این باید پیامبر اکرم(ص) قاتل حمزه(ع) باشد چون او حمزه را به جنگ مشرکین آورد [ii] . حال آیا منطق آنان که امام خمینی (ره) را قاتل انسان ع ها می دانند مطابق منطق معاویه و امثال او نیست! [i] مسند أحمد ج 3 ص 91 . و البخاری ج 2 ص 87 . و السیرة النبویة ج 2 ص 142 و 143 . و سنن الترمذی ص 542 . و خصائص النسائی ص 29 . (به نقل از [ii] [defar.ten] رنورالابصار، ص 89 (به نقل از سایت پیامبر اعظم) و مروج الذهب ج 2، ص 381 (به نقل از سایت نمایندگی رهبری در دانشگاهها)

ص: 27

و كشف الغمة ج: 1 ص: 260 و بحار الأنوار ج: 33 ص: 16. پایگاه حوزه 2-3424

ص: 28

اشکالات و محدودیت های پوشیدن لباس روحانیت برای جامعه و افراد روحانی

با توجه به روایاتی که در رابطه با لباس شهرت وارد شده است و فقهای بزرگوار و مراجع تقلید نیز بر اساس آنها فتوای به تحریم داده اند، و با توجه به این که بعید نیست این تحریم، تحریم عقلی بوده باشد به جهت این که عقل به نیکی درک می کند که اگر لباسی موجب تمایز گردد، زمینه معصیت را برای دیگران فراهم می کند، به عبارتی خودش را در معرض تهمت قرار می دهد، از اینها گذشته فردی که چنین لباسی را می پوشد از لحاظ روحی و فکری آرامش را از دست خواهد داد و همیشه با نوعی التهاب و اضطراب در جامعه حضور خواهد داشت. اگر بخواهیم در رابطه با لباس روحانیت یک بحث فقهی ارائه دهیم، باید ارتباط این لباس را با لباس شهرت، که در روایات ما از آن نهی شده است، بررسی کنیم که آیا لباس روحانیت در شکل متعارف خود (عمامه، عبا، قبا، نعلین)، آیا یکی از مصادیق لباس شهرت هست یا نه؟ در این که لباس شهرت از نظر اسلام حرام است، بحثی نیست و این حکم در روایات ائمه معصومین علیهم السلام در وسائل الشیعه در کتاب

«الملايس» آمده است. بحث در اين است، كه لباس شهرت چيست؟ چه ويژگي هايي دارد؟ و آيا ويژگي هاي لباس شهرت شامل ويژگي هاي لباس روحانيت مي شود يا نه؟ براي شناخت ويژگي هاي لباس شهرت بايد به سراغ كلمات فقها برويم زيرا در روايات در اين زمينه چيزي بيان نشده است. مرحوم صاحب عروه (ره) در تعريف لباس شهرت فرموده است: «پوشيدن لباس شهرت به اين است، كه شخصي لباسي كه از نظر جنس يا رنگ يا وضع و هيئت يا طرز دوخت، بر خلاف شخصيت اوست، بپوشد مثل اين كه يك دانشمند ديني (روحاني) لباس نظامي بپوشد، يا بر عكس، و همين طور حرام است كه زن، لباس اختصاصي مردان را بپوشد يا مرد، لباس اختصاصي زنان را بپوشد.» در كتاب معجم الفاظ فقه جعفري، در تعريف لباس شهرت آمده است: «لباسي است كه پوشيدن آن در نزد مردم، غير متعارف است و موجب مشهور شدن كسي كه آن را مي پوشد، در بين مردم مي شود، مثل اين كه مرد لباسهاي زنان را بپوشد و زن لباس مردان را بپوشد.» حضرت امام خميني (ره) در كتاب تحرير الوسيله تعريفی شبيه به تعريف صاحب عروه ارائه داده اند. مرحوم آيت الله العظمي خويي (ره) نيز تعريفی طبق تعريف صاحب عروه الوثقي نموده اند.

همین طور حضرت آیت الله تبریزی، حضرت آیت الله العظمی بهجت، و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای [1] نیز تعاریفی به همین مضمون دارند. با توجه به این تعاریف، لباس شهرت، لباسی است که حداقل دارای یکی از ویژگی های زیر باشد: 1 قماش (پارچه) آن غیر متعارف باشد. 2 طرز دوخت آن غیر متعارف باشد. 3 رنگ آن غیر متعارف باشد. 4 کیفیت پوشیدن آن غیر متعارف باشد. 5 لباس خیلی کوتاه یا خیلی بلند و گشاد باشد. اینها ویژگی هایی است که اگر هر کدام، در هر لباسی وجود داشته باشد، موضوع لباس شهرت حاصل می شود، و بدنبال آن حکم لباس شهرت، که حرمت است می آید. و الا ما از پیش خود نمی توانیم برای لباس شهرت مصداق درست کنیم. آیا لباس روحانیت دارای حداقل یکی از این ویژگی هاست؟ کدامیک این ویژگی ها در لباس روحانیت وجود دارد؟ باید گفت که هیچ کدام از این ویژگی ها در لباس روحانیت نیست. زیرا: 1- لباسی که هم اکنون به عنوان لباس روحانیت معروف است (عبا، عمامه، قبا، لباده، نعلین) از زمانهای دور در بین مردم کشورمان متداول بوده و هم اکنون نیز بخشی از مردم عزیز میهن اسلامی ایران مجموعه این لباس یا بخشی

از آن را به عنوان لباس خود استفاده می کنند. به عنوان مثال استفاده از قبا و عبا، در شهرهای جنوبی (استان خوزستان) مرسوم است و هم چنین استفاده از عمامه، در شهرهای استان خراسان زیاد به چشم می خورد. پس این لباس علاوه بر متداول بودنش در بین روحانیت، در بین بعضی اصناف دیگر مردم نیز معمول و متداول است. و پارچه آن، رنگ آن، دوخت آن، کیفیت پوشیدن آن و اندازه آن خیلی متناسب و موزون است. 2- درست است که بعضی از افرادی که این لباس را می پوشند ممکن است مورد تمسخر و استهزاء خیلی از افراد قرار گیرند، اما این تمسخر، اولاً همیشگی نیست و ثانیاً عمومیت ندارد بلکه در همین جامعه کنونی اقشار زیادی را می بینیم که برای این لباس احترام و قداست خاصی قائل هستند. و گروههایی نیز اگر چه برای آن قداستی و احترامی قائل نیستند، اما بی احترامی هم نمی کنند و آن را يك لباس صنفی مانند لباس سایر اصناف می دانند، تنها گروه اندکی و در زمانی خاص ممکن است آنها را مورد استهزاء قرار دهند. 3- در همین شرایط فعلی جامعه ما که تبلیغات مسموم و دشمنان بر علیه روحانیت به اوج رسیده است، اگر بزرگانی همچون مراجع

معظم تقلید یا استاد مطهری (ره) یا استاد حسن زاده آملی، استاد سید جلال الدین آشتیانی (ره)، علامه طباطبایی (ره)، الهی قمشه ای (ره) و... با این لباس در مجامع حاضر شود، آیا مورد تمسخر قرار می گیرند؟ یا بالعکس اگر این لباس را بر تن نداشته باشند جای تعجب و سؤال همگان، حتی معاندین است؟ 4- بسیاری از افرادی که این لباس را مورد تمسخر قرار می دهند، اگر با مهربانی و منطق با آنها صحبت شود و علت پوشیدن این لباس و ویژگی های آن برای آنان بیان شود، قانع می شوند و به اشتباه خود پی می برند و معذرت خواهی می کنند، و شما در می یابید که علت تمسخر آنان صرف پوشیدن این لباس نیست، بلکه اینها در حقیقت دین و هویت صنفی روحانیت را تمسخر می کنند، به همین دلیل اگر يك نفر روحانی لباس شخصی بر تن نداشته باشد، ولی کارت عضویت خود در حوزه علمیه را نشان دهد و خود را روحانی معرفی کند، باز مورد تمسخر آنان قرار می گیرد. و یا اگر او را تمسخر نمی کنند به این دلیل است که می پندارند او از هویت صنفی خود کنار گرفته است، ولی اگر دریابند که از هویت خود کنار نگرفته است همان برخورد

را با او دارند. 5- در کشور عزیزمان در برهه های مختلفی نظیر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حتی افراد غیر مسلمان و غیر انقلابی هم، برای همه روحانیت احترام خاصی قائل بودند (تا چه رسد به مسلمانان و انقلابیون) و هر فرد روحانی را به صرف داشتن این لباس مورد احترام قرار می دادند و حاضر بودند تا سر حد جان از او در مقابل ساواک و دژخیمان رژیم پهلوی دفاع نمایند. همه اینها ادله و قرائنی است که به هیچ وجه لباس روحانیت مصداق لباس شهرت نیست و نمی توان آن را به عنوان یکی از صغریات لباس شهرت مطرح کرد. البته انکار نمی کنیم که پوشیدن لباس روحانیت، محدودیت ها و محرومیت هایی را به همراه دارد که فرد روحانی باید قبل از این که ملبس به این لباس شود، از آنها آگاهی داشته باشد و بعد از آن اقدام به پوشیدن آن بکند، تا بتواند با مشکلات احتمالی آن کنار بیاید و یا آنها را رفع نماید. نکته دیگر این که، پوشیدن لباس مقدس روحانیت واجب شرعی نیست. ما برخی از بزرگان را می شناسیم که در حوزه های علمیه تا مدارج عالی (اجتهاد) تحصیل کرده و هم اکنون نیز خدمتگزار اسلام و حوزه های علمیه

بوده اند، ولي به خاطر مسائلي لباس نپوشیده اند و هيچ کس هم آنها را متهم به ترك واجب يا ارتکاب حرام ننموده است. آنان تشخيص داده اند که بدون لباس بهتر مي توانند خدمت کنند. بنا بر اين در مواردی که لباس واقعا مانع از ارتباط بهتر با جوانان باشد، و مانع از آن وظیفه اصلي و بلکه يك ضد تبليغ باشد، شايد لازم باشد که فرد روحاني تحصيل کرده حوزه، با لباس ديگري به تبليغ از دين و وظیفه طبابت روحي جامعه پردازد. ولي در عين حال که کلام شما را در مورد مشکلات تماس با جوانان و جامعه، انکار نمي کنيم بايد بگوئيم، همين امروزه کم نيستند روحانيون موفقي که چه در داخل، و چه در خارج از کشور، در اجتماعات مختلف علمي، فرهنگي، هنري، ورزشي و... شرکت مي کنند و در جذب جوانان و حل مشکلات آنها بسيار موفق بوده اند. و اين لباس نه تنها مانع آنها نبوده بلکه بسيار در موفقيت آنان مؤثر بوده است. [i] لباس شهرت لباسي است که پوشیدن آن براي شخص، بخاطر رنگ يا کيفيت دوخت يا مندرس بودن آن و علل ديگر مناسب نيست، به طوري که اگر آن را در برابر مردم به پوشد توجه آنان را به

خود جلب نموده و انگشت نما مي شود. أجوبة الاستفتاءات (بالفارسية) ر ص ر 304 رر س 1360- توضیح المسائل (المحشي للإمام
الخميني) ج 1 ر مسأله 845 لباس شهرت ر ص : 466 پایگاه حوزه 2286

ص: 36

من در مورد موهاي زايد بدن و زدن آنها توضيح مي خواهم؟ تراشيدن موهاي زايد بدن مستحب است و تنها تراشيدن ريش و موهاي صورت با تيغ يا مثل تيغ براي مردان به احتياط واجب [i] يا فتوي [ii] ، حرام و غير جايز است. تراشيدن موهاي زائد با تيغ اشکالي ندارد و همچنين زدودن آنها با هر وسيله اي که موجب ضرر به بدن نشود اشکال ندارد. [i] امام خميني (ره) چنين ديدهاي داشتند. [ii] [فرق ايندو تعبير در موارد مختلف بيان شده است، لطفا بدان جا رجوع شود. پاينگاه حوزه 8394

اطلاعاتي پيرامون شاه و انقلاب اسلامي ايران مي خواستيم؟

من يك گزارش بزرگ درباره ايران تهيه مي کنم ولي واقعاً قسمت انقلاب را نفهميده ام، در باره شاه چيزي نمي دانم آیا شما مي توانيد نکاتي را به صورت ساده در اختيار من قرار دهيد. بدون ترديد انقلاب اسلامي ايران را بايد يکي از بزرگترين و تاثيرگذارترين رخدادهاي اجتماعي دانست که نيمه دوم قرن بيستم را فراگرفته است، اين انقلاب که در سال 1979 ميلادي (1357 شمسي) به رهبري حضرت آيه الله العظمي خميني (ره) و بعد از مبارزات و قيامهاي دامنه دار که از چندين سال قبل شروع شده بود به پيروزي رسيد و مبتني بر يك مکتب ديني و الهي يعني اسلام است. ظلم و ستم هاي رژيم شاهنشاهي، اهانتهايي که در طول حدود نيم قرن (دوره حکومت سلسله پهلوي) به احکام دين و رهبران ديني روا داشته شد، دخالتهايي که دول استعمارگر بالاخص آمريکا و انگليس در امور کشور مي نمودند، غارت منابع ثروت ملت ايران حمايت رژيم شاه از رژيم غاصب صهيونيستي، همچنين فقدان آزاديهاي مشروع در جامعه، سانسور شديد، رواج مفاسد فرهنگي و اجتماعي، گسترش دامنه ي فقر و... مجموعه عوامل ي بود که باعث شد، در سال 1357 شمسي مردم ايران در تظاهراتي گسترده که همه اقشار مردم در آن شرکت مي نمودند و

در تمام شهرها و حتی روستاهای کشور صورت می گرفت خواستار سرنگونی رژیم شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی گردند. در نتیجه این تظاهرات که تعداد فراوانی شهید و مجروح در پی داشت شاه ایران محمد رضا پهلوی - که از سال 1320 شمسی - پایان جنگ جهانی دوم بر این کشور حکم می راند، مجبور شد که در 26 دی ماه 1357 از کشور بگریزد، 16 روز بعد یعنی در روز 12 بهمن 1357 حضرت امام خمینی که از حدود 15 سال پیش در تبعید بسر می برد (نخست کشور ترکیه و بعداً کشور عراق) به کشور بازگشت و مورد استقبال میلیونها ایرانی قرار گرفت. انقلاب اسلامی ده روز پس از ورود امام خمینی به ایران یعنی در 22 بهمن 1357 به پیروزی رسید. و بدین ترتیب سلسله پهلوی که از سال 1304 شمسی (سال تاجگذاری رضا شاه، پدر محمد رضا) روی کار آمده بود، منقرض شد. در اولین سال پیروزی، مردم ایران طی فراندومی با شکوه، با اکثریت 99% به برپایی نظام جمهوری اسلامی رأی آری دادند. این انقلاب به منظور حاکمیت قوانین دین مبین اسلام، پاسداری از حقوق مردم، قطع کردن دست استعمارگران از کشور، برقراری عدالت و دفاع از ستمدیدگان و مظلومان در سرتاسر جهان تحقق یافته و با حمایت های بی شائبه

مردم، بیش از 20 سال است که علی‌رغم کارشکنی‌ها و مخالفت‌های دشمنانش بالاخص دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی به مسیر خود ادامه می‌دهد چنانچه اطلاعات دیگری راجع به انقلاب اسلامی خواسته باشید خوشحال می‌شویم که ما را مطلع سازید. پایگاه حوزه

1331

ص: 40

نظر فقها درباره امام جماعت شدن زنان در نمازهای مختلط چیست؟ اگر مأموم مرد است امام او هم باید مرد باشد. [i] و احتیاط واجب آن است که امام زن نیز مرد باشد. [ii] و نیز حضرت امام(ره) در تحریر الوسیله به همین فتوا تصریح دارد که: «اگر مأموم مرد است امام هم باید مرد باشد» [iii] اما امامت زن برای زن را هر چند با احتیاط واجب جایز نمی داند ولی بعضی از مراجع تقلید جایز دانسته اند. [iv] هم چنین از فقهای شهیر در گذشته مانند مرحوم شیخ طوسی که از علماء و فقهای برجسته شیعه و بنیان گذار حوزه علمیه نجف اشرف بوده است، امامت زن برای زن را مستحب می داند. «و يستحب للمرأة ان تؤم النساء» [i] . [v] - به فتوای فوق و مذکور: حضرت امام خمینی، حضرت آیت الله بهجت و حضرت آیت الله خامنه ای تصریح دارند. و نیز آیات عظام تبریزی، خوئی، اراکی و فاضلی با فتوای حضرت امام موافقت و حاشیه ندارند. [ii] - رساله مراجع، ج 1، ص 819 [iii] - تحریر الوسیله، ص 274 [iv] - حضرت آیت الله مکارم شیرازی امامت زن برای زن را جایز دانسته است. رساله مراجع ص 819. [v] - کتاب خلاف، ج

1، ص 562، مسئله 313، چاپ جامعه مدرسین. پایگاه حوزه 4-7196

ص: 42

امام خميني و پيروي از فرق صوفيه

آيا امام خميني مرید يکي از فرق صوفيه که مدعي ارتباط با امام زمان (عج) بودند؟ امام خميني (ره) که خود مراد همه دلها بود، مرید هيچ فرقه اي از فرق صوفيه نبوده و فقط و فقط مرید امام زمان (عج) ارواحنا فداه و ائمه معصومين (ع) بودند. و هرگونه دنباله روي و پيروي از چنين فرقه هايي که هر روز به لباسي در آمده و ادعاهايي را جهت اغفال عوام الناس بکار مي گيرند، نهي مي فرمودند. و هميشه به وظيفه اصلي و انتظار به معنای واقعي، که همان انجام اعمال صالحه و دوري از گناهان و دعا در تعجيل فرج و زمينه سازي قيام جهاني حضرت ايشان است را، امر مي فرمودند و چگونه خود ايشان (که در مقام بالايي از معنويت بودند)، هيچ وقت حتي به ايماء و اشاره و هيچ لفظي ادعای ارتباط نکردند، پيروي از چنين فرقي را نموده، و يا توصيه به اين امور نمایند؟ پایگاه حوزه 3-1355

از میان تفاسیر قرآن کریم کدام تفاسیر بیشتر مورد توجه حضرت امام خمینی(ره) قرار داشت؟ امام(ره) می فرماید: به عقیده نویسنده تا کنون تفاسیر برای کتاب خدا نوشته نشده به طور کلی معنی (تفسیر) کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید، مفسر وقتی (مقصد) از نزول را به ما فهماند مفسر است نه (سبب) نزول به آن طور که در تفاسیر وارد است. [i] امام در جای دیگری می فرماید: بسیاری از مفسرین که از این دو طایفه [عرفاء و امثال طنطاوی و سید قطب] نبودند اینها تفاسیری دارند مثل مجمع البیان که تفسیر خوبی است و جامع بین اقوال عامه و خاصه هست. [ii] از این کلمات ایشان استفاده می شود که هیچ کدام از تفاسیر موجود، تفسیر ایده آل ایشان نبوده است زیرا هیچکدام نتوانسته است مقاصد الهی را بیان نماید. ولی با این حال ایشان تفسیر مجمع البیان را بر دیگر تفاسیر موجود ترجیح داده اند [i] آیین انقلاب اسلامی گزیده ای از اندیشه و آراء امام خمینی (ره) ص 84 و 85. [ii] همان صفحه 8079. پایگاه حوزه 2854

آیا می‌توان یکی از چشم‌های خود را به یک شخصی "مانند دکترها، معلمان و..." که کور است اهداء کرد، به کسی اهداء کرد که با خیال راحت تر می‌تواند به نوع بشر خدمت نماید؟. مطابق با فتوای حضرت امام خمینی (ره) قطع کردن عضوی از شخص زنده و پیوند آن به شخص دیگر با سه شرط جایز است: الف: حیات بیمار، متوقف بر پیوند آن عضو باشد. ب: تا جایی که امکان دارد، عضو مورد نیاز از بدن غیر مسلمان برداشته شود (در صورت امکان استفاده از اعضای بدن غیر مسلمان، قطع عضو بدن مسلمان جایز نیست). ج: پس از قطع عضو، خطر جانی، متوجه اعطاء کننده نشود. بنابراین پیوند اعضای بدن مانند کلیه و دست و... با وجود شرایط فوق جایز است. [1] [1]

منابع: الف: احکام پزشکان و مشاغل مربوط به پزشکی ص 44. ب: راستنات، ج 2، ص 44 43. پایگاه حوزه 3123

اهمیت تحصیل برای خانم‌ها و اولویت بین خانواده و تحصیل در شرایط مختلف

اهمیت تحصیل برای خانم‌ها چقدر است و در شرایط مختلف آیا باید خانواده در اولویت قرار گیرد یا تحصیل؟ 1- از دیدگاه اسلام تحصیل برای خانم‌ها همان اهمیت را دارد که برای مردها و این یک شعار نیست بلکه حقیقتی است که از زبان فقیه بزرگ و عارف نستوه حضرت امام خمینی به عنوان یک اسلام‌شناس بزرگ می‌توان دریافت. ایشان می‌فرماید: نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است. زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند. آزادند در اینکه رأی بدهند [i] ر در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل حق کار حق مالکیت و حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد. لیکن هم در مورد مرد، مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در مورد زن، مواردی هست که به دلیل اینکه مفسده می‌آفریند حرام است. [ii] لذا در صدر اسلام ر مؤمن ع‌ترین زنها، دانشمندترین آنان بودند. حضرت فاطمه زهرا (س) از بزرگترین دانشمندان و حضرت زینب کبری (س) همین‌ع‌گونه بودند و امروزه در نظام مقدس جمهوری

اسلامی به عنوان سمبل ارزش‌های یک جامعه اسلامی عنایت خاصی در نظام، به تحصیل بانوان بر اساس آموزه‌های دینی می‌بینیم که تعداد و میزان دانشجویان دختر پذیرفته شده در کنکور در این سال‌ها بیشتر از آمار پسران پذیرفته شده می‌باشد. تشویق مکتب اسلام ربه تحصیل علم، شامل مردان و زنان است و هر دو موظفند از گهواره تا گور دانش بجویند. ر 2- بلی چنانچه از بیانات حضرت امام (ره) استفاده می‌شود اگر تحصیلات خانم‌ها منافات با وظایف خانوادگی داشته باشد از مواردی است که مفسده‌انگیز است و وظایف خانوادگی مقدم بر تحصیل می‌باشد چرا که وظایف خانوادگی از واجبات و تحصیل خانمها از مستحبات است. البته بر واضح است که اگر تحصیل مرد هم با وظایف خانوادگی منافات داشته باشد برای او هم وظایف خانوادگی مقدم بر تحصیل است. ولی اگر تحصیل مرد و زن بگونه‌ای باشد که اولاً واجب باشد و ثانیاً مهمتر از وظایف خانوادگی باشد اینجا تحصیل مقدم است. ناگفته روشن است که مراد از تحصیل، تحصیل علوم مفید به قصد آگاهی و خدمت به دیگران و برای رضای خدا باشد. وگرنه بسیاری دانشمندانی که دانش آنها آتش سوزنده‌ای است که جان خود و دیگران را می‌سوزاند. [i] - صحیفه نور، ج 4، ص 60

59. [ii] - صحيفه نور، ج 4، ص 34 33. پاڳاه حوزة 4403

ص: 48

باطل کردن روزه با چیز حرام از روی جهل

اگر کسی نداند که مکلف شده و روزه خود را با کار حرامی که نمی داند آن کار حرام است باطل کند چه حکمی دارد؟ 1 ج قضای آن روزه بر شما واجب است. 2 ج اگر مکلف جاهل قاصر بوده است، کفاره ندارد. و اگر جاهل مقصر بوده است، کفاره جمع دارد. یعنی هم 60 روز روزه گرفتن، و هم 60 فقیر را اطعام کردن، چون با کار حرامی روزه خود را شکسته است. 3- جاهل قاصر کسی است که در فهم مسأله کوتاهی نکرده است، بلکه کوتاه بوده است و فکر او به این مسأله نمی رسیده است. مثلاً یقین داشته است مسأله این گونه است و فکر نمی کرده که خلاف آن درست باشد یا مثلاً در محیطی بوده است که امکان دسترسی به منابع، جهت فهم مسأله نداشته است مثلاً علماء یا کتاب در دسترس او نبوده است. و جاهل مقصر کسی است که در فهم مسأله کوتاه نبوده است، بلکه کوتاهی کرده است مثلاً در مسأله دست کم شك داشته است، ولی جستجو نکرده و می توانسته است مسائل را بفهمد و به دست آورد ولی دنبال نکرده است [i]. [i] [توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني)، ج 1،

مسأله 1659 و 1665 ر پایگاه حوزه 2535

ص: 50

به همراه داشتن عکس شهداء در هنگام نماز

مگر اسلام تعلیم نمی دهد که بت پرستی حرام است؟ پس چرا ایرانیان در هنگام نماز عکس شهداء را همراه خود دارند؟ بسیاری از مسلمانان ها می گویند که شیعیان کافر هستند. منظور آنها از این مطلب چیست؟ اولاً: چنین عملی از مصادیق بت پرستی بحساب نمی آید زیرا بت پرستی بمعنای معبود قرار دادن بت و پرستش نمودن و عبادت کردن آن می باشد، صرف همراه داشتن عکس یا نماز خواندن جهت قبله که مثلاً درختی یا شخصی و یا... در آن جهت باشد این بت پرستی نیست. ثانیاً: ائمه اطهار (ع)، مسلمانان را از این کار باز داشته و نهی فرموده اند (بصورت نهی تنزیهی و کراهتی) و علماء نیز به پیروی از ائمه (ع) به این مسأله فتوا داده و تأکید نموده اند، امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله ج اول ص 139 کتاب الصلاه می فرماید: مکروه است برای نمازگزار که مقابلش آتشی شعله ور یا چراغ یا عکس صاحبان روح، باشد. دیگران که شیعه را کافر می دانند به خاطر سوء تفاهمی است که مسائل شیعه را درست نفهمیده اند به عنوان مثال اگر شیعه به پیامبران و امامان متوسل می شود هرگز به معنای این نیست که اینها شریک خدا هستند آیا توسل شما به دارو برای درمان به این معناست

که شما دارو را شریک خدا می دانید. استفاده از اسباب و علل در صورتی که آنها را مستقل در تأثیر ندانیم شرک نیست ولی دیگران این مسأله را خوب نفهمیده اند لذا شیعه را مشرک می دانند. پایگاه حوزه 3196

ص: 52

تزویج غیر بالغ توسط ولی و لزوم پرداخت مهریه

در رساله امام(ره) آمده است که: (اگر پدری برای پسرش در دورانی که هنوز پسر بالغ نشده است زن بگیرد پسر موظف است بعد از رسیدن به سن بلوغ) 15 سالگی) مهر زن را (در صورت طلب کردن زن) به زن بپردازد. این موضوع چندان با عقل جور در نمی آید زیرا پسر به خواست خودش زن نگرفته است و ممکن است هیچ علاقه ای هم به زنی که برای او گرفته اند نداشته باشد ولی مجبور است مهر زن را تمام و کمال بپردازد. آیا با عقل سالم جور در می آید؟ انصاف داشتن را باید با کسر و انجبار همه جانبه معین کرد آیا انصاف است که پدر بعد از مردن هر چه زحمت کشیده است و مالی را تدارک دیده است بدون کوچکترین تلاش و زحمت فرزندش به او برسد؛ وقتی چنین حقوقی برای فرزند محاسبه شده است این پدر هم يك دسته از حقوق را داراست از جمله این که اگر مصلحت بیند و واقعاً مصلحتی در کار باشد می تواند از ولایتی که بر فرزند خود دارد دختر یا خانمی را به عقد او در آورد و البته اگر عقد پدر برای فرزندش درست باشد طبیعی است که لوازم این عقد هم خواه ناخواه باید مورد پذیرش

قرار بگیرند بالأخره اگر پدر ولایت دارد و این ولایت داشتن او فلسفه خاص خود را دارد ممکن است در بعضی از موارد هم پی آمدهایی داشته باشد که زیاد مورد علاقه و یا حتی منافع ما نباشد. البته اگر مفسده اي در این عقد باشد موكول به اجازه این پسر بعد از بلوغ مي شود که اگر پذیرفت عقد درست است و الا درست نیست و در صورتی این عقد قطعی می شود که آن چه واجب است که رعایت شود پدر رعایت کرده باشد. اگر ولی و پدر فرزند بیش از اندازه مهرالمثل عقد را بسته باشد و مقتضای مصلحت او این عقد باشد مهر بر پسر لازم ولی اگر مصلحت تنها در ازدواج و عقد بود نه در مهر آن، عقد درست است اما پرداختن بیش از مهرالمثل واجب نیست اگر بعد از بلوغ پسر اجازه داد درست است و الا بر می گردد به مهر المثل حال اگر پسر قدرت پرداخت این مهر را نداشت پرداختن آن به عهده خود پدر است و اگر پدر فوت کند از مال او برداشته می شود. رجوع شود به تحریر الوسيله امام خمینی ج 2 کتاب النکاح، فصل فی اولیاء العقد.

پایگاه حوزه 1-5315

ص: 54

هنر اسلامي چيست؟ تعريف هنر اسلامي چيست؟ مي توان گفت هنر تجلي ابعاد و ساحت غير مادي انسان در عالم طبيعت است که گاهي در خدمت اندیشه متعالي انسانها است و گاهي در خدمت غرائز حيواني او قرار مي گيرد. هنر اسلامي آن هنري است که تجلي معنويت و تعهد انسان باشد و در خدمت تعالي اندیشه و عمل انسان قرار گرفته و موجب سستي و انحراف در فکر و عمل او نشود. هنري که تنها در خدمت غرائز مادي و پست بوده و تنها خدمتگزار جنبه هاي مادي بشر و احياناً در خدمت طواغيت و انسانهاي پست اندیشه و سست عنصر باشد، هنري مبتذل و غير ديني محسوب مي شود. امام خميني (ره) در مورد هنر متعهد مي گويد: تنها هنري مورد قبول قرآن است که صيقل دهندۀ اسلام ناب محمدي صلي الله عليه و اله و سلم، اسلام ائمه هدي عليهم السلام، اسلام فقراء دردمند، اسلام پا برهنگان، اسلام تازيانه خوردگان تاريخ تلخ و شرم آور محروميت ها باشد. هنري زيبا و پاك است که کوبنده سرمايه داري مدرن و کمونيزم خون آشام و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومايگي و اسلام مرفهين بي درد و در يك کلمه اسلام آمريکايي باشد. هنر در مدرسه عشق نشان

دهنده نقاط کور و مبهم و معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است، هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف و تجسم تلخ کامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. [1] [1] صحیفه نور، جلد 21، صفحه 30، تاریخ. پایگاه حوزه 4291

ص: 56

ممکن است تعريف دقيقی از موسيقي و غنا برای من ارائه دهید؟ 1- موسيقي و غنا دو امر متفاوت هستند موسيقي مربوط به آلات و ابزار خاص خود است ولي غنا صفت صوت و خوانندگي محسوب مي شود [1]. و به هر تقدير نبايد طرب انگيز و محرک باشند. البته معاني (طرب انگيز، محرک) معاني روشن و خالي از ابهام هستند گرچه ممکن است در مواردی مشکوک باشند که موارد مشکوک به لحاظ شرعي منعي ندارد. طرب انگيز آن صوت يا صدایي است که حالت سبكي و سبکسري به انسان بدهد که با کرامت ذاتي و انساني او ناسازگار است و محرک [2] آن صوت و صدایي است که موجب بر انگيختن شهوات جنسي آدم مي شود. و لذا گفته مي شود صدای زن بايد نازک و همراه با ناز و خضوع در بيان نباشد و الا حرام است قرآن کریم در آیه 32 سوره احزاب صريحاً از آن نهي کرده است: « يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ، اي همسران پیامبر! شما هم چون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند

که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند! « بنا بر این موسیقی مورد نظر و این خوانندگی حرام و خلاف شرع و محرک شهوات جنسی هستند. علامه طباطبایی در جلد 16 صفحه 309 المیزان در ذیل این آیه می فرماید: خضوع در قول عبارت از تریق، نرم کردن کلام با مردان به گونه ای که او را به ریبه و برانگیختن شهوات می خوانند. امام خمینی (ره) سخن گفتن زن را با مردان به این کیفیت حرام دانسته است. [3] و قهراً گوش دادن مرد هم به چنین صدایی حرام خواهد بود. 2- موسیقی اگر مناسب مجالس لهو و لعب نباشد و (در ضمن از جهت دیگری مانند مدح ظالم، ترویج کذب و تقویت باطل ممنوع نباشد، مباح و بدون اشکال است البته ممکن است دسته ای از فقها مطلق موسیقی را حرام بدانند که آن خود حدیث دیگری است ولی مشهور فقهاء این نظر را ندارند. [1] أجوبة الاستفتاءات (بالفارسیة) س 1137 : مقصود از موسیقی و غنا چیست؟ جواب: غنا یعنی ترجیع صدا به نحوی که مناسب با مجالس لهو باشد که از گناهان بوده و بر خواننده و شنونده حرام است. ولی موسیقی، نواختن آلات آن است که اگر به نحو معمول در مجالس لهو و گناه باشد،

ص: 58

هم بر نوازنده و هم بر شنونده حرام است. و اگر به آن نحو نباشد، في نفسه جائز است و اشكال ندارد. [2] مراد از محرّك اینجا محرّك شهوات جنسي است. [3] تحرير الوسيله ج 2 كتاب نكاح مسأله 29 ص 219. پایگاه حوزه 9564

ص: 59

تعلق خمس بر درآمد کسب و حقوق زن

آیا محاسبه خمس در آمد خانواده، از مجموع در آمد من و شوهرم کفایت می کند، یا من نمی توانم مخارج خانه را که عرفاً بر عهده مرد است، مخارج خود بدانم؟ هر يك از زن و شوهر، که در آمد جداگانه ای دارند، باي د براي خود سال خمسي قرار دهند، و مخارج خانه، بر عهده مرد بوده، و از مؤونه سال اي شان حساب مي شود، اما شما مي توان ي د در مخارج از در آمد خود، به شوهرتان هدي ه کن ي د، و ي ا خرج کن ي د و از مؤونه سال شما بشود، ولي ه ي چ وجوبي ندارد. بهر حال هر مقدار از حقوق هر يك از زن و شوهر اگر از مخارج سال زياد بيايد، صاحب حقوق، مالك آن است و بايد خمس آن را پردازد و چنان چه، زن به شوهرش بخشیده است و چيزي از آن چه بخشیده شده، زياد بيايد، خمس ندارد. [1] [1] استفتائات امام خميني (ره) ج 1 ص 386 س 127. پایگاه حوزه 1-6835

ص: 60

تفاوت های ازدواج دائم و موقت

فرق بین ازدواج دائم و موقت در چیست؟ صیغه ازدواج موقت چگونه است؟ ازدواج موقت مانند ازدواج دائم نوعی پیوند زناشویی و دارای مهر و عقد است با این تفاوت که دارای زمان معینی است و باید مقدار مهر و وقت تعیین شده باشد. و با اتمام زمان مورد توافق خود به خود و بدون اجرای طلاق به پایان می رسد و زن باید عده نگه دارد. و در این ازدواج نفقه بر مرد واجب نبوده و از یکدیگر هم ارث نمی برند. طبق نظر اکثر علماء صیغه عقد موقت در صورت امکان باید به صورت عربی باشد و در صورت عجز به غیر زبان عربی هم کفایت می کند [1]. به طور کلی در زناشویی چه دائم و چه موقت باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می خوانند و یا دیگری را وکیل می کنند و مرد می تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود عقد کند ولی احتیاط مستحب در آن است که عقد را دو نفر بخوانند دستور خواندن عقد موقت به شرح زیر می باشد. اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند بعد از آن

که مدت و مهر را معین کردند چنان چه زن بگوید به عربی (زوجتک نفسی فی المدة المعلومه علی المهر المعلوم) یا به فارسی (من خودم را به همسری تو در مدت معین با مهر معین در آوردم) بعد مرد بدون فاصله به عربی بگوید (قبلت) و یا به فارسی بگوید (قبول کردم) صحیح است و اگر اجرای صیغه عقد را به وکیل واگذار نمودند چنان چه وکیل زن بگوید (متعت موکلتی موکلك فی المدة المعلومه علی المهر المعلوم) یعنی بگوید (موکله خودم را به ازدواج موکل تو در مدت معین با مهر معین در آوردم) و وکیل مرد بگوید: (قبلت لموکلی هکذا) یعنی (قبول کردم برای موکل خودم همین طور) صحیح است. تذکر چند نکته دیگر: 1- مرد می تواند زنی را که صیغه کرده به عقد دائم در بیاورد. 2- فرزندان متولد شده از ازدواج موقت تمام حقوق فرزندی را دارند و ارث هم می برند. 3- در ازدواج موقت زن بدون اجازه شوهر می تواند از خانه بیرون برود و حتی اگر بچه دار شود حق هم خوابگی و خرجی را ندارد. [2] برای کسب اطلاعات بیشتر به توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه نمائید. [1] رتوضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني)، ج 2، ص 454،

مسأله 2370. [2] توضیح المسائل امام(ره) احکام نکاح ص 334 مسأله 2424 و 2425. پایگاه حوزه 4464

ص: 63

تمجید از صوفیه یا مشایخ عرفان در آثار امام خمینی(ره)

امام(ره) حاشیه بر کتاب فصوص الحکم محی الدین عربی را نوشته است. طبق نقل قول عده ای آن کتاب بر ضد اعتقادات اساسی اسلام و شیعه است و هم چنین نویسنده کتاب یک فرد ضد شیعی است، این مساله چگونه توجیح می شود؟ عرفان و معرفت حضرت حق جل و علا- یکی از محصولات غنی و پر ارزش فرهنگ اسلام و بر خاسته از متون دینی این مکتب است. عرفان خود یک دانش و راه و رسمی است که برای خود قواعد و اندیشه های خاصی را دارد. افرادی که جمود بر ظواهر دینی دارند و خیال می کنند که مخاطب دین تنها عامه مردم هستند و انسانهای مقرب و دارای مقامات روحانی را تربیت نمی کند، عموماً با عرفان حقیقی مخالف هستند. و با عرفا و علماء ربانی از در مخالفت و سر معاندت بر می خیزند. البته تردیدی نیست که در میان طبقات صوفیه مانند دیگر طبقات، قشرهای منحرف و بدعت گزار کم نیستند. اما عرفان ناب و خالص و متخذ از متون اصلی دین مانند قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم(ص) و ائمه اهل البیت علیهم السلام خود حدیث دیگری است. حضرت امام خمینی(ره) فقیهی جامع و متبحر بودند که در عین

فقاہت به عنوان حکیمی استوار و صاحب رأی شناخته می شد و هم او عارفی کامل و سالکی تمام بود که در پرتو عرفان و معنویت به درجات بلند قرب الهی نائل آمده بود. امام در عین انقیاد به احکام نورانی اسلام و تعبد تام و تمام، انسانی روشن و به دور از تعصب و تحجر بودند و در این مسیر با این که در کتاب معراج سالکین خود بارها صوفیه رسمی را نقد می کند اما از عرفان اسلامی دفاع جدی می کند و مشایخ قوم را تعظیم می کند. عرفان و تشیع در مبحث (ولایت) با هم گره خورده و نزدیکترین موقعیت را نسبت به هم می یابند. همیشه افرادی بوده اند که با استفاده از مطالبی که به مردم پوشیده است خود را ترویج کرده و احیاناً خواسته اند کسانی را بد نام کنند، اما خورشید حقیقت تابان خواهد شد و روسیاهی و درماندگی از آن کسانی است که از جهل دیگران برای خود نوایی را تدارک دیده اند. به هر تقدیر تعظیم حضرت امام (ره) از مشایخ عرفان و شرح و تفصیل آثار آنان امری فرهنگی اسلامی و مطابق با شریعت اسلام است و برآورنده نیازهای روحی و فطری انسان های تشنه معارف بلند اسلامی است. پایگاه حوزه 1-4238

تکلیف پدر و مادر در سقط جنین در ماههای اول

تکلیف پدر و مادر، در مورد نطفه ای که بر اثر دارو سقط شود، (در ماههای اول) چیست؟ 1 اگر عمداً این عمل صورت گرفته باشد، معصیت و حرام است و دیه آن بر عهده کسی است که مباشرتاً به سقط آن اقدام کرده است. مثلاً اگر بر اثر آمپول بوده است، آن کسی که تزریق کرده است، باید دیه را بدهد. و اگر زن عمداً خود را در معرض این سقط قرار داده است، گناه و معصیت کرده و باید استغفار کند و اگر خود زن عمداً دارو خورده است تا سقط جنین شود، باید دیه را بپردازد و معصیت هم کرده است. 2 مقدار دیه اگر در چهل روز اول باشد، 20 مثقال شرعی طلا می باشد که اگر مادر عامل سقط جنین بوده است از آن بهره ندارد و به دیگر وراث فرضی آن می رسد (یعنی اگر بچه می شد و می مرد ارشش به چه کسانی می رسید این دیه به همان افراد می رسد). و اگر در چهل روز دوم بوده است چهل مثقال شرعی طلا دیه محسوب می شود [i]. [i] توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 2 رص 829 . پایگاه حوزه 6855

اگر فردی نیاز به غسل داشته باشد و امکان غسل نداشته باشد، به جای آن می تواند تیمم کند، ولی اگر برای وعده های بعدی نماز نیز امکان غسل نداشته باشد ولی وضو بتواند بگیرد چه باید بکند؟ در صورت بوجود آمدن امکان غسل، آیا نیاز به غسل هست یا تیمم انجام شده کافی است؟ اگر کسی محتاج غسل باشد و آب نیابد تیمم بدل از غسل انجام می دهد. اگر غسل واجب غسل جنابت باشد و بدل از آن تیمم کرده باشد لازم نیست وضو بگیرد. ولی اگر غیر از غسل جنابت باشد (مثل مس میت و...)، ربه فتوای بعضی از علماء (مانند امام خمینی) باید علاوه بر تیمم بدل از غسل چنانچه ممکن است وضو بگیرد و اگر آب برای وضو نیست یک تیمم بدل از وضو هم بگیرد. و در هر صورت برای نمازهای بعدی مادامی که عامل آن غسل تکرار نشده است (مثلاً دوباره جنب نشده است) و آب هم برای غسل پیدا نکرده است یا وضو می گیرد و یا در صورت نبودن آب تیمم بدل از وضو می کند. و اگر عامل غسل تکرار شد [مثلاً دوباره جنب شد] این بار باز یا باید غسل کند یا تیمم بدل از غسل و... اگر وقت عمل

(مثلاً نماز) گذشته باشد، آن عمل درست است و نیازی به قضا ندارد. ولی اگر داخل وقت باشد (مثلاً ساعت 3 بعد از ظهر تیمم کرد و چهار بعد از ظهر آب پیدا کرد) اگر به اندازه لازم جستجو کرده است و آب نیافته است رو در واقع یقین پیدا کرده که تا آخر وقت آب پیدا نمی کند، آن عمل درست است و نیازی به قضا و اعاده ندارد [i] . البته برای واجبات بعدی در صورت تمکن باید غسل کند. [i]
توضیح المسائل مراجع ج 2 مساله 715. پایگاه حوزه 9294

ص: 68

حدود اختیارات فقها و نایبان امام زمان (عج)

آیا فقها (ولی فقیه) تمام اختیارات حضرت ولی عصر (عج) راجع به تصرف در جان مال و ناموس مردم دارا هستند؟ در متون و منابع دینی ولایت به دو معنی به کار رفته است 1 ولایت تکوینی 2 ولایت تشریحی ولایت تکوینی به معنای تصرف در موجودات و امور تکوینی است. روشن است چنین ولایتی از آن خداست، اوست که همه موجودات تحت اراده و قدرتش قرار دارند. اصل پیدایش، تغییرات و بقای همه موجودات به دست خداست. از این رو او ولایت تکوینی بر همه چیز دارد. خدای متعال مرتبه ای از این ولایت را به برخی از بندگان اعطا می کند. معجزات و کرامات انبیاء و اولیاء علیهم السلام از آثار همین ولایت تکوینی است. آن چه در ولایت فقیه مطرح است ولایت تکوینی نیست. ولایت تشریحی یعنی این که تشریح و امر و نهی و فرمان دادن در اختیار کسی باشد. اگر می گوئیم خدا ربوبیت تشریحی دارد یعنی اوست که فرمان می دهد که چه بکنید و چه نکنید. پیامبر (ص) و امام (ع) هم حق دارند به اذن الهی به مردم امر و نهی کنند، درباره فقیه نیز به همین منوال است. اگر برای فقیه ولایت قائل هستیم مقصودمان ولایت تشریحی است یعنی او می تواند شرعاً

حق دارد به مردم امر و نهی کند در طول تاریخ تشیع هیچ فقیه‌ی یافت نمی‌شود که بگوید فقیه هیچ ولایتی ندارد. آن چه تا حدودی مورد اختلاف فقهاست مراتب و درجات این ولایت است. امام خمینی قدس سره معتقد بودند تمام اختیاراتی که ولی معصوم (ع) داراست ولی فقیه همان اختیارات را دارد. مگر چیزی استثناء شده باشد امام فرموده اند اصل این است که فقیه دارای شرایط حاکمیت در عصر غیبت، همان اختیارات وسیع معصوم را داشته باشد مگر آن که دلیل خاصی داشته باشیم که فلان امر از اختصاصات ولی معصوم (ع) است از جمله جهاد ابتدایی که مشهور بین فقها این است که از اختصاصات ولی معصوم (ع) می‌باشد. از چنین ولایتی در باب اختیارات ولی فقیه به ولایت مطلقه تعبیر می‌کنند. معنای ولایت مطلقه این نیست که فقیه مجاز است هر کاری خواست بکند تا موجب شود برخی برای خدشه به این نظریه بگویند طبق ولایت مطلقه فقیه می‌تواند توحید یا یکی از اصول و ضروریات دین را انکار یا متوقف نماید. تشریح ولایت فقیه برای حفظ اسلام است. اگر فقیه مجاز به انکار اصول دین باشد چه چیزی برای دین باقی می‌ماند، تا او وظیفه حفظ و نگهداری آن را داشته باشد. قید مطلقه در مقابل نظر کسانی

است که معتقدند فقیه فقط در موارد ضروری حق تصرف و دخالت دارد. پس اگر برای زیبا سازی شهر نیاز به تخریب خانه ای باشد چون چنین چیزی ضروری نیست فقیه نمی تواند دستور تخریب آن را صادر کند. این فقها به ولایت مقید نه مطلق معتقدند بر خلاف معتقدان به ولایت مطلقه فقیه که تمامی موارد نیاز جامعه اسلامی را چه اضطراری و چه غیر اضطراری در قلمرو تصرفات شرعی فقیه می دانند. پایگاه

حوزه 7885

ص: 71

ممکن است مستندات از قرآن و روایات و نظرات مراجع در مورد صدای زن و تغییر شرایط زمانی آن ارائه نمایند؟ الف) در مورد موسیقی و غناء آراء و نظرات مختلفی ابراز شده است و برای حرمت غنا هم آیات و روایات متعددی ذکر کرده اند که ذیلاً به صورت مختصر به آن می پردازیم. «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ، و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است!» [1] «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، از پلیدیهای بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید!» [2] و (لهو الحدیث) و (قول الزور) را در آیه های فوق، مصادیق غنا معرفی شده اند [3]. و نیز در آیه 32 سوره مبارکه احزاب خداوند می فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا، ای همسران پیامبر! شما هم چون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار

دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند!» که حاکی از آن است که زنان نباید صدای خویش را در مقابل مردان نامحرم نازک کنند و اگر چنان کنند مرتکب حرام شده اند، زیرا همان گونه که در متن آیه آمده است آثار نامطلوب و سوئی در پی دارد و آن عبارت است از این که مردان پلید به طمع سوء استفاده می افتند. ب) آقایان مراجع عظام آواز خوانی زن را که همراه با موسیقی و غنا باشد و مرد نامحرم آن را بشنود از جهت این که موجب مفسده بوده و تحریک کننده و باعث معرضیت برای فساد اخلاق و ریبه و التذاذ است حرام قطعی می دانند [4]. ج) نه در این قضیه بلکه در هیچ قضیه دیگری شرایط زمان و مکان موجب تغییر احکام نخواهد شد بلکه شرایط زمان و مکان دخالت در موضوعات دارند و به حسب تغییر موضوعات احکام متغیر خواهند شد به هر حال موسیقی حرام، در هر زمان و مکان حرام است و زمان و مکان خاص موجب حلیت نخواهد شد. [1] سوره لقمان، آیه 6. [2] سوره حج، آیه 30. [3] الکافی ج 6 ص 431 ر باب الغناء.... ر ص : 431، الکافی ج 6 ص 434. [4] توضیح المسائل (المحشی

للإمام الخميني) ج2 موسيقي و غنا.....ر ص : 962. س 1134: دف زدن توسط زنان در عروسي ها چه حڪمي دارد؟ ج: استفاده از آلات موسيقي براي نواختن موسيقي لهوي و مطرب جايز نيست، اما آواز خواني در مجالس عروسي، بعيد نيست براي زنان جايز باشد. أجوبة الاستفتاءات(بالفارسية) 251 س 1142 ص 251. س 1142: خواندن به صورت غنا توسط هر يك از مرد يا زن چه از طريق نوار كاست باشد و يا از طريق راديو و چه همراه موسيقي باشد و يا نباشد، چه حڪمي دارد؟ ج: غنا حرام است و خواندن به صورت غنا و گوش دادن به آن جايز نيست اعم از اين كه توسط مرد باشد يا زن و بطور مستقيم باشد يا از طريق نوار و همراه با نواختن آلات لهو باشد يا نه. پاينگاه حوزه 3384

ص: 74

نظر اسلام پيرامون همجنس بازي چيست؟ و احكام مربوط به آن کدام است؟ همجنس گراني از نظر اسلام جزو گناهان كبيره و از نظر فقهی حرام محسوب مي گردد و مجازات هاي سنگيني بر آن قرار داده شده است. البته بايد توجه داشت كه: 1. صدق عنوان لواط در صورتي است كه به اندازه حشفه دخول انجام شود، در غير اين صورت اصلا لواطی انجام نگرفته است هر چند گناه كبيره ي ديگري غير لواط صورت گرفته است كه به آن تفخيذ مي گویند كه در صورت ثابت شدن براي آن نیز صد تازیانه تعزیری از طرف حاكم شرع قرار داده شده است. [i] اما در باره ي آثار فقهی لواط (مانند حرمت ابدی خواهر و مادر مفعول و...) امام(ره)، حتي دخول كمتر از حشفه را موجب حرمت ابدی ازدواج با خواهر و مادر و دختر مفعول مي داند. [ii] پس آثار ديگر لواط اين است كه مادر و خواهر مفعول بر فاعل تا ابد، حرام شده و او نمي تواند با آنها ازدواج كند و لو اين كه فاعل در حال لواط بالغ نبوده باشد. 2. اگر عمل شنيع لواط به طريق شرعی [iii] را ثبات شود و فاعل و مفعول با رضایت تن به اين عمل ضد انسانی و ضد

اخلاقي داده باشند حکم آنان قتل است که یا دیوار بر آنان خراب می شود یا از بلندی پرتاب می شوند یا با شمشیر کشته و یا در آتش سوزانده می شوند (البته سوزاندن در آتش تنها منحصر به جرم لواط است و به خاطر جرائم دیگر کسی سوزانده نمی شود) [iv] . البته چنان چه کسی العیاذ باللہ مرتکب این گناه شد و عمل شنیع او مخفی ماند لازم نیست که خود را به محاکم شرعی معرفی کند و تنها توبه بین او و خدایش کافی است. [i] تحریر الوسیله: ج 2 ص 446 مسأله 6. [ii] تحریر الوسیله: ج 2 (کتاب النکاح المصاهره و ما یلحق بها) ص 268 مسأله 24. [iii] - یعنی یا هر یک از طرفین به این عمل چهار مرتبه اقرار نمایند و یا این که چهار شاهد بر این فعل شهادت دهند. شرایط قبول این شهادت در منابع فقهی آمده است (تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، ج 2 ص 422-423). [iv] -
رتحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، ج 2 ص 423 پایگاه حوزه 3-7196

ص: 76

موسیقی در اسلام حلال است یا حرام؟ امام خمینی (ره) در باره فرموده اند: آن چه در اسلام حرام است موسیقی مطرب است. [1] تشخیص مطرب بودن یا نبودن هم بر عهده خود مکلف است و این یک موضوع عرفی است، به این معنا که شارع مقدس احکام را بر موضوعات بار کرده و تشخیص موضوعات نیز بر عهده عرف و مردم واگذار شده است و در صورت شك هم حکم به عدم حرمت می شود. [1] استفتائات امام خمینی (ره) کسبهای حرام ص 11 س 25. پایگاه حوزه 8525

کدام ادوات موسیقي در اسلام اجازه داده شده است؟ ادوات موسیقي که مشترك در اعمال حلال و حرام هستند اگر به قصد حرام استفاده نشوند، خرید و فروش و داشتن آنان اشکال ندارد و اگر به قصد استفاده حرام باشند، قهراً نگهداري و خرید و فروش آنان حرام خواهد بود. [i] [i استفتانات از امام خميني (ره) ص 11 سؤال 25. پایگاه حوزه 3-9064

حکم ارث و مهریه زنی که بعد از عقد دائم و قبل از عروسی بمیرد

مردی دختری را عقد دائم می نماید و قبل از نزدیکی، دختر فوت می نماید آیا شوهر از او ارث می برد؟ حکم مهریه اش چیست؟ طبق فتوای امام(ره) در فرض مذکور شوهر از زن ارث می برد [i] و نصف مهر هم بر مرد ثابت است [i]. [ii] مسأله 2776 اگر زن در حال مرض، شوهر کند و به همان مرض بمیرد، شوهرش اگر چه با او نزدیکی نکرده باشد، از او ارث می برد، توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 2 ص 746 . [ii] مسأله 14 لو مات أحد الزوجين قبل الدخول فالأقوي تنصيف المهر كالطلاق خصوصا في موت المرأة، تحرير الوسيلة، ج 2، ص: 301 پایگاه حوزه 1-6025

ص: 79

حکم ازدواج زن شیعه با مرد سنی

آیا زن شیعه می تواند با مرد سنی ازدواج کند؟ در این زمینه اقوال متعددی هست و گروهی از فقها آن را نمی پذیرند و بهتر آن است که صورت نگیرد و بعید نیست که جواز همراه کراهت باشد. ولی سزاوار نیست که در این زمینه تا جایی که ممکن است احتیاط ترك شود [i].

[i] تحرير الوسيله امام خميني، ج 2، كتاب نكاح، القول في الكفر مسأله 8. پایگاه حوزه 0235

ص: 80

حکم انواع رقص و موسیقی چیست؟ (لطفاً متن فتوا و نام مجتهد ذکر شود) متن فتوای آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم، و... درباره رقص چنین است: "رقص بطور کلی اشکال دارد مگر رقص زوجه فقط برای شوهرش و دور از چشم دیگران [1]"، "رقص زن برای شوهر جایز است در صورتی که با موسیقی حرام همراه نشود [2]. در مورد موسیقی فتوای آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم این است: موسیقی مطرب (شادی آور) که مناسب مجلس لهو و فساد باشد حرام است و تشخیص آن با شخص مکلف و با مراجعه به اهل عرف عام است [1]. [iii] مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، تهیه و تنظیم سید محسن محمودی، صفحه 203 و 204 و 205 [2] امام خمینی، استفتائات ج 2، س 35 و 25، تبریزی، استفتائات، س 1042 خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 1174 و 1171 سیستانی، inatsis.gro، رقص، ش 2، صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1580 و 1585، مکارم، استفتائات، ج 1، س 534 و 535 و 520 نوری، استفتائات، ج 2، س 574، دفتر وحید، فاضل، ج 1، س 1737 و 989. [iii] توضیح المسائل مراجع، ج 2، ص 810- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، تهیه و تنظیم سید محسن محمودی، از صفحه 45 تا 66. پایگاه حوزه 2-9854

حکم بازی با شطرنج و پاسور چیست؟

اگر بازی شطرنج به قصد قمار نباشد، آیا حرام است یا نه؟ درباره پاسور (ورق) چگونه؟ طبق فتوای حضرت امام خمینی (ره) بازی با شطرنج در صورتی که از حالت قمار درآمده باشد و فقط بازی فکری محسوب گردد، جایز است. اما بازی پاسور (ورق) که مسلماً حالت قمار بودن آن ثابت است جایز نیست. برای اطلاع از نظرات سایر مراجع، نگاه کنید به: مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، جلد 1 صفحه 189-190. پایگاه حوزه 1-1333

آیا آن چه که امروزه در بانکهای جمهوری اسلامی ایران به اسم بانکداری اسلامی عمل می شود واقعا بانکداری اسلامی است؟ آن چه که در بانکها باید عمل شود عمل بر طبق عقود اسلامی و شرعی مانند مضاربه، مساقات، جعاله و اموری از این دست است و اگر طبق این عقود اسلامی عمل شود چیزی به نام ربا وجود نخواهد داشت. اگر ثابت شود که در مورد یا مواردی بر طبق عقود شرعی عمل نمی شود، گرفتن وام همراه بهره و دادن پول جهت گرفتن سود جایز نخواهد بود. [i] [i] - توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني)، ج 2، ص: 930، سؤال 50 و 51 پایگاه حوزه 3975

حکم تراشیدن ریش

نظر آیت الله بهجت در مورد زدن قسمتی از ریش چیست؟ حضرت آیت الله بهجت تراشیدن ریش را جایز نمی داند، چه تمام ریش و چه قسمتی از آن . جمله ذیل متن فتوای ایشان است «تراشیدن ریش جایز نیست چه تمام ریش یا قسمتی از آن». [i] [i] ر توضیح المسائل (المحشي للإمام الخميني)، ج 2، ص: 913 پایگاه حوزه 3-5184

ص: 84

در زمان حیات حضرت امام خمینی (ره)، من مقلد ایشان بودم، هنوز هم مقلد ایشان هستم، آیا از نظر شرعی اشکال ندارد؟ در غیر این صورت تکلیف من چیست؟ چگونه باید مرجع تقلید جدید را انتخاب کنم؟ 1- شما می توانید با تقلید از یک مجتهد زنده بر تقلید حضرت امام (ره) باقی بمانید. 2- فتاوی حضرت مراجع معظم تقلید، متفاوت است گروهی، باقی ماندن بر تقلید از میت را واجب می دانند، البته در صورتی که مجتهد میت، اعلم از مجتهدین حاضر باشد و الا جایز می دانند، و گروهی مطلقاً جایز دانسته، و دسته ای دیگر از آنان، در دسته ای از احکام جایز، و در دسته دیگر جایز نمی دانند، و گروهی از فقها، مطلقاً جایز نمی دانند، تفصیل این احکام را در رساله های عملیه ملاحظه فرمائید. [1] [1] توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 1 مسأله 9 تقلید ابتدایی از میت. ص 21. پایگاه حوزه

1735

ص: 85

حکم خواستگاري، صحبت کردن و یا هر گونه ارتباط دیگر با زني که در عده طلاق رجعي قرار دارد

1- يك زن در عده رجعي طلاق است آیا مي تواند با يك مرد در مورد ازدواج و خانواده صحبت کند. البته هیچ گونه ارتباط جنسي بين آنها نیست و آنها همدیگر را در مکان ظهاي عمومي ملاقات مي کنند، عقد بعد از تمام شدن عده خوانده خواهد شد. بطور کلي زني که توسط شوهرش طلاق رجعي داده شده است همسر شرعي شوهرش تا تمام شدن عده اش محسوب مي شود، لذا بدون اجازه شوهر حق بیرون رفتن از منزل را ندارد و همین طور مردهاي دیگر حق خواستگاري کردن از این زن را در ایام عده اش ندارند، چه مستقیماً و بدون واسطه خواستگاري کنند و یا با واسطه دیگر و همینطور حق خواستگاري ضممني و کنایه ع اي از این زن را هم ندارند و فرقي نمي کند واسطه، برادر، مادر، یا یکی از محرمهاي زن باشد و یا نسبت به زن نامحرم باشد. [i] البته این حکم تکلیفي است يعني اگر کسی از زني که در طلاق رجعي است خواستگاري کند کار حرامي انجام داده است ولي ازدواج با آن زن بر او حرام نمي شود و بعد از تمام شدن عده مي تواند با او ازداج کند. و در

مورد صحبت ع های دیگر غیر از خواستگاری، اگر صحبت بین آن دو منجر به فساد نشود و احتمال فساد هم در بین نباشد، جایز است؛ اگر چه بهتر این است که تا ضرورت ایجاب نکرده، انسان با نامحرم صحبت نکند و صحبت کردن با نامحرم از طریق پست الکترونیک اگر باعث مفسده نباشد اشکالی ندارد. [i] [ii] - العروه الوثقی / باب عدم جواز تزویج المعتده [ii] - استفتاءات امام خمینی "ره" ر پایگاه حوزه 3403

ص: 87

حکم خوراکیهای مخلوط به ژلاتین

در برخی کشورهای غربی و هم چنین در خود ایران محصولات و خوراکیهای فراوانی (شکلات و مواد خوراکی مخصوص بچه ها) وجود دارد که از ژلاتین در ساخت آنها استفاده شده، آیا این محصولات نجس می باشند یا خیر؟ ژلاتین یا مصنوعی است، که خوردن آن اشکالی ندارد و یا از استخوان و غضروف، و خلاصه از بدن حیوانات، گرفته می شود، طبیعی است که در صورت دوم، تا حلیت آن احراز نشود، محکوم به نجاست است، مگر آن که در بلاد مسلمین تولید شود، اما اگر در بلاد کفر تولید می شوند، در حکم نجاست است، مگر چنان چه بیان شد، شرعی بودن ذبح حیوان مورد نظر، و حلال بودن گوشت آن، محرز شود. [1] [1] نک: توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 2 مسأله 2059 پایگاه حوزه 5735

حکم خون رؤیت شده در لباس و بدن

خونی که بر اثر زنجیر و یا قمه زدن روی بدن و لباس ریخته می شود چه حکمی دارد؟ آیا با این خون می توان نماز خواند؟ خون حیوان جهنده و انسان نجس است [i] و این خون به هر طریقی اگر بیش از یک درهم (تقریباً سر انگشت) به لباس یا بدن ما ریخته شده باشد در حالت عادی نمی توان با آن نماز خواند مگر آن که تا آخر وقت آب برای تطهیر لباس و بدن در اختیار نداشته باشیم که در آن صورت می توان با همان خون نماز را به جا آورد و اگر این خون در مسجد ریخته شود، مسجد را هم آلوده می کند و در این صورت، واجب فوری است که مسجد را تطهیر کرده و سپس به نماز بایستیم. [i] [ii] توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 1 مسأله 96 ص 73. [ii] [توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 1 ص 420 مسأله 754 . پایگاه حوزه 1-3364

ص: 89

حکم زنجیر زنی در عزاداری امام حسین (ع)

آیا زنجیر زنی در عزای امام حسین (ع) در حدی که بدن را زخمی یا کبود کند درست است؟ اگر جایز نیست پس چرا اویس قرنی در فراق پیامبر (ص) دندانش را کشید؟ بر طبق نظر همه مراجع بزرگوار شیعه اگر زنجیر زنی در عزای امام حسین (ع) به نحو متعارف باشد و موجب وهن مذهب در بین مردم نشود یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی نشود اشکال ندارد. [1] اما در صحت این مطلب (دندان کشیدن اویس قرنی) باید دقت و تحقیق جدی بشود. ولی دندان کشیدن اویس قرنی به فرض صحت، نمی تواند دلیل بر حکمی باشد چون اویس با مقام شامخی که دارد معصوم تلقی نمی شود و عمل او حجت نیست. ر [1] امام خمینی ره استفتائات، ج 3، سوالات 34 و 37، خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س 1441، تبریزي، استفتائات، س 2003 و 2012، مکارم، استفتائات، ج 1، س 574، فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 2162 و 2166 و 2173، صافی جامع الاحکام، ج 2، س 1594. پایگاه حوزه 3993

ص: 90

حکم شهادت ثالثه (اشهد ان عليا ولي الله) در تشهد

آیا گفتن «اشهد ان امام المؤمنين و امام المتقين عليا ولي الله» در تشهد نماز جایز است؟ آن چه که در فتوای فقها در توضیح المسائل آنها آمده است این است که تشهد واجب در نماز عبارتست از گفتن: «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد عبده و رسوله اللهم صل علي محمد و آل محمد». حضرت امام(ره) فرموده اند: «باید تشهد نماز به همان طور که وارد شده و متعارف است خوانده شود» [1] بنا بر این گفتن «اشهد ان عليا ولي الله» در تشهد نماز جایز نیست. ر[1] امام خمینی (ره)، استفتاءات، ج 1، ص 167، سؤال 146. پایگاه حوزه 2-9786

حکم قصیده، مدح و ستایش

آیا موسیقی با قصیده، مدح و ستایش، اجازه داده شده است؟ قصیده و مدح و ستایش اگر مدح و ستایش ظالم نباشد و مشتمل بر گناهان دیگر مثل دروغ و غلو نباشد، ایرادی ندارد و موسیقی هم در صورتی حرمت دارد که طرب انگیز و مفسده انگیز باشد [1] . [1] نک: توضیح المسائل (المحشی للإمام الخمینی)، ج 2، ص: 679 مسأله 2889. پایگاه حوزه 1-9064

ص: 92

موضوع قمه زنی و تیغ زنی چیست؟ تاریخ آن به چه وقت بر می گردد؟ ریشه در کجا دارد؟ و آیا مورد نظر امام زمان (علیه السلام) هست یا خیر؟ ما چه باید بکنیم؟ از لحاظ طبی اشکال ندارد؟ در پایتخت، واشنگتن، و لندن، بسیاری در آن شرکت کردند ما باید موافق باشیم یا مخالف؟ خانمها هم در آمریکا و در لندن قمه می زنند آیا از نظر شرعی گناه می کنند یا خیر؟ آیا قمه زنی سن معینی دارد؟ قمه زنی از مراسمی است که توسط برخی از عزاداران امام حسین (ع) اجرا می شود و در تأسی به مجروح و شهید شدن حضرت ابا عبدالله (ع) و شهیدان کربلا و به عنوان اظهار آمادگی برای خون دادن و سر باختن در راه امام حسین (ع) انجام می دهند صبح روز عاشورا، با پوشیدن لباس سفید و بلندی هم چون کفن، به صورت دسته جمعی قمه بر سر می زنند و خون از سر بر صورت و لباس سفید جاری می شود. بعضی برای قمه زنی نذر می کنند و بعضی هم این نذر را برای کودکان انجام می دهند و بر سر آنان تیغ می زنند، در حدی که از محل آن خون جاری می شود. این کار از نظر شرعی پایه و مبنای دینی

ندارد و صرفاً از روی علاقه شیعیان به حضرت سیدالشهداء(ع) انجام می‌گیرد البته این احساسات و عواطف دینی باید در مسیر صحیح هدایت شود به نحوی که انگیزه و شور جهاد و شهادت بیافریند، به علاوه آنان که حاضرند به خاطر امام حسین(ع) خون بدهند بهتر است که خون خویش را به در مانگاهها و مراکز انتقال خون اهدا کنند یا با تأسیس بانک خون از فداکاران و ایثارگران داوطلب در روز عاشورا خون گرفته شود تا از این طریق جان انسانهای نیازمند نجات یابد گرچه این کار شاید مثل قمه زنی بر طرف کننده حس عاطفی فرد نباشد ولی قطعاً رضایت خداوند و حضرت سید الشهداء(ع) و آقا امام زمان(عج) را بیشتر در پی خواهد داشت فقهاء نیز آن را در صورتی که ضرری نداشته باشد مجاز می‌دانند. اکثر فقهاء معاصر نیز به خاطر تأثیر نامطلوب آن بر افکار دیگران و موجب وهن مذهب، آن را ممنوع دانسته اند، البته شرایط زمانی نیز در این مسأله بی‌تأثیر نیست. امام خمینی(ره) در پاسخ به استفتایی که در سالهای اول انقلاب شده بود فرمودند: (در وضع موجود قمه نزنند...) آیت الله خامنه‌ای هم در مورد خرافه زدایی از عزاداری فرمودند: (قمه زدن هم از آن کارهای خلاف است... این یک کار غلطی است که

عده ای قمه ها را بگیرند و بر سر خود بزنند و خون بریزند... کجای این کار عزاداری است؟ این جعلی است. این ها چیزهایی است که از دین نیست) و فی الواقع ایشان این کار را خلاف و خرافه دانسته اند. به هر حال در شرایطی که دشمنان اسلام سعی در منزوی کردن مسلمانان دارند و با حيله هايي مي خواهند اسلام را خرافي و مسلمانان را بي منطق معرفي کنند، انجام این گونه اعمال که در متن دین وجود ندارد و در حال حاضر موجبات وهن شیعه و عزاداری را فراهم می کند و به نظر خلاف عقل است و کاری عقلائی نیست و بایستی به جای آن سراغ مراسمی رفت که عظمت اهداف عاشورای حسینی را بیش از پیش آشکار می سازد و اگر جمعی از بزرگان فقهای شیعه در زمان خود بعضی از این کارها را به دلایلی اجازه فرموده اند، قطعاً در این زمانه با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع کنونی نظر دیگر داشتند. اما وظیفه ما در ضمن حفظ وحدت اسلام و یگانگی امت اسلام خصوصاً شیعه امر به معروف و نهی از منکر با وجود شرایط و تبیین منافع و مضرات این حرکات می باشد و اکیداً و شدیداً بایستی از دو دستگی و شکاف و جر و بحثهای بی فایده جداً

خودداری شود و فقط عاملین این نوع کارها را از توطئه دشمنان اسلام و شیعه دید و آنان را به این گونه اعمال آگاه ساخته و واقعاً برای شان تبیین شود که يك فرد غیر مسلمان به این گونه کارها چه دیدي مي تواند داشته باشد و آیا او اسلام را محکوم به خشونت و اضرار نفس به پیروان خود نمی کند و آیا ترغیب و تشویقي با این روش برای جذب آنها به اسلام باقی مي ماند و یا این که این روش باعث اشمئزاز و دل زدگی و نفرت مي شود؟ انشاء الله خداوند تبارك و تعالي ما را از عزاداران و محبین واقعی اهل بیت (ع) خصوصاً حضرت سیدالشهداء قرار دهد و اعمال ما را مرضی حضرت حق تعالی جل و علا و حضرت ولی عصر (عج) قرار دهد. پایگاه حوزه 7315

پدر مرحوم مدت بیست و هفت سال نماز و روزه قضا دارد و مالی نگذاشته و من هم توانایی مالی و قدرت انجام آن را ندارم، نظر مراجع در اینجا چیست؟ طبق فتوای همه مراجع بر پسر بزرگتر واجب است که نماز و روزه هایی که از پدر قضاء شده است و از روی نافرمانی نبوده [1]، بعد از مرگ پدر، بجا آورد، اگر توانایی بر قضا داشته باشد، بلکه حتی اگر از روی نافرمانی هم ترك کرده باشد، اکثر مراجع احتیاط واجب در بجا آوردن کرده اند. بعضی از مراجع مثل آیت الله مکارم و مقام رهبری در این جا امر به احتیاط مستحب نموده اند [2]. به هر حال شما اگر قدرت بر اجیر گرفتن ندارید چنان چه می توانید خودتان مبادرت به انجام آن ورزید چون بالأخره دست آن مرحوم از دنیا کوتاه گشته، چشم امید به صدقات و خیرات و مبرات و این گونه اعمال بازماندگان دارد و شما با انجام این گونه اعمال مثل قرآن خواندن و صدقه دادن و بجا آوردن نماز و روزه های قضای آن مرحوم بر درجات ایشان بیفزائید و موجب آرامش روح ایشان شوید البته شایان ذکر است که آن چه بر شما واجب است تدارک

اعمال واجب ترك شده ایشان اعم از حق الله و حق الناس است. [3] [1] توضیح المسائل (المحشي للإمام الخميني) ر ج 1 ر ص 761 مسأله 1390. [2] أجوبة الاستفتاءات (بالعربية) ج 1 ص 92؛ توضیح المسائل (المحشي للإمام الخميني) ر ج 1 ر ص 761 مسأله 1390. [3] أجوبة الاستفتاءات (بالفارسية) 109 ج ص : 109، قضای نمازهای پدر واجب نیست، مگر آن مقداری که پسر بزرگتر یقین به فوت آن دارد و بر پسر بزرگتر واجب است که نمازهای پدرش را به هر صورتی که امکان دارد، قضا نماید و اگر از انجام آن حتی از اجیر گرفتن برای انجام آن هم عاجز باشد، معذور است. پایگاه حوزه 2664

ص: 98

حکم وام بانکی که سود به آن تعلق می گیرد

گرفتن وام از بانکی که سود به آن تعلق می گیرد، چه حکمی دارد؟ اگر بانکها بر اساس عقود اسلامی عمل می کنند و بر همان اساس سودی به شما می دهند [1]. بهر حال وام گرفتن از بانک در صورتی که در آن شرط سود شده باشد، جایز نیست و ربا و حرام است. [2]

[1] نک: توضیح المسائل امام خمینی، سؤال 76 و 77. [2] نک: توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 2 احکام بانکها ص 909. پایگاه حوزه 2-3364

حکم وضو در صورت مالیدن لاک به ناخن پا

لاک مالیدن به ناخن پا، در وضو گرفتن چه حکمی دارد؟ در صورتی که ماده مذکور دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن است و مسح کشیدن روی آن صحیح نیست؛ ولی اگر روی بعضی از ناخن های پا (ولویک ناخن) وجود نداشته باشد، می توان روی همان ناخن مسح کرد و وضو صحیح است [i]. [i] توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 1 ص 158 مسأله 253 پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است . پایگاه حوزه 1-3873

ص: 100

حکم پول و اشیاء پیدا شده

مبلغ صد هزار تومان از جایی پیدا کردم، وظیفه من چیست؟ باید برای پیدا کردن صاحب آن تا یک سال اعلام نمایم و در صورت یأس از پیدا کردن صاحب آن باید آن مبلغ را از طرف صاحبش به فقیر صدقه بدهیم. [1] [1] امام خمینی استفتانات جلد 2، صفحه 600 (سوالات لقطه پایگاه حوزه 0275)

ص: 101

خروج مني قبل از اذان صبح در ماه مبارك رمضان

اگر کسی در ماه رمضان با همسر خود قبل از اذان صبح همبستر شده و دخول صورت نگرفته ولی مني خارج شود آیا روزه باطل است؟ در شهبای ماه مبارك رمضان جماع و همبستر شدن با همسر، هیچ اشکالی ندارد، اما حتما باید قبل از اذان برای هر عملی که موجب جنابت شود (دخول یا انزال مني) غسل جنابت بجا آورد و در صورت تعدّر مانند تنگی وقت، باید تیمم بدل از غسل جنابت بعمل آورد [i][i] پاسخ طبق فتوای حضرت امام می باشد. توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 1 ص 891 رر مسأله 1572 به بعد پایگاه حوزه 3295-1

ص: 102

پیامبر اسلام(ص) در زمان خود چگونه از مسلمانان خمس می گرفتند؟ قرآن پیرامون خمس می فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَافِي الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، یعنی : و بدانید که هر چه غنیمت گرفتید يك پنجم آن برای خدا و رسول و از آن خویشاوندان [او] رویتیمان و بینویان و در راه ماندگان است. اگر به خدا و آنچه بر بنده خود (حضرت محمد(ص)) در روز جدایی (حق از باطل) روزی که آن دو گروه با هم رو به رو شدند نازل کردیم، ایمان آورده اید و خدا بر هر چیزی تواناست» [1] تلقی اهل سنت از این آیه این است که این آیه خمس را فقط برای غنایم جنگی اثبات می نماید. [2] در حالی که مفسرین و فقهای شیعه تلقی دیگری دارند، آنها قائلند که آیه نه تنها دلالت بر وجوب خمس غنایم جنگی دارد بلکه شامل هر گونه در آمد کسب نیز می شود زیرا واژه غنیمت هم از نظر لغت معنای گسترده ای دارد و به

هر گونه درآمد و فایده ای که به انسان می رسد، گفته می شود. [3] و هم از نظر شرع اختصاص به غنایم جنگی ندارد و به هر منفعتی اطلاق می شود چه از طریق جنگ حاصل شود و یا غیر جنگ. [4] در توضیح این مطلب لازم است به طور دقیق مدلول واژه غنیمت و مغنم را بررسی کنیم. 1. در زمان جاهلی و صدر اسلام ماده غنم در (الفوز بالشی بلا مشقه) یعنی دست یافتن به چیزی بدون سختی استعمال می شده است و در ضمن این مدلول اموال مأخوذ از دشمن وجود ندارد و آنها برای چنین حالتی از اصطلاحات و اسامی دیگری مثل سلب و نهب و حرب، استفاده می کردند. 2. در دوره اسلام (بعد از نزول آیه خمس) ماده غنم در (الفوز بالشی من جهة العدي و غیرهم) یعنی دست یافتن به چیزی چه از طریق دشمن و چه غیر آن بکار می رفته است یعنی اسلام آمده آن چیزهایی که از جنگ بدست می آید از مصادیق غنیمت قرار داده است بعد از آنی که از مصادیق آن نبوده چون جنگ در اسلام از نظر ماهوی با جنگ در زمان جاهلیت فرق داشته و از شرایط خاصی برخوردار بوده

است مثلاً- اذن پیامبر(ص) یا امام(ع) و یا کسی که از امام(ع) اذن دارد، در مشروعیت آن دخالت داشته است و از این جهت متفاوت با نهب و غارت اموال تلقی شده است. و آن چه از کار برد این واژه در حوزه حدیث و سیره در دست داریم این است که گاهی ماده غنم در معنای لغوی استعمال شده است همان گونه که لفظ در معنای حقیقی خود بکار می رود بدون این که نیاز به قرینه باشد و گاهی هم با وجود قرینه ای در کلام یا در حال مخاطب، در معنای شرعی بکار رفته است. [5] 3. این روند ادامه داشت تا زمان گسترش فتوحات در زمان عمر، در این زمان بود که به جهت زیادی استعمال مشتقات ماده غنم با داشتن قرائن حالیه و مقالیه در منفعتی که از ناحیه دشمن و جنگ بدست می آمد، تطور جدیدی، در کار برد این واژه پدید آمد، و همین عدم توجه به این سه دگرگونی موجب تشبث و خلط بعضی از لغویین شده است. [6] پس تحقیق در معنای لغوی و شرعی این نکته را به ما می آموزد که واژه غنیمت در آیه مبارکه، به معنای منافی است که به دست انسان می رسد چه از دشمن باشد یا

نباشد چون در تطور دوم واژه غنیمت این معنا را داشته است و این روشن است که نمی توان استعمالات و معانی جدیدی که در آینده برای این واژه قرار داده شده است، در مفاد آیه دخیل دانست. ممکن است گفته شود که قبل و بعد آیه در مورد جنگ است پس باید واژه غنائم اختصاص به غنایم جنگی داشته باشد. در جواب می گوئیم که گر چه آیه در مورد خاصی نازل شده است اما شأن نزول و مورد، هیچ گاه نمی توانند مخصص باشند و آیه را به آن محدود کنند. دانشمندان اهل سنت هم در این آیه، مورد را تخصیص دهنده ندانسته اند چون آیه در غزوه بدر نازل شده است ولی آنها آیه را شامل تمامی جنگها می دانند و اگر قرار بود که مورد مخصص آیه باشد، باید آن را محدود به جنگ بدر بدانند. [7] علاوه خود اهل سنت قائلند که به کنز (گنج)، خمس تعلق می گیرد. [8] حال این حکم فقهی را از کجا استفاده کرده اند؟ اگر به استناد به این آیه، چنین حرفی را زده اند خواهیم گفت مراد ما حاصل است چون آنها هم دایره غنیمت را منحصر در غنایم جنگی نمی دانند و اگر روایات پیامبر (ص) را منبعی برای تشریح

تلقي مي کنند و لو اين که قرآن بدان اشاره اي نداشته باشد، باز بايد گفت که تشریح پیامبر(ص) در راستاي تفسیر قرآن بوده و بالأخره يك ریشه قرآني داشته است. (البته در مواردی سنت در کنار قرآن به عنوان منبع تشریح محسوب مي گردد) و چون به عقیده ما از اين جهت فرقي بين سنت پیامبر(ص) و اهل بيت(ع) وجود ندارد، ما مي توانيم به روايات زيادي از ائمه استناد جوييم که در تفسیر آيه واژه غنيمت را به غنائم جنگي اختصاص نداده اند و معنای گسترده اي از آن ارائه نموده اند، هم موارد آن را تبیین کرده اند و هم..... [9] زمان تشریح خمس: بعضي گفته اند که اگر چه آيه خمس در عصر رسالت نازل شده و پیامبر(ص) اين فریضه را به اجرا در آورده اند اما آن چه مسلم است اين است که رسول گرامي اسلام(ص) فقط خمس غنايم جنگي را اخذ مي کرده و بنا به مصالح و ضرورتهايي، از در خواست و دریافت خمس سود تجارت صرف نظر نموده اند و لذا اين امر تا زمان امامان معصوم(ع) به تأخير افتاد. اين ضرورت ها را مي توان در احتمالات زير خلاصه کرد: رالف- خمس با زکات اين تفاوت را دارد که منفعت زکات

به عموم مسلمانان بر می‌گردد ولی موضوع خمس به شخص پیامبر(ص) و خویشان او اختصاص دارد لذا مصلحتی بر اجرای آن نمی‌دیدند. [10] ب- در عصر رسالت، فقر عمومی بر جامعه حاکم بود و مسلمانان به جهت تنگ دستی، قدرت پرداخت خمس را نداشتند، و از این رو پیامبر گرامی(ص) از بیان و جمع آوری خمس درآمد صرف نظر کردند. ج- رویکرد سیاسی مهم ترین عاملی بود که نگذاشت ائمه معصومین تا زمان امام باقر(ع) به بعد این فریضه الهی را به اجرا در آورند. زیرا جلب و جمع اموال، از وظایف سلطان بوده و هر کس با آنان رقابت می‌کرد به عنوان فرد متمرّد از قانون و مخالف حاکمیت و به اتهام جمع آوری سلاح و توطئه علیه رژیم تحت تعقیب قرار می‌گرفت اما پس از برقراری آزادی نسبی در عصر عباسیان و شرایط موجود، به ائمه این امکان را داد تا به طور غیر علنی خمس را از مسلمانان دریافت کنند. [11] د- پیامبر اسلام(ص) از يك سو (به جهت ارتباط با غیب) می‌دانستند که در آینده نه چندان دور امر خلافت و حکومت از مسیر اصلی خود که شایسته آنان است، منحرف شده و به سمت نااهلان و غاصبان زورگو

می رود و از دیگر سویی خمس وجه الاماره است و باید به دست حاکم و سلطان سپرده شود و اگر حضرت رسول (ص) وجوب خمس در آمد کسب را بیان و آشکار می کردند این امر فرصتی را برای حاکمان پیش می آورد تا با دست آویز شرعی اموال مسلمانان را به غارت برند و بر ظلم و ستم خود بیفزایند، این پیش بینی و تیز بینی حضرت (ص) باعث شد که این حکم الهی در پرده خفا پنهان بماند. [12] اما هر يك از این توجیحات، بر اساس پذیرش اصل مدعی قابل طرح و بحث می باشند و برای ما چنین ادعایی در هاله ای از ابهام بسر می برد زیرا در کتب حدیثی، روایاتی بچشم می خورد که حضرت رسول (ص) احکام خمس در سود تجارت را برای مردم بیان فرمودند و از مردم هم در خواست کردند که خمس خود را بدهند و قرآنی در دست است که نشان می دهد این در خواست ها بر خمس غنایم جنگی تطبیق نمی کند. این روایات به حدی است که در انسان شکی باقی نمی گذارد که پیامبر (ص) حکم خمس سود تجارت را هم برای مردم تبیین نموده اند و هم از آنها خمس سود تجارت در خواست کرده اند. [13]

مثلا در صحیحین بخاری و مسلم و مسند احمد [14] آمده است که نمایندگان قبیله عبدالقیس به پیامبر (ص) گفتند که بین ما و شما، مشرکین قبیله مضر قرار دارند و ما نمی توانیم به خدمت شما برسیم مگر در ماههای حرام پس مطالبی بفرمائید که با عمل به آن، داخل در بهشت گردیم. حضرت (ص) فرموده است: چهار چیز را به شما امر و چهار چیز را نهی می کنم، امر می کنم شما را به ایمان به خدا و اقامه صلاة و ایتاء زکات و این که خمس مغنم را بپردازید. و این بدیهی است که پیامبر (ص) از آنها خمس غنایم جنگی را در خواست نکرده است چون معقول نیست در باره قبیله ای که از چنین شرایطی برخوردار بودند و نمی توانستند از دیار و شهر خود از ترس مشرکین مضر خارج گردند، احتمال دهیم که پیامبر (ص) از آنها خواسته است خمس غنایم جنگی خود را پرداخت نمایند علاوه این که جنگ در اسلام باید با اذن پیامبر (ص) یا امام (ع) و یا مأذون از طرف امام (ع) باشد و در زمان پیامبر (ص) این جور نبوده که مسلمانان، از پیش خود با قبیله ای بجنگند بلکه با اجازه و هماهنگی و یا با حضور پیامبر (ص) بوده است و پس از جنگ پیامبر (ص)

غنایم جنگی را يك جا جمع می نمودند و آنگاه بعد از اخراج خمس، بین سربازان آن گونه که خود تشخیص می دادند تقسیم می کردند، مگر در تجهیزاتی که در حال نبرد به همراه دشمن بوده است (این تجهیزات نصیب آن کسی می شد که صاحبش را با درگیری کشته بود، مسلمانان از این گونه غنایم جنگی به سلب القتل تعبیر می آورند). ولی اشیايي که در سلب القتل جای نداشتند، سربازان اسلام موظف بودند که آنها را به پیامبر (ص) یا امام (ع) و یا نایبانشان تحویل دهند و الا خیانتکار محسوب می گشتند. پس حال که اعلان جنگ و اخراج خمس غنایم جنگ در زمان پیامبر (ص) از شؤونات آن حضرت (ص) بوده است، طلب خمس از مردم چه معنای می تواند داشته باشد و این همه نامه های پشت سر هم، به قبائل برای چیست؟ آیا غیر از این می تواند معنایی داشته باشد که پیامبر (ص) آن چه از آنها در خواست نموده، خمس غنایم جنگی نبوده است؟ و علاوه همان طوری که بیان شد واژه غنیمت، بعدها در غنایم جنگی حقیقت شده است و لذا نمی توان این احادیث را حمل کرد به چیزی که دو قرن بعد معهود مردم گردیده است. [15] پس تاریخ اخذ خمس به زمان

خود پیامبر (ص) بر می‌گردد. بلکه می‌توان گفت که خلفاء خمس را در غیر از غنایم جنگی اخذ نکرده‌اند و ائمه (ع) هم تا مدت‌ها بدان نپرداخته‌اند یعنی به خاطر شرایط سیاسی حاکم، توان علنی کردن و بیان این مسأله را نداشته‌اند. و آنگاه که شرایط تا اندازه‌ای تغییر کرد هم خمس در غیر غنائم جنگی را برای اصحاب خود بیان فرمودند و هم وکلایی داشتند که خمس را دریافت می‌نمودند و پس از آن به خدمت ائمه می‌رساندند. بلکه جای این سؤال است که کسی بی‌رسد اگر خلیفه اول و دوم به منظور تأمین نیازهای مالی حکومت، زکات را و لو با زور از مردم می‌گرفتند و حتی فدک را از حضرت فاطمه (س) غصب کردند، چرا از این لقمه چرب و نرم چشم‌پوشی نمودند؟ و به چه دلیل آنان از درخواست خمس در غیر غنایم جنگی خود داری کردند؟ اما به نظر می‌رسد (با توجه به دلایلی متقنی که در بالا بیان شد) که عدم اقدام آنان در اخذ خمس غیر غنایم جنگی دلایل دیگری داشته است نه آن که آنان در عدم درخواست و اقدام، به پیامبر (ص) تأسی کرده باشند و از این طریق کشف

گردد که پیامبر(ص) هم چنین در خواستی نداشتند. همان طوری که بیان شد خمس وجه الأماره است و باید بدست حاکم و سلطان سپرده شود یعنی از شؤونات حاکم اسلامی است [16] اما اجرای چنین حکمی در غیر غنایم جنگی با مشکلاتی مواجه بوده است: حاکم اسلامی گر چه می تواند بگوید که تو خمس سود تجارت و... را بدهکار هستی و باید آن را پرداخت کنی یعنی مردم را به پرداخت خمس وادار کند [17] ولی آنها ضرورتی بر این کار نمی دیدند و در واقع با یک تیر چند نشان می زدند، هم به خاطر وضعیت بد معیشتی مردم، هزینه ای را بر آنها تحمیل نمی کردند و باعث نارضایتی مردم نمی شدند و هم مخالفین موجود خلع سلاح می گردیدند. توضیح این که: خمس با زکات این تفاوت را دارد که منفعت زکات به عموم مسلمانان بر می گردد ولی موضوع خمس به شخص پیامبر(ص) و خویشان او اختصاص دارد. آنها از اساس اهل بیت را از حق خود محروم کردند، خلافت را از مسیر اصلی خود منحرف نمودند و حتی خمس غنیمت جنگی را هم از اهل بیت(ع) دریغ کردند و در این بین تأمین منابع مالی حکومت خود را از طریق خمس غنایم جنگی و

گرفتن فدک و ... کافی می دانستند. پذیرفتن خمس در غنیمت جنگی و غیر آن، هم قبول ضمنی مشروعیت اهل بیت و ذی حق بودن آنان را در پی داشت و هم توان اقتصادی آنان را در مبارزه با خلفاء و ستاندن حق اصلی خود بالا می برد، و لذا بدنبال اخذ خمس در غیر غنیمت نرفتند و در غنیمت جنگی هم از دادن خمس به اهل بیت امتناع ورزیدند [18]، و برای این که این تلقی در بین مردم بوجود نیاید که چرا با این که آنها مشروعیت خمس را در غیر غنایم جنگی پذیرفتند و با این که صدقه هم بر رسول خدا(ص) و ذوالقربایش حرام گردیده بود (این مسأله که خمس به جای زکات، به اهل بیت اختصاص داده شده است و بر آنان گرفتن صدقه حرام است، از طرف علمای اهل سنت هم مورد پذیرش قرار گرفته است) [19] سهمی از آن به اهل بیت داده نشد؟! روایاتی جعل کردند که ذوالقربی به خاطر کمک به وضعیت بد معیشتی مردم، از گرفتن حق خود صرف نظر نمودند [20] و یا گفتند که این يك امر اجتهادی بوده است و خلفاء در این باب به اجتهاد خود عمل کرده اند. [21] اما راجع به وضعیتی که الان

در آن بسر می بریم: فقهای که دارای صیانت نفس و تقوا و طهارت و ... هستند طبق احادیثی که وجود دارد [22] نائب عام امام زمان (ع) و ورثه انبیاء در عصر غیبت محسوب می گردند و آن چه از حوادث واقعه، در عصر غیبت رخ می نمایاند، بر مردم است که بدانان رجوع نمایند و پرداخت خمس هم از این قبیل است. [23] [1] سوره انفال، آیه 41. [2] ر.ک. الفقه علی المذاهب الخمسه، مغنیه، محمد جواد ص 186 و مستند العروة الوثقی، سید ابوالقاسم خویی ص 197 [3] ر.ک. مجمع البحرین، لسان العرب، تاج الغروس، ماده غنم [4] مفردات راغب ماده غنم، معجم الفاظ قرآن 2/293، تهذیب اللغة للازهري (ت: 370 هـ) 8/149. [5] ماده غنم در سه آیه از قرآن آمده است، البته در غیر از آنجائی که غنم به معنای گوسفند است: و اعلموا انما غنمتم (سوره انفال آیه 41). و كلوا مما غنمتم حلالا طيبا (سوره انفال، آیه 69). فعند الله مغنم كثيره (سوره نساء، آیه 94). در این سه کاربرد، معنا ندارد که مقصود از آیه سوم غنائم دار الحرب باشد و الا معنای آیه اینگونه می شود که غنائم دار الحرب در نزد خداست، بلکه آیه می خواهد بگوید: فوائد بسیاری که شما

می خواهید از دنیا ببرید و چشم بدان دوخته عاید نزد خداست و آیه دوم هم از لحاظ مفهوم واژه غنیمت مثل آیه اول است یعنی این بحث در آن مطرح است که آیا غنائم دار الحرب مراد است یا نه؟ در احادیث نبوی آمده است: "الرهن لمن رهنه له غنمه و علیه غرمه"، ابن اثیر در ذیل این حدیث در نهاییه اللغه ص 1999 می گوید: "غنمه: زیاده و نماوه و فاضل قمیمته" و این به صورت ضرب المثل در آمده است که من له الغنم علیه الغرم یعنی هر کسی که سود، مال اوست ضرر هم به او تعلق می گیرد. ابن ماجه هم در سنن خود در حدیث 1797 کتاب زکات می گوید: عن رسول الله اللهم اجعلها مغنما و لا تجعلها مغرما. راحمد در مسندش 2/117 از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند: "غنیمة مجالس الذكر الجنة" و در وصف ماه رمضان دارد که: "هو غنم للمومن". [6] برای آگاهی بیشتر ر.ک. معالم المدرستین ج 2 علامه سید مرتضی عسکری ص 123-135 [7] همان ص 238، زیده المقال تقریرات درس آیت الله بروجردی ص 5، احکام خمس، سید مجتبی حسینی ص 27 و 28 [8] الفقه علی المذاهب الخمسه، مغنیه ص 186 [9] ر.ک. وسایل ج 6 ابواب ما يجب

ص: 116

فيه الخمس و ... [10] مستند العروه الوثقي ، كتاب الخمس ، سيد ابوالقاسم خويي ص.196. [11] احكام الخمس ، محمد تقي مدرسي ص 16. [12] كتاب الخمس ، هاشمي شاهرودي ، ج 2 ص 45 ، احكام خمس ، سيد مجتبي حسيني ص 29 و 30. [13] براي آگاهي بيشر از اين گونه روايات ، ر.ك. معالم المدرستين ج 2 علامه سيد مرتضي عسكري ص 137-152. [14] صحيح بخاري 4/205 ج صحيح مسلم 1/35 و 36 سنن نسائي 2/333 مسند احمد 3/318 و 5/136. [15] ر.ك. معالم المدرستين ج 2 علامه سيد مرتضي عسكري ص 152. [16] احكام الخمس ، محمد تقي مدرسي ص 16 ، المعلقات علي عروه الوثقي ج 3 ، محمد علي گرامي ص 749-750 ، صحيفه نور - امام خميني (ره) ج 10 ص 19. [17] صحيفه نور - امام خميني (ره) ج 14 ص 303. [18] ر. بحار الأنوار ج 31 ص : 57 ، مستدرک الوسائل ج : 7 ص : 290 و 308 [19] ر.ك. معالم المدرستين ج 2 علامه سيد مرتضي عسكري ر ص 157 - 162. [20] در حالیکه منابع شيعي خلاف اين را اثبات مي نمايند: قال علي بن أبي طالب ع ما زلنا نقبض سهمنا بهذه الآية التي أولها تعليم و آخرها تخرج حتي جاء خمس السوس و جنديسابور إلي عمر و أنا و المسلمون و العباس عنده فقال عمر لنا إنه قد تتابعت

ص: 117

لكم من الخمس أموال فقبضتموها حتي لا- حاجة بكم اليوم وبالمسلمين حاجة و خلل فأسلفونا حقمكم من هذا المال حتي يأتي الله بقضائه من أول شيء يأتي المسلمين فكففت عنه لأنني لم آمن حين جعله سلفا لو ألحنا عليه فيه أن يقول في خمسنا مثل قوله في أعظم منه عني ميراث نبينا ص حين ألحنا عليه فقال له العباس لا تغتمز في الذي لنا يا عمر فإن الله قد أثبت لنا بأثبت مما أثبت به الموارث بيننا فقال عمر و أنتم أحق من أرفق المسلمين و شفعتني فقبضه عمر ثم قال لا والله ما أتاهم ما يقضينا حتي لحق بالله ثم ما قدرنا عليه بعده ثم قال علي ع إن الله حرم علي رسوله الصدقة فعوضه منها سهما من الخمس و حرمها علي أهل بيته خاصة دون قومهم و أسهم لصغيرهم و كبيرهم و ذكرهم و أنثاهم و فقيرهم و شاهدهم و غائبهم لأنهم إنما أعطوا سهمهم بأنهم قرابة نبيهم التي لا تزول عنهم الحمد لله الذي جعله منا و جعلنا منه فلم يعط رسول الله ص أحدا من الخمس غيرنا و غير حلفائنا و موالينا لأنهم منا و أعطي من سهمه ناسا لحرم كانت بينه و بينهم معونة في الذي كان بينهم فقد أعلمتك ما أوضح الله

من سبيل هذه الأنفال الأربعة و ما وعد من أمره فيهم و نوره بشفاء من البيان و ضياء من البرهان جاء به الوحي المنزل و عمل به النبي المرسل فمن حرف كلام الله أو بدله بعد ما سمعه و عقله فإنما إثمه عليه و الله حجيجه فيه و السلام عليك و رحمة الله و بركاته. ربحار الأنوار ج : 93 ص : 209، مستدرک الوسائل ج : 7 ص : 313. ، تحف العقول ص : 348. ر [21] ابن ابي الحديد در دفاع از خلفاء مي گوید: فأما أمر الخمس فمن باب الاجتهاد و قد اختلف الناس فيه فمنهم من جعله حقا لذوي القربي و سهما مفردا لهم علي ما يقتضيه ظاهر الآية و منهم من جعله حقا لهم من جهة الفقر و أجراهم مجري غيرهم و إن كانوا قد خصوا بالذكر كما أجري الأيتام و إن خصوا بالذكر مجري غيرهم في أنهم يستحقون بالفقر و الكلام في ذلك يطول فلم يخرج عمر بما حكم به عن طريقة الاجتهاد و من قدح في ذلك فإنما يقدح في الاجتهاد الذي هو طريقة الصحابة . ر. ك. شرح نهج البلاغه ج 12 الطعن الخامس ص 210 و 211 ... [22] اما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدينه مخالفا علي هواه مطيعا لامر مولاه ، فللعوام

ان يقلدوه و ذلك لا يكون الا لبعض فقها الشيعة لا كلهم. "از میان فقیهان آن که خویشتندار، نگهبان دین، مخالف هوی و هوس خود و فرمانبردار امر مولای خویش است، بر مردم است که از وی تقلید نمایند و اینان برخی از فقیهان شیعه می باشند نه همه آنان." روسایل الشيعة ج 18-ك.القضاج ب.10-ص95. [23] توجه شما را به عبارت زیر جلب می کنیم: و كيف كان فإما يأخذ الفقيه الوجوه الشرعيّة من الناس، لأجل الولاية المنتقلة من المعصوم إليه كما هو ظاهر التوقيع في فرعية ولاية الفقيه عن الإمام المعصوم، لا عن النبي أو الله تعالى و إنما يأخذها من الناس باعتبار أنّ الوجوه لشخص الإمام المعصوم والفقيه وليّ الغائب أو وكيله، أو لجهة إمامته الخاصة الأصيلية و الفقيه يأخذها ولاية أو وكالة. وعلي أيّ حال فالإمام المعصوم هو الأصل و المستحقّ يتصرّف بما أنّه مجاز بالواسطة عن المعصوم عليه السّلام، وساطة في الولاية أو في خصوص الوجوه. المعلقات علي عروه الوثقي رج 3، محمد علي گرامي ص 749-750. پایگاه حوزة 5075-1

ص: 120

خواندن سوره حمد بجاي تسبيحات اربعه در نماز

آيا مي‌تواند در نماز بجاي تسبيحات، سوره حمد را بخواند؟ و يا بجاي گفتن سه بار تسبيحات اربعه، يك بار آن را ذكر كرد؟ نمازگزار در ركعت سوّم و چهارم نماز مي‌تواند يك حمد بخواند و يا سه بار تسبيحات اربعه را بگويد و اگر تسبيحات اربعه را يك بار هم بگويد كافي است. و همچنين مي‌تواند در يك ركعت حمد و در ركعت ديگر تسبيحات اربعه را بگويد، ولي بهتر است در هر دو ركعت تسبيحات را بگويد. اگر در ركعت سوّم و چهارم حمد را مي‌خواند بايد آن را آهسته بخواند و بنابر احتياط واجب بايد بسم الله الرحمن الرحيم آن را نيز آهسته بخواند. [1] [1]. توضيح المسائل (المحشي للإمام الخميني) ج 1 ص 555 رر مسأله 1005 . پاينگاه حوزه 5095

ص: 121

دست يابي به قبله در جاهايي که قبله مشخص نباشد

در جاهائي که يقين حاصل نمي کنم که قبله درست است يا نه، و قبله نما نیز به دليل نبودن کد آن شهر جواب نمي دهد، تکليف ما براي نماز چيست؟ 1- بايد براي پيدا کردن قبله کوشش نمايد، تا يقين کند که قبله کدام طرف است و مي تواند به گفته دو شاهد عادل ر که از روي نشانه هاي حسي شهادت مي دهند يا به قول کسي که از روي قاعده علمي قبله را مي شناسد و محل اطمینان است عمل کند و اگر اينها ممکن نشد بايد به گماني که از محراب مسجد مسلمانان يا قبرهاي آنان ر يا از راههاي ديگر پيدا مي شود عمل نمايد حتي اگر از گفته فاسق يا کافري که به واسطه قواعد علمي قبله را مي شناسد گمان به قبله پيدا کند کافي است. [1] 2- کسي که گمان به قبله دارد، اگر بتواند گمان قويتري پيدا کند نمي تواند به گمان خود عمل نمايد، مثلاً اگر ميهمان از گفته صاحب خانه گمان به قبله پيدا کند ولي بتواند از راه ديگر گمان قويتري پيدا کند نبايد به حرف او عمل نمايد. [2] 3- اگر براي پيدا کردن قبله وسيله اي ندارد، يا با اين که کوشش کرده گمانش به طرفي نمي رود،

چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید چهار نماز به چهار طرف بخواند و اگر به اندازه چهار نماز وقت، باید به اندازه ي که دارد نماز بخواند مثلاً فقط به اندازه يك نماز وقت دارد، باید نماز طرفي که مي خواهد بخواند . و باید نمازها را طوري بخواند که يقين کند يکي از آنها رو به قبله بوده ر يا اگر از قبله کج بوده، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است. [3] 4- اگر يقين يا گمان کند که قبله در يکي از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخواند ولي احتياط مستحب آن است که در صورت گمان، به چهار طرف نماز بخواند. [4] شما مي توان ي د براي بدست آوردن قبله محلهاي مسافرت خود و هم اوقات شرعي آن با سفارت جمهوري اسلامي، مراکز اسلامي آن شهري کشور و هم مرکز ژئوف ي زي ك دانشگاه تهران ارتباط برقرار کن ي د. [1] توضيح المسائل (المحشي للإمام الخميني): ج 431 / 1 . [2] توضيح المسائل (المحشي للإمام الخميني): ج 434 / 1. [3] توضيح المسائل (المحشي للإمام الخميني): ج 434 / 1 [4] توضيح المسائل (المحشي للإمام الخميني): ج 434 / 1 ر پایگاه حوزه 2-6935

رسیدن آب وضو به دهان روزه ظدار

هنگام وضو آبی که به لب می‌ظرسد و وارد محوطه دهان می‌ظشود، آیا باعث باطل شدن روزه می‌ظشود؟ رسیدن آب به فضاي دهان موجب بطلان روزه نمی‌ع باشد و می‌ع توانید آبی را که به داخل دهان رسیده بیرون بریزید. [i] ر پس تا مادامیکه آب به حلق شما نرسد روزه شما باطل نمی‌ع گردد، بلکه اگر آب را برای مضمضه کردن که از اعمال استحبابی وضو است در دهان وارد کند و به حلق برسد، قضای روزه بر او واجب نیست. [ii] اما باید توجه نمائید که وسواس از نظر شرع پذیرفته نیست و در چنین حالتی وظیفه شما اکتفا به عمل و عدم توجه به شك است. [i] استفتآت از امام خمینی قدس سره ج 1 ر با استفاده از سؤال 10 و توضیح المسائل امام با استفاده از مسئله 1690 و 1991 [ii] ر توضیح المسائل امام خمینی قدس سره، مساله 1688. پایگاه حوزه 3-3595

ص: 124

رعایت تجوید در هنگام قرائت نماز

رعایت قواعد تجوید در قرائت قرآن و نماز چه حکمی دارد؟ رعایت تدقیقات اهل تجوید در قرائت لازم نیست و ملاک در صحت قرائت، اداء حروف از مخارج آن است به نحوی که اهل زبان آن را درست بدانند. [1] [1] تحریر الوسیله حضرت امام خمینی ج 1، القول فی القرائة و الذکر مسأله 13. پایگاه حوزه 1-0164

ص: 125

رعایت قانون تجوید در نماز

آیا رعایت قانون تجویدی «تفخیم راء» در نماز (مثلاً در الله اکبر) واجب است؟ در مورد مخارج حروف، ملائک در صحت قرائت اداء کردن حروف از مخارج به وجهی است که اهل آن زبان بگویند فلان حرف را ادا کرده است ولی نیازی به رعایت دقت ع های علماء تجوید نیست اما در مورد صفات حروف (از قبیل شدت و رخوت ج تفخیم و ترقیق و استعلاء و ...) نیازی به رعایت ندارند بلی احتیاط واجب در رعایت مد لازم می ع باشد. [i] ر [i] رتحریر الوسیله امام خمینی (ره) ج 1، القول فی القرائة و الذکر، مسئله 13. پایگاه حوزه 5995-2

ص: 126

رفتار با افراد متجاهر به فسق و تارك الصلاة

با افراد متجاهر به فسق و تارك نماز و حرام ظخوار و ... که جزء فامیل و بستگان هستند چگونه رفتار کنیم؟ منظور رفتار خوب است یا بی‌اعتنایی و صحبت نکردن و ...؟ شرایط متفاوت است، اگر ترك معاشرت موجب می‌شود اشخاص مورد نظر دست از خلاف خود بردارند لازم است از معاشرت با آنان خودداری نمائید. و الا گفتگو و رفت و آمد با آنان اشکال ندارد، بخصوص اگر موجب هدایت آنها شود ولی تصرف در اموال آنها در صورتی جایز است که علم به وجود مال حرام در آنچه مورد تصرف است، نباشد. و با مراعات شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر آنان را امر و نهی نمائید [i] . [i] استفاد از استفتائات حضرت امام خمینی (س) بخش امر به معروف و نهی از منکر ج 1 ص 484-485 چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم . ر پایگاه حوزه 1-5995

ص: 127

با توجه به اینکه ائمه در همه جا حضور دارند و صدا و دعاهای ما را می شنوند چه لزومی دارد که ما سر قبر آنان برویم؟ درست است که ائمه می توانند در همه جا حضور داشته باشند. خصوصاً بعد از حیات دنیوی و رهایی از این قیودات، با همه عالم در ارتباط هستند. ولی روح آدمی بعد از مرگ به بدن خود نوعی علاقه دارد، اگر چه حقیقت این نوع علاقه و ارتباط بر ما مکشوف نباشد و ما ادله نقلی فراوانی داریم که تشویق به زیارت قبور ائمه علیهم السلام و قبر و روضه منوره پیامبر اکرم (ص) شده است. مرحوم محقق داماد گفته است که روح با بدن دو نوع علاقه دارد. الف: علاقه صوری ب: علاقه مادی. با مرگ علاقه صوری از بین رفته ولی علاقه مادی باقی می ماند. [i] علاقه زیارت قبور ائمه فوائد زیادی دارد که یکی از آنها ایجاد ارتباط روحی با صاحب قبر است و این بدیهی است که انسان در مشاهد مشرفه احساس نزدیکی بیشتری می کند، خود را مهمان صاحب خانه می داند و ... و این می تواند تأثیرات عمیقی در روان انسان بگذارد البته فوائد زیارت در این امر خلاصه نمی شود و از آن جمله

است تعظیم و اکرام صاحبان آن قبور مشرفه و ایجاد تکافل و تعامل اجتماعی و فراهم شدن زمینه های انتقال فرهنگ اهل بیت در توده های مردم و... همانطوریکه ر به بهانه ی حضور خدا در همه جا نمی توان از رفتن به مسجد و یا رفتن به حج و زیارت خانه خدا چشم پوشی کرد چه اینکه فوائد حضور در آن اماکن تنها اختصاص به ایجاد ارتباط با خدا ندارد. [i] (ر.ک کتاب معاد از دیدگاه امام خمینی ص 72 به بعد). پایگاه حوزه 2-0294

ص: 129

منظور پیامبر از رهبانیت در حدیث «لم یکتب علینا الرهبانیه إنما رهبانیه أمتی الجهاد فی سبیل الله» چیست؟ حد متناسب و حدود افراط و تفریط آن کدامند؟ هدف پیامبر اکرم (ص) از رهبانیت در این حدیث توجه داشتن مسلمانان به ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اسلام بوده است، یکی از عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه، به ویژه توسعه اقتصادی، نوع نگرش و توجه به دنیاست. این، یکی از مسائل پیچیده ای است که در نوع نگرش به آن برای توسعه افراط و تفریط های زیادی صورت گرفته است. عده ای معتقدند که توجه به دنیا و زخارف آن انسان را از کمال باز می دارد و نباید به دنیا دل بسته بود. البته شبیه به این مضمون در روایات و آیات آمده است. از طرفی عده ای از علما معتقدند که جامعه ای که دنیا را مطلوب نداند، نمی تواند به توسعه دست یابد. استدلال این عده بر این است که توسعه باید در این دنیا صورت گیرد این، با به کارگیری عقل در جهت تسخیر نیروها و منابع موجود در طبیعت به نفع بشر ممکن می شود. در آن صورت است که انسان می تواند بر رفاه و آسایش خود بیافزاید. بر این اساس اگر مکتبی، زندگی و حیات این دنیا را مذموم بداند. این

دیدگاه به طور طبیعی در اعمال و افکار افراد جامعه اثر می‌گذارد. زیرا افکار و اعمال انسان‌ها، نتیجه فرهنگ و بینش آن‌هاست. اگر رفتارهای انسان‌ها معلول طبیعی افکار و اعتقادات آنان باشد، پس لاجرم باید قبول کرد که اعتقاد به مذموم بودن دنیا در رفتار انسان مؤثر است. البته اگر کسی دنیا را به خودی خود مذموم دانست، برای استفاده در حداکثر ممکن از منابع موجود در طبیعت سعی و تلاش نخواهد کرد و هرگز برای دست‌یابی به سطح بالاتری از رفاه مادی به تلاش فوق‌العاده دست نخواهد زد بلکه به حداقل‌ها اکتفا خواهد کرد. سؤال این است که این بینش در تعالیم اسلامی چه جایگاهی دارد و چگونه می‌توان به زخارف دنیا توجه نداشت در عین حال به توسعه و رشد هم رسید؟ این مساله‌ای است که به تفاوت نوع توسعه و تعریف آن در اندیشه اسلامی با آنچه در دنیای غرب اتفاق افتاده است باز می‌گردد. در واقع، این اختلاف دو بینش است. در اندیشه اسلامی، دل‌بستگی به دنیا مذموم است. اما دنبال دنیا رفتن به صورت ذاتی مذموم نیست. این مساله را می‌توان با مراجعه به آیات و روایات استنباط کرد، در آیات قرآنی در بعضی موارد دنیا با صفاتی

نظیر لهو و لعب، متاع قلیل، متاع غرور، تکاثر و تفاخر معرفی شده است که همه، صفاتی دارای بار منفی هستند و در برخی مواقع با صفاتی نظیر فضل الهی، خیر، رحمت و حسنه معرفی شده است که همه بار مثبت دارند، البته آیاتی نیز وجود دارند که راز اختلاف این دو دسته از صفات را بیان و تضاد ظاهری این دو دسته از آیات را حل می‌کند. به عنوان مثال در قرآن شریف آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» [i] «آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند، (همه) آنها جایگاهشان آتش است، بخاطر کارهایی که انجام می‌دادند!». نتیجه‌ای که از محتوای این آیه به دست می‌آید این است که علت مذمت دنیا بی‌اعتقادی به قیامت و منحصر کردن زندگی به حیات دنیایی (رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا) است. پس، دنیایی مذموم است که برای آخرت بنا نشود. لذا دنیا به خودی خود مذموم نیست بلکه مطلوب نیز هست. در این باره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «نِعْمَ الْعَوْلُ الدُّنْيَا عَلَيَّ الْآخِرَةَ» [ii] «دنیا

بهترین کمک برای رسیدن به آخرت است» حضرت امام خمینی به این حقیقت که اگر دنیا در جهت اهداف آخرت باشد نه فقط مذموم نیست، بلکه دست یابی به آن واجب است و در مساله حکومت اشاره کرده اند: «و آنچه گفته شده و می شود که انبیاء علیهم السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سر رشته داری دنیایی مطرود است و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن احتراز می کردند و ما نیز باید چنین کنیم اشتباه تأسف آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خون خوار است. زیرا آنچه مردود است حکومت های شیطانی و دیکتاتوری و ستم گری است که برای سلطه جوئی و انگیزه های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده اند جمع آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان ابن داود و پیامبر عظیم الشان اسلام، صلی الله علیه و آله و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می کردند، از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومت ها بوده

از امور لازمه است. باید ملت بیدار و هشیار ایران با دید اسلامی این توطئه ها را خنثی نمایند و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمک ملت برخیزند و دست شیاطین توطئه گر را قطع نمایند . « چنانچه از سخنان حضرت امام استنباط می شود، دنیاداری به صورت ذاتی مذموم نیست و اگر به وسیله حکومت حق بتوان از ظلم و ستم جلوگیری کرد و به اقامه عدالت پرداخت، نه فقط مذموم نیست بلکه از دیدگاه حضرت امام از والاترین واجبات است . تفاوت دیدگاه امام خمینی با دیدگاه غربیان در نگرش به دنیا و مظاهر آن در این است که برای آن ها رسیدن به این دنیا به صورت ذاتی برایشان هدف است، لذا تمام اهداف توسعه آن ها در همین دنیا خلاصه می شود، ولی از دیدگاه حضرت امام که از اسلام نشأت گرفته است، دنیا وسیله ای برای مقاصد عالی تر و اهداف توسعه اسلامی است. لازمه این نگرش و عملکرد آن مستقل بودن انسان در مقابل دنیا و همین طور هدف مطلق ندانستن دنیاست . دلبستگی به دنیا به معنای هدف قرار دادن آن، مانع کمال انسان است و چنانچه گفته شد هدف اصلی توسعه اسلامی هم، کمال انسان است. به همین خاطر در اندیشه اسلامی دلبستگی نداشتن مطلق به دنیا

از جمله ساده زیستی، عدم وابستگی به زخارف دنیا و مال و جاه وارد شده است. حضرت امام خمینی وجود روحیه ساده زیستی را شرط توانایی انسان برای مقابله با باطل و دفاع از حق می دانند و معتقدند که دلبستگی نداشتن به دنیا باعث می شود که مردان بزرگ بتوانند به ملت های خود خدمت کنند و به طور صریح می فرمایند با زندگی اشرافی و مصرفی نمی توان ارزش های انسانی اسلامی را حفظ کرد. این نکته هدف قرار دادن دنیا و دلبستگی افراطی به آن را نفی می کند و گرنه چنانچه دنیا مقدمه احقاق حق مظلومین و اقامه عدالت باشد، از دیدگاه حضرت امام، دست یابی به آن از اهم واجبات است. البته این موضوع آن چیزی است که از مجموع تعالیم دینی قابل استنباط است. حضرت علی (ع) می فرماید: « بِالْدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ » [iii] « آخرت به وسیله دنیا به دست می آید. » پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «الدنيا مزرعة الآخرة» [iv] دنیا را مزرعه و مقدمه آخرت می دانند. لذا رهبانیت در اسلام مردود است. حضرت امام در مواقع متعددی به این حقیقت اشاره کرده اند. از مجموع سخنان ایشان در این باره، نتایج زیر برداشت می شود. 1 - هدف قرار دادن دنیا و دلبستگی به آن مردود است. 2 - برای دست یابی

به اهداف عاليه توسعه بايد دنيا را مقدمه كسب اين اهداف قرار داد . 3 - ساده زيستي و داشتن روحيه كوخ نشيني، نه كاخ نشيني، براي خدمت به خلق و سازندگي ضروري است . 4- ترك دنيا و بي اعتنايي به آن به بهانه اين كه بايد به معنويات كار داشت، مردود است . اين بينش، سبب مي شود كه جامعه اسلامي نتواند به بهانه داشتن آخرت، دنيايي خود را ترك كند و براي رسيدن به آخرت بايد دنيا را مقدمه قرار دهد. به طور طبيعي، روشن است كه دعوت به ترك رهبانيت و مطلوب داشتن دنياداري براي اهداف عاليه اسلام، نقش مثبتي در توسعه دارد. لذا مي توان گفت، اين بينش كه بگوئيم پيامبران(ع) به معنويات كار دارند و دنيا مطرود است و انبيا و اوليا و بزرگان از آن احتراز کرده اند و ما نيز بايد چنين كنيم، از موانع توسعه و سازندگي اسلامي و رشد و كمال انساني است. علماي اسلام چون حضرت امام برخلاف بقيه انديشمندان غيرمسلمان معتقدند مسایل مربوط به دنيا نبايد خود هدف باشد، نتيجه اش اين است كه همان اندازه كه انسان امروز در غرب براي دنيا تلاش مي كند، يك مسلمان بايد تلاش كند، بلكه چون مي داند كه فعاليت دنيايي در آخرت حساب و كتاب دارد، بايد حداكثر استفاده مطلوب را از

آن ببرد و هرچه می تواند بیشتر به نفع توسعه گام بردارد. تنها تفاوتی که ممکن است میان نگرش امروزین انسان های مادی غربی با یک انسان مسلمان وجود داشته باشد، این است که آنها همه چیز را در همین دنیا می بینند، ولی فرد مسلمان برای دنیا هدفی برتر قایل است. این دیدگاه به زندگی، معنی و جهت می بخشد. اهداف توسعه در غرب در همین جهان خلاصه می شود، ولی در یک جامعه دینی در عین حال که باید به همه آن بهره مندی های مادی دسترسی یافت، باید آنها را وسیله ای برای رسیدن به غایتی برتر از این دنیا قرار داد و این پیشی است که اسلام، به یک انسان مسلمان می دهد. [i] سوره یونس، آیات 7 و 8 [ii] الکافی، ج 5، د ص 2 [iii] بحار الأنوار، ج 7، ص 47 [iv]، بحار الأنوار، ج 3، ص 280 پایگاه حوزه 3085

ص: 137

روزه ي مستحبي و قضاي روزه واجب

اگر کسی قضای روزه واجب داشته باشد، آیا می تواند روزه مستحبی بگیرد؟ کسی که روزه واجب به عهده اش باشد نمی تواند روزه مستحبی بگیرد. [i][i] - توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 1 ص 885. ررررر مسأله 1562 ، الغایة القصوي في ترجمة العروة الوثقي، ج 2، ص: 177. پایگاه حوزه 2-3375

ص: 138

زمان دقیق دست کشیدن از سحري

زمان دقیق دست کشیدن از سحري چه موقع است؟ مقتضي است که مؤمنين جهت رعايت احتياط در مورد امساك روزه هم زمان با شروع اذان صبح از رسانه ها براي روزه امساك نمايند. [1] [1] توضيح المسائل المحشي امام خميني، ج 1، ص 440، مساله 362 پایگاه حوزه 2-3074

ص: 139

آیا می‌توانید زندگی‌نامه شهید‌ظ‌بهشتی را برایم ارسال کنید؟ شهید سید محمدحسین بهشتی در دوم آبان 1307 هجری شمسی در اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش از روحانیان اصفهان و امام جماعت مسجد لومبان بود. وی از چهار سالگی به مکتب رفت و در اندک زمانی قرائت قرآن و خواندن و نوشتن را آموخت و با ورود به دبیرستان به دلیل علاقه به تحصیل علوم دینی، مدرسه را رها و در سال 1321 وارد حوزه علمیه شد. به سال 1325 یعنی در هجدهمین بهار زندگی خود به قم عزیمت کرد و در کنار تحصیل علوم دینی، در سال 1327 موفق به دریافت دیپلم ادبی در امتحانات متفرقه شد. در همان سال، وارد دانشکده الهیات معقول و منقول شد و در سال 1330 با دریافت درجه لیسانس به قم بازگشت و در دبیرستان حکیم نظامی مشغول تدریس زبان انگلیسی شد. در سال 1331 ازدواج نمود که حاصل این پیوند، دو پسر و دو دختر بود. وی در سال 1333، دبیرستان دین و دانش قم را تأسیس نمود و تا سال 1342 سرپرستی آن را برعهده داشت. در فاصله سال‌های 1335 تا 1338، دوره دکترای فلسفه الهیات را گذراند سپس، با شرکت فعال در مبارزات سال‌های 41 و 42 از سوی

ساواک مجبور به عزیمت از شهر قم به تهران گردید. این شهید راست ع قامت تاریخ به پیشنهاد و درخواست آیت الله حائری رحمه ع الله و آیت الله میلانی رحمه ع الله به هامبورگ عزیمت و سرپرستی مسجد و تشکل مذهبی جوانان آن شهر را عهده دار و به فعالیت های عمیق دینی و فرهنگی پرداخت. در طی این مدت سفرهایی به عربستان، سوریه، لبنان، ترکیه و عراق (به منظور دیدار امام رحمه ع الله) انجام داد. سرانجام در سال 1349، به ایران بازگشت و به فعالیت های علمی، فرهنگی و سیاسی روی آورد. در این مدت، چندین بار توسط ساواک دستگیر و روانه زندان شد. در آذرماه 1357 به فرمان امام خمینی رحمه ع الله شورای انقلاب را تشکیل داد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره به عنوان ایدئولوگ و لیدر در صحنه های سیاسی، اجتماعی به فعالیت می پرداخت. حزب جمهوری اسلامی را با هدف تربیت و شناسایی نخبگان سیاسی فرهنگی پایه گذاری نمود. در تدوین قانون اساسی به عنوان نایب رئیس مجلس خبرگان ایفای نقش می کرد. پس از استعفای دولت موقت در سال 1358، مدتی به عنوان وزیر دادگستری و سپس، از سوی امام خمینی رحمه ع الله به ریاست دیوان عالی کشور منصوب گردید. وی سرانجام در حین انجام وظیفه در این سمت بود که در شامگاه 7 تیر سال 1360 در حین سخنرانی در

تالار حزب جمهوری اسلامی بر اثر انفجار ساختمان حزب توسط منافقین به همراه کاروان 72 نفره خود به خیل عظیم شهدای کربلا پیوست. از پیام امام خمینی رحمه ع الله به مناسبت شهادت شهید بهشتی: ملت ایران در این فاجعه بزرگ 72 تن بی گناه به عدد شهدای کربلا- از دست داد. شهید بهشتی از منظر مقام معظم رهبری: بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد، به خاطر این که در دوران زندگی اش کسی به عمق و والایی شخصیت این مرد پی نبرد. شهید بهشتی واقعا يك انسان برجسته اي بود در همه ابعاد. شهید بهشتی به روایت دوستان: او مثل همیشه، با تبسمی بر لب، پیش از غروب به دفتر مرکزی حزب جمهوری آمد و در جلسه اعضای حزب شرکت کرد. پس از پایان جلسه، آوای روح بخش اذان در دفتر طنین انداز شد و همه وضو گرفتند و برای نماز آماده شدند. نماز جماعت به امامت آیت الله بهشتی برپا شد و عده ای از وزرا و نمایندگان مجلس در آن شرکت کردند. گویند: «آن شب نماز جماعتش از همه شب ها طولانی تر بود و اصرار بچه ها هم بسیار بود که می خواهیم پشت سر تو نماز بخوانیم و نماز در حیاط دفتر حزب بود. عکاس آمد و از آن نماز عکس یادگاری گرفت.» پس از نماز، همه به سالن رفتند تا جلسه را که

پیرامون انتخاب آینده ریاست جمهوری بود، برگزار کنند، چون يك هفته از خلع بني صدر از مقام ریاست جمهوری، توسط مجلس شورای اسلامی می گذشت. جلسه با قرائت قرآن که روح ها را با ملکوت پیوند داد، آغاز شد و پس از تلاوت قرآن، سخنرانی قافله سالار شهدای هفت تیر شروع شد. ساعت حدود نه و هفت دقیقه بود که ناگهان سفیر مرگ آنان را با خود به ملکوت اعلی برد و او و یارانش چنین به خیل راست قامتان تاریخ پیوستند [i]. برای تحقیقات بیشتر می توانید به سایت: www.hazwah.ten مراجعه نموده و کلمه مورد نظر را جستجو نمائید. [i] بر گرفته از مجله دیدار آشنا شماره 13 ر ر پایگاه حوزه 1-3451

ص: 143

كدام يك از آيات قرآن سجده واجب دارند؟ شرايط خاص آنها را بيان نماييد؟ چهار آيه از چهار سوره قرآن سجده واجب دارند كه عبارتند از: الف: سوره نجم آيه آخر 62. ب: سوره علق: آيه آخر 19. ج: سوره سجده (الم تنزيل) آيه 15. د: سوره فصلت آيه 37. احكام وشرايط خاص آنها به اين صورت است كه: اگر انسان به آيات مذكور گوش فرا دهد واجب است كه سجده كند و اگر تنها آنها را بشنود (به گوش او بخورند بدون اين كه قصد شنيدن داشته باشد) اگر چه سجده واجب نيست ولي احتياط آن است باز سجده كند. آنچه موجب وجوب سجده مي شود شنيدن تمام آيه است ولي اگر بخشي از آيه را هم شنيد احتياطاً سجده كند. سجده در هنگام شنيدن اين آيات واجب فوري است و نبايد تأخير بيفتد و اگر احياناً تأخير افتاد در اولين فرصت بايد آن را بجا آورد. شنيدن از بچه يا كسي كه قصد تلاوت ندارد يا ضبط صوت، سجده كردن را واجب نمي كند اگر چه احتياط در آن است كه سجده بجا آورد. ردر سجده واجب قرآن نمي شود بر چيزهاي خوراكي و پوشاكي سجده كرد، ولي ساير شرايط سجده را كه در نماز

است لازم نیست مراعات کنند [i] . رذکر گفتن در این سجده لازم نیست ، بلکه مستحب است و هر ذکری بگوید کافی است. سوره های سجده دار را نباید در نماز خواند و موجب بطلان نماز می شود. [ii] بر فرد جنب و حائض حرام است که حتی يك آیه و کلمه از این سوره ها را قرائت کند چه آیه سجده باشد یا آیات دیگر این چهار سوره. [i] [iii] توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني)، ج 1، ص: 595 مسأله 1097. [ii] تحریر الوسيله امام خميني (ره) ج 1، ص 169. [iii] تحریر الوسيله امام خميني (ره) ج 1، ص 40. پایگاه حوزه

1575

ص: 145

آيا كسي كه مقداري پول پس انداز كرده حج بر او واجب است؟ آيا مي تواند به جاي حج رفتن ازدواج كند و در سال هاي آينده به حج برود يا نه؟ اگر نياز به ازدواج دارد مستطيع نيست. در صورتي مستطيع است كه علاوه بر مصارف ازدواج، مخارج حج را هم داشته باشيد. [i]

[i] امام خميني، استفتانات، جلد 1، صفحه 435، سؤال 4 پايگاه حوزه 1475

آیا در اسلام مرد آزاد است همسرش را طلاق دهد؟ و اگر شرایط خاصی دارد بیان فرمایید. 1 ج طلاق در اسلام مذموم و مبغوض است و هیچ گونه مطلوبیتی جز در موارد خاص ندارد و به لحاظ اخلاقی بسیار منفور معرفی شده است و اگر چه به لحاظ حقوقی مرد می‌تواند زن خود را طلاق دهد ولی اگر دلیل موجهی بر این عمل خود نداشته باشد، اخلاقاً امری مذموم و ناپسند انجام داده و یکی از زشت‌ترین اعمال را صورت بخشیده است. 2 ج مردی که زن خود را طلاق می‌دهد، باید عاقل و بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد و به اختیار خود طلاق دهد و اگر او را مجبور کنند که زنش را طلاق دهد، طلاق باطل است و نیز باید قصد طلاق داشته باشد، پس اگر صیغه طلاق را به شوخی بگوید صحیح نیست. طلاق باید به صیغه عربی صحیح و با حضور دو شاهد عادل و در زمان پاک بودن زن از حیض و نفاس باشد و شوهرش در آن پاک (یا در حال نفاس یا حیض که پیش از این پاک بوده) با او نزدیکی نکرده باشد. [i] ررر طلاق شرایط دیگری دارد که باید برای اطلاع از تفصیل آن به توضیح المسائل

رجوع نماید. [i] - توضیح المسائل (للإمام الخميني)، با استفاده از مسائل 2498 و 2499 و 2508. پایگاه حوزه 7145

ص: 148

شرط سلامت در امام جماعت و ولي فقيه

با توجه به این که شرط سلامت کامل در امام جماعت ذکر شده است پس فلج بودن ولي فقيه چه توجیهي دارد؟ آنچه فقها در این باب گفته اند اینست که "بنا بر احتیاط واجب [1] کسی که مرض خوره یا پیسی دارد یا کسی که حدّ شرعي خورده است، نباید امام جماعت شود. و همچنین بعضي گفته اند: مکروه است، کسی که به جهت مثلاً فلج نمی تواند شرایط قیام را رعایت کند، امام جماعت افراد سالم شود [2]. و این هم بدیهي است که در عبادات تعبیر به کراهت به معنای کم بودن ثواب است. پس از اساس آنچه در سؤال آمده است مردود می باشد. [1] البته بعضي دیگر از علما احتیاط مستحب دارند. [2] نك: توضیح المسائل (المحشي للإمام الخميني) ج 1 793 مسأله 1459. پایگاه حوزه 1-6364

ص: 149

شستن صورت در وضو

در وضو می‌ظگوند که از جایی که می‌ظروید صورت را بشویید. در این مورد چقدر باید دقت کرد؟ یعنی اگر کمی پایین‌تر یا کمی بالاتر باشد باطل است؟ شستن بالاتر از محل روئیدن مو در پیشانی ایرادی ندارد ولی باید به نحوی باشد که هنگام مسح سر رطوبت مسح به تری صورت متصل نشود و شستن صورت از پایین‌تر از محل رویش مو اشکال دارد و موجب بطلان وضو می‌ع باشد. [i] [i]
رتوضیح المسائل امام خمینی، مساله 237 و 238. پایگاه حوزه 2-5795

ص: 150

طریقه خواندن نماز جماعت آنگاه که به رکعت دوم امام جماعت ملحق شدیم

اگر در رکعت دوم نماز چهار رکعتی به امام جماعت رسیدیم، بقیه نماز را چگونه کامل کنیم؟ اگر در رکعت دوم به امام جماعت برسد، اقتدا نموده قنوت و تشهد را با امام می‌خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد، رانگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند کند و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را به اخفات بخواند و حتی بسم الله الرحمن الرحیم را اخفات و آرام (بدون صدا) بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده، خود را به امام برساند، یا نیت فرادی کند و نمازش صحیح است ولی اگر در سجده به امام برسد بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند، به هر صورت در رکعت دوم خود، که رکعت سوم امام است، باید تشهد را به جا آورده و بقیه نماز را ادامه دهد. (توضیح المسائل امام خمینی (ره) مساله 1439) پایگاه حوزه 2-6555

طریقه نماز خواندن امام خمینی (قدس سره)

آیا امام خمینی نماز عصر خود را سریعاً بعد از نماز ظهر می خواند یا آنکه در وقت عصر مانند سنی ها؟ دست اندرکاران خواندن نمازهای ظهر و عصر و همچنین نمازهای مغرب و عشاء در وقت فضیلتش عمل مستحبی است و دارای فضیلت ر می باشد ولی جمع بین آنها نیز از جانب شارع مقدس اجازه داده شده است، امام خمینی (ره) نیز این مسأله را در کتاب تحریر الوسیله آورده است و در مورد وقت فضیلت نماز عصر گفته اند: اظهر اینست که ابتدای وقت فضیلت عصر از وقتی است که سایه شاخص به چهار هفتم خود برسد و لکن بعید نیست وقت فضیلت نماز عصر بلافاصله پس از انجام نماز ظهر باشد، پس طبق نظر ایشان اگر کسی بلافاصله بعد از ادای نماز ظهر، نماز عصر را بخواند وقت فضیلت نماز عصر را درک کرده است. و در نماز عشا نیز با توجه به اینکه پس از نماز مغرب نماز نافله و غفیله می خواندند بطور طبیعی نماز عشا در وقت فضیلت آن واقع می شده است [i] . [i] تحریر الوسیله ج 1 مقدمات الصلاة مساله 6. پایگاه حوزه 2-3187

ص: 152

عبور دادن معنا و الفاظ آیه های سجده دار در ذهن.

اگر انسان در ذهن خود به یاد آیه سجده بیفتد، اما به زبان نگوید (گاهی می شود که عبارتی و آیه ای نا خود آگاه به ذهن انسان می آید و به اصطلاح «در دل» آن را می گوید، ولی نه به زبان)، آیا باید سجده کند؟ صرف عبور دادن معنا و الفاظ آیه های سجده دار در ذهن بدون تلفظ بدانان موجب وجوب سجده نمی شود. بلکه قرائت و استماع قرائت موجب وجوب سجده می شود [1]. [1] تحریر الوسيلة، امام خمینی (ره)، ج 1، القول في سجدي التلاوة والشكر، مسأله 3-1 و 4. ر پایگاه حوزه 1-6049

ص: 153

عدم توانایی قضای روزه واجب

آیا اگر کسی تعداد دقیق روزه هایی که از او قضا شده است را نداند و توانایی انجام قضای آنها را هم نداشته، و از نظر مالی هم توانایی پرداخت کفاره ندارد، تنها استغفار کافی است؟ (با این فرض که اگر بعداً توانایی مالی پیدا کرد فقراء را اطعام کند) 1- کسی که شك دارد چند روز، روزه قضا بر او واجب است، باید به مقداری که مظنه حاصل کند که ذمه اش بریء شده روزه بگیرد [2 . i] در مواردی که قضاء روزه بر انسان واجب است و توانایی قضای روزه را دارد با پرداختن کفاره قضای روزه از او ساقط نمی شود. و اگر واقعا قدرت بر انجام قضای روزه یا پرداخت کفاره (در آنجا که باید کفاره بدهد) ندارد لازم است که استغفار کند [ii] و هر گاه قدرت پیدا کرد وظیفه خود را انجام دهد. [3 iii] کسی که روزه قضا بر عهده دارد هر گاه توانست روزه بگیرد، باید نیت قضا کند و ثواب استحباب آن را هم انشاء الله خواهد داشت. به هر صورت کسی که می تواند روزه بگیرد و قضای واجب بر عهده دارد نمی تواند نیت روزه مستحبی داشته باشد [i] . [iv] - مجمع

الرسائل (المحشي لصاحب الجواهر)، ج 1، ص: 457. [ii] - توضيح المسائل (المحشي للإمام الخميني)، ج 1، ص: 928. [iii] -
مجمع المسائل (للغليبايگاني)، ج 1، ص: 271. [iv] - صراط النجاة (المحشي للشيخ الأنصاري)، ص: 181. پایگاه حوزه 3-3375

ص: 155

در زمانی که بنده مرجع را انتخاب کردم در شرایطی نبودم که بتوانم معیارهای صحیحی را در نظر بگیرم و در حقیقت انتخاب بنده بیشتر نظر دوستان بود تا خودم ولی حالا می بینم که قادر به تقلید از مرجع مورد نظر نمی باشم آیا می توانم مرجع دیگری را انتخاب نمایم. طبق نظر برخی مراجع عظام عدول یعنی تغییر تقلید از مجتهدی به مجتهد مساوی جایز است [1]، برخی دیگر معتقدند در خصوص مسائلی که تقلید کرده رجوع به مساوی جایز نیست [2] و برخی دیگر معتقدند که بنا بر احتیاط واجب رجوع به مساوی جایز نیست [3]. در ذیل توجه شما را به سؤالی از مقام معظم رهبری جلب می کنیم: س 44: وظیفه مقلد در قبال مرجع تقلید خود در صورتی که اعلیت مرجع دیگری را احراز نماید، چیست؟ ج: بنا بر احتیاط، واجب است در مسائلی که فتوای مرجع فعلی با فتوای مرجع اعلی اختلاف دارد، به مرجع اعلی عدول نماید. [4] [1] امام خمینی و آیت الله فاضل. [2] آیت الله مکارم شیرازی. [3] مقام معظم رهبری. [4] توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني)، ج 1، ص: 34، س 44. پایگاه حوزه 4274

عدول به فتوای تمام بودن نماز در مأموریت

آیا کسانی که بر تقلید امام (ره) باقی هستند، می‌توانند در مسأله نماز مسافر به مرجع تقلید دیگری رجوع کرده و هفته‌ای یک تا دو روز را که به مأموریت می‌روند نماز را کامل خوانده و بتوانند روزه بگیرند؟ فتوای کدام یک از مراجع تقلید کامل بودن نماز چنین افرادی است؟ باید معلوم شود که این افراد به فتوای کدام یک از مراجع معظم تقلید بر تقلید امام (ره) باقی هستند. چون باقی ماندن بر تقلید «مرجع تقلید میت» احتیاج به اجازه و فتوای یک مرجع تقلید زنده دارد. که اگر آن مجتهد زنده باقی ماندن بر «مرجع تقلید میت» را جایز بداند [i] ، می‌توانند در این مسأله (نماز مسافر) به فتوای علماء دیگری مثل آیت الله بهجت و آیت الله خامنه‌ای و آیت الله مکارم شیرازی رجوع کرده و نماز را کامل بخوانند [ii] ولی اگر آن مرجع تقلید باقی ماندن بر تقلید «مرجع تقلید میت» را در صورتی که اعلم باشد واجب بداند [iii] و این افراد حضرت امام (ره) را اعلم بدانند نمی‌توانند به مرجع دیگر مراجعه کنند. مگر این که برای آنان محرز شود که این مرجع تقلید زنده که قصد تقلید از او را دارم

از حضرت امام (ره) اعلم (عالمتر) است. [i] - أجوبة الاستفتاءات (بالفارسية)، ص: 8 - توضیح المسائل (المحشي للإمام الخميني)، ج1، ص: 21 [ii] البته این در صورتی است که مرجع تقلید زنده رجوع به مساوی را جایز بداند و از دیدگاه ما همه مراجع مساوی یا به منزله ی مساوی باشند. [iii] - توضیح المسائل (المحشي للإمام الخميني)، ج2، ص: 920 پایگاه حوزه 9875

ص: 158

آيا مردها مي توانند با بدن برهنه در حضور زنان زنجيرزني و سينه زني و عزاداري كنند؟ زنجير زني و پوشيدن لباسهاي سياه براي عزاداري در ماه محرم چه حكمي دارد؟ بنا بر نظر حضرت امام ره و برخي ديگر از مراجع عاليقدر تقليد زنجيرزني و سينه زني مردها با بدن برهنه در حضور زنان، در صورتي كه موجب مفسدهاي نشود اشكالي ندارد. و بر زنان واجب است كه از نگاه كردن به بدن نامحرم اجتناب كنند. [i] اما اصل زنجير زني، مادامي كه حدود شرعي آن رعايت شود و به نحو متعارف باشد (موجب وهن مذهب در مقابل مردم و يا باعث ضرر بدني قابل توجه نشود و به عنوان يك عمل عرفي، عامل ابراز حزن و اندوه و احساسات عزادار باشد، اشكال ندارد. ولي چنان چه موجب ضرر بدني يا عمل حرام ديگري شود، جايز نيست. [ii] پوشيدن لباس سياه جز در عزاداري ائمه عليهم السلام مكروه است. بطور كلي هر عملي كه نشانگر نمادي از حادثه خونبار كربلا باشد و عنوان محرمي بر آن صدق نكند و به عنوان يك بدعت نباشد و موجب وهن مذهب نباشد، اشكال ندارند. [i] امام خميني، استفتائات، ج 3، سوالات متفرقه، س 46 [ii] همان، سوالات 34 و 37 پاينگاه حوزه

1-2693

ص: 160

علت تاخیر در عمل کردن به فرمایشات امام قدس سره

بعضی می‌ظگوبند: چرا سخنرانی امام خمینی (ره) در سال 57 در بهشت زهرا به طور کامل پخش نمی‌شود مثل این جمله که امام فرمودند: "آب و برق مجانی باشد" و چرا به آن عمل نشده؟ می‌خواهیم از منظر دیگری با قول و حرف شما به این جملات نظر افکنیم. یقیناً ارائه خدمات مجانی در همه بخش‌ها چه در زمینه آب و برق و چه در زمینه‌های دیگر، از آرزوهای مسئولین نظام می‌باشد. اما باید دید چنین چیزی در شرایط فعلی با توجه به جمعیت و درآمد کشور و تورم جهانی و صدمات تحمیل شده به کشور بابت جنگ و مخارج فوق‌العاده بازسازی بعد از آن، نهادینه نبودن الگوی صحیح مصرف و اسراف و مصرف نادرست منابع طبیعی در اقشار مختلف جامعه (حتی نسبت به دیگر کشورها چه رسد به یک جامعه اسلامی) و... امکان‌پذیر هست یا نه؟ و شما خود به خوبی می‌دانید که در زمان حال امکان چنین امری وجود ندارد و اگر امام راحل این جملات را بیان نموده باشند، منظورشان ترسیم دورنمایی از جامعه و نظام اسلامی حقیقی بوده است که ما باید به آن سمت و سو، پیش برویم. پایگاه حوزه 9-3595

چرا در اسلام گوشت خوک حرام است؟ استفاده از خوک به عنوان غذا تاریخچه ای چندین هزار ساله دارد به طوری که مصرف گوشت خوک در بین یهودیان نیز ممنوع بوده است. و یکی از غذاهای حرام در شریعت موسی (ع) است. [1] در انجیل حضرت عیسی (ع) نیز گناهکاران به خوک تشبیه شده اند. [2] و در ضمن داستانها، خوک به عنوان مظهر شیطان معرفی شده است. [3] با این همه تأکید از طرف ادیان الهی، هنوز مصرف این ماده غذایی در برخی از نقاط دنیا (با وجود اثبات ضررهای جسمی و روحی آن) رواج دارد. در کشورهای اسلامی در اثر مبارزه جدی اسلام گوشت این حیوان مصرف نمی شود و لذا پیامدهای بهداشتی آن نیز مشاهده نمی شود. اما در کشورهای غربی (اروپا و آمریکا) این ممنوعیت اعمال نمی شود. ولی با این حال بسیاری از مردم از مصرف آن دوری می گزینند. در برخی کشورها مثل برخی قسمتهای روسیه در اثر شیوع بیماری های وابسته به خوک (کرم ترکیب - ترشین) مصرف گوشت آن را ممنوع اعلام کرده اند. [4] احکام: در شریعت اسلام در مورد خوک چند حکم صادر شده است: اول: خوردن گوشت آن حرام و ممنوع و گناه است. ر [5]

دوم: خوردن شیر خوک حرام است. [6] رسوم: خوکي که در خشکي زندگي مي کند حيوان نجسي است که پاک نمي شود. [7] چهارم: اگر خوک از ظرف، چيز رواني بخورد يا آن را بليسد ظرف را با آب هفت بار بشويند. [8] پنجم: خريد و فروش خوک جايز نيست. [9] (چون عين نجس است). حکمت ها و اسرار علمي: در مورد فلسفه حرمت گوشت و نجاست خوک از دو جهت مي توان سخن راند: اول: تاثيرات سوء رواني، معنوي و اخلاقي. برخي از مفسران مي نويسند: "خوک حتي نزد اروپائيان که بيشر گوشت آن را مي خورند سمبل بي غيرتي است. و حيواني کثيف است خوک در امور جنسي فوق العاده بي تفاوت و لا ابالي است و علاوه بر تاثير غذا در روحيات که از نظر علم ثابت است، تاثير اين غذا در خصوص لا ابالي گري در مسائل جنسي مشهود است." [10] يکي از نويسندگان مي نويسد: "خوک غيرت ناموسي ندارد (نقطه مقابل خروس است) و ديوثي مي کند و جفت خود را در معرض استفاده خوک هاي نر ديگر قرار داده، از اين عمل علاوه بر آنکه باک ندارد لذت هم مي برد و اين صفات و اخلاق او در گوشتش تاثيراتي دارد. از اين جهت اشخاصي

که تغذی به آن می کنند همان صفات و اخلاق رذیله را پیدا می کنند. و این در حالی است که غیرت از صفات کمال الهی است و در اسلام بر صفت غیرت تأکید شده است و غیرت نسبت به دین و ناموس از صفات انبیاء و ائمه طاهرین و مؤمنین است. [11] دوم: ضررهای بهداشتی: بیماریهایی که توسط خوک به انسان منتقل می شود به دو دسته تقسیم می شود: الف- بیماریهایی که از جمله عوامل ابتلای به آنها گوشت خوک است: اسهال خونی: در امعای خوک انگلهایی به نام بالانتي ديوم muditnalaB iloC رزندگی می کنند که از أهم منابع انتشار این بیماری در سرتاسر جهان است. یرقان عفونی (بیماری وایل): این بیماری از طریق آب های آلوده به ادرار خوک، سگ یا موش به انسان منتقل می شود. منبع ابتلاء به یرقان عفونی از نوع anamoR فقط خوک است. انتامیب هیستولتیک acitgdzsiH abematnE : که انسان را به اسهال آمیبی مبتلا می نماید و خوک نقش ناقل این میکروب را به انسان ایفا می کند. بیماری شبه باد سرخ diolepgrE : حیوانات زیادی و از جمله خوک به آن مبتلاء می گردند و از طریق این حیوانات به گروه خاصی از انسانها از قبیل قصاب ها، دباغ ها و ماهی

فروشان منتقل می‌گردد. که در انسان به صورت لکه های سرخ و دردناک توأم با سوزش شدید روی دست ها ظاهر می‌شود. میزان چربی و اسید اوریک موجود در گوشت خوک خیلی زیاد است و به همین دلیل در ابتلاء به بیماریهای بسیاری نقش ر دارد که از جمله آنها می‌توان از بیماری تصلب شرایین- دردهای مفصلی و مسمویتها، نام برد. [12] خوک از خوردن چیزهای پلید و کثافات حتی مدفوع خود، باك ندارد. و لذا معده خود را لانه انواع و اقسام میکروب های امراض قرار داده و از آنجا به گوشت و خون و شیر آن سرایت می‌کند. [13] و شاید حکمت اینکه در شریعت اسلام دستور داده شده است که ظرف آبی را که خوک از آن چیز روانی خورده یا لیسیده است هفت بار بشوئیم همین مطلب است. یعنی تماس مداوم و بی پروای خوک از طریق دهان یا کثافات موجب آلودگی زیاد آن است. و لذا دو مرتبه آب ریختن در رفع آن کفایت نمی‌کند. ب: بیماریهایی که تنها علت آنها خوردن گوشت خوک است: ر 1 کرم کدوی خوک *muiloS aneaT* : طول این کرم 2-3 سانتی متر بوده و دارای آلت مکیدن و قلاب است. لارو این کرم سیستمی سرک

SucercitgsC casolulle نام دارد و در عضلات و مغز خوک یافت می شود. انسان با خوردن گوشت و یا مغز خام خوک به آن مبتلا می شود. و دچار نارسائی هایی در دستگاه گوارش می گردد. (مثل کم اشتهايي- احساس درد- اسهال و یا یبوست) این بیماری که بصورت گسترده اي در جهان منتشر شده در کشورهای اسلامي که گوشت خوک مصرف نمي کنند، به ندرت دیده می شود. [14] یکی از بیماریهایی که توسط کرم کدو به وسیله گوشت خوک به انسان منتقل می شود مرض لادرري eirerdal است. این بیماری در شهرهاي مسيحي نشين فراوان یافت می شود. اما در بين مسلمانان و يهوديان که از خوردن گوشت خوک احتراز می کنند به کلي پيدا نمی شود. [15] 2- تري شينوز silaripS allenihcirT : عبارت است از يك کرم ريز به طول 3-5 ميلي متر و از طريق خوردن گوشت خوک خام يا نیم پز وارد بدن انسان می شود. آثار این کرم در بدن انسان عبارت است از: خراشیدن و التهاب جداره امعاء- پیدایش جوشها و دملهاي پراکنده در تم ام بدن- تخم گذاری در عضلات انسان همراه با درد شديد عضلات و سختي تنفس و ناتواني در سخن گفتن و جویدن غذا- گاهي در اثر فلج شدن عضلات تنفسي

و یا قلب منجر به مرگ می شود که تا کنون درمانی برای این حالت بدست نیامده است و کم خونی و سرگیجه و تب های مخصوص از جمله آثار آن است. [16] برخی نویسندگان از این کرم در فارسی با نام "ترکین" و "ترشین" یاد کرده و می نویسند: "کرم ترشین تنها به وسیله گوشت خوک به انسان منتقل می شود و به ماهیچه های بدن نفوذ کرده و به آسانی از بین نمی رود. و یک گرم گوشت خوک ممکن است هزارها عدد از این کرم همراه داشته باشد. و یک ترشین ماده تقریباً 1500 کرم جوان می زاید. این کرم می تواند به قلب نیز نفوذ کرده، تولید سگته های قلبی نماید. پختن گوشت، این کرم ها را نابود نمی سازد زیرا وقتی گوشت را حرارت می دهند، مواد سفیده ای گوشت، منعقد می شود و کرم در وسط این اجرام منعقد از آسیب حرارت مصون می ماند. این قسمت های منعقد که کرم ها را در وسط خود محفوظ کرده اند، در معده حل نمی شوند و به روده ها می روند." [17] ترکین که داخل معده می شود هیچ دوائی کرم کش یا "ورمیفوزی" قادر به دفع آن نیست. کرم ترشین در یک ماه پانزده

هزار تخم ریزی می کند و در یک کیلو گوشت خوک ممکن است 400 میلیون نوزاد این کرم باشد. [18] این کرم اولین بار توسط یک نفر انگلیسی به نام « سر جیمز پاژت » در سال 1835 میلادی کشف شد. [19] این بیماری در تمام دنیا به ویژه آمریکا و کانادا و اروپا شیوع دارد ولی در کشورهای اسلامی به دلیل حرام بودن مصرف گوشت خوک بسیار نادر است. [20] ر3 گوشت خوک ثقیل الهضم است و معده را سخت در زحمت می اندازد. در اثر خوردن گوشت خوک اغلب سمّیتی به وجود می آید که در اصطلاح علمی آن را « بوتولسم » می گویند. [21] دکتر سید الجمیلی [22] و دکتر صادق عبدالرضا علی [23] و دکتر حمید النجدي [24] و محمد کامل عبد الصمد [25] و العمید الصیدلي عمر محمود عبدالله ر [26] و سید جواد افتخاریان [27] نیز در کتابهای خود به آثار طبی مشابهی برای گوشت خوک اشاره می کنند. بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: 1 یکی از برکات ادیان الهی برای بشریت جلوگیری از مبتلا شدن انسانها به بیماری ها و ناراحتی های جسمی و روحی است. ممنوعیت خوردن گوشت خوک و نجاست آن توسط ادیان الهی یکی از معجزات علمی

ادیان است چرا که این حکم در شرایطی صادر شده که هنوز بشر به اسرار علمی و ضررهای بهداشتی خوک پی نبرده بود. و تنها پیروان ادیان الهی (مثل اسلام و یهود) این حکم را به صورت تعدی پذیرفته و عمل می کردند. و از ضررهای خوک بدور ماندند. اما همیشه کسانی بوده و هستند که با وجود علم و اطلاع از ابزار علمی و بهداشتی احکام الهی دست به اقدام می زنند و با آلوده شدن به این امور زندگی خود و دیگران را به خطر می اندازند. ر2 ممنوعیت گوشت خوک که در قرآن کریم مطرح شده است اعجاز علمی انحصاری این کتاب آسمانی نیست چرا که این مطلب در کتب آسمانی قبلی مطرح شده بود. بلی این مطلب به عنوان اعجاز علمی برای انبیاء الهی مطرح می شود چرا که در شرایطی حرمت و نجاست خوک را مطرح کرده اند که بشریت هنوز همه ضررهای بهداشتی و معنوی آن را کشف نکرده بود. ر3 همانطور که در مورد مردار بیان شد، این ضررهای معنوی و بهداشتی گوشت خوک تنها می تواند حکم و فلسفه حکم حرمت و نجاست آن را بیان کند و نمی تواند علت انحصاری آن احکام را بیان کند چرا که در قرآن کریم

تصریح به این علت نشده و از طرف دیگر با پیشرفت علوم پزشکی ممکن است اسرار جدیدی کشف شود که مصالح و مفاسد تازه ای را در مورد این احکام روشن نماید. برخی از ضررهای بهداشتی که در مورد گوشت خوک گفته شد قابل نقد است چون ممکن است کسی بگوید که ما خوک را در شرایط بهداشتی و به دور از این میکروب ها و عوامل بیماری زا پرورش می دهیم و سپس گوشت آن را از آلودگی ها (با روش های مختلف مثل حرارت بالا یا انجماد) دور می سازیم و در آن صورت علتی برای حرمت آن وجود ندارد. مگر آنکه به طور قطعی اثبات شود که کرم ترشین تحت هیچ شرایط در گوشت خوک از بین نمی رود. در مورد تاثیر گوشت خوک در مسائل روانی و روحی (مثل بی غیرتی) نیز باید گفت که این فقط یک حدس قوی است و هنوز از طریق منابع مستقل علمی تایید نشده چون در معرض تجربه در شرایط کنترل شده علمی قرار داده نشده است. نتیجه: پس این ضررهای بهداشتی و اخلاقی فقط می تواند به عنوان فلسفه و حکمت حکم رر- نه علت انحصاری آن- مطرح شود. و هنوز باید منتظر کشفیات جدید علمی در این باره

باشیم [28]. [1] - کتاب مقدس، سفر لاویان، باب یازدهم، آیه 7 (و خوک زیرا شکافته سم است و شکاف تمام دارد لیکن نشخوار نمی کند این برای شما نجس است.) [2] - عهد جدید، رساله دوم پطرس رسول، باب 2، آیه 22. [3] - رر.ك: تفسیر نمونه، ج 1، ص 586. ررررر [4] - احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص 164. [5] - ر.ك: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله و رساله های عملیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام خوردنی ها. [6] - همان. [7] - همان، مبحث نجاسات. [8] - همان، مبحث مطهرات، (البته در مورد کمیت و کیفیت این حکم بین مراجع اختلافاتی هست ولی اصل آن مورد توافق است.) [9] - همان، مبحث معاملات حرام. [10] - تفسیر نمونه، ج 1، ص 586. [11] - احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص 162 با تصرف. [12] - دکتر عبدالمجید دیاب و دکتر قرقوز، طب در قرآن، ص 146-147. [13] - ر.ك: فلسفه احکام، ص 161-162. [14] - طب در قرآن، ص 146-147. [15] - ر.ك: فلسفه احکام، ص 162-163 و اسلام پزشکی بی دارو، ص 55. [16] - طب در قرآن، ص 146-147. [17] - اسرار خوراکیها، ص 74 به نقل از اسلام پزشکی بی

دارو، ص 52-53 . [18] - تفسير نمونه، ج 1، ص 587 با تلخیص و نیز فلسفه احکام، ص 164. [19] - اسلام پزشك بي دارو، ص 53-54 . [20] - اسلام پزشك بي دارو، ص 53-54 . [21] - اسلام پزشك بي دارو، ص 56. [22] - ردكتر السيد الجميلي، الاعجاز الطبي الحديث، دارو مكتبة الهلال بيروت، ص 115 [23] - - ر.ك: القرآن و الطب الحديث، ص 119 تا 121. [24] - دكتر النجدي، الاعجاز في القرآن الكريم، ص 32 تا 44. [25] - محمد كامل عبدالصمد، الاعجاز العلمي في الاسلام (القرآن الكريم)، ص 235-231. [26] - العميد الصيدلي عمر محمود عبدالله، الطب الوقائي في الاسلام، ص 166 . [27] - سيد جواد افتخاريان، قرآن و علوم روز، ص 80 تا 86. [28] - پژوهشي در اعجاز علمي قرآن، محمد علي رضايي ص 319-325. پاىگاه حوزه 8576

ص: 172

فلسفه آیات تکراری در قرآن

این همه آیات تکراری در قرآن آیا دلیل نقص قرآن نیست؟ تکرار آیات قرآن کریم نشانه اهمیت این آیات و شیوه ای برای القاء حقیقت به آدمیان است و نمی تواند همیشه مذموم باشد " و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین [i] " در این مورد به کتاب کشف الاسرار امام خمینی (س) مراجعه فرمائید. [i] سوره ذاریات آیه 55 پایگاه حوزه 18-3915

ص: 173

آیا در اسلام فقط زنان باید از مردان اطاعت پذیری کامل داشته باشند، یا اطاعت پذیری دو جانبه و دو طرفه می باشد؟ 1 ازدواج عقد دو طرفه و قرار داد مقدسی است که بین زن و مرد برقرار شده و موجب انس و الفت، مودت، دوستی و آرامش و در نتیجه زندگی مشترک آن دو می شود به صورتی که بعد از ازدواج زن و شوهر همدم یکدیگر شده، غرائز خدا دادی خود را به نحو صحیح و اخلاقی اشباع می کنند و جان و دل آنان از فشار غرایز طبیعی خلاصی می یابد تا بتوانند مسیر سعادت و کمال را در کنار یکدیگر طی کرده به درجات عالی برسند. اسلام دین حق و پاک الهی است و شریعت آن برخاسته از علم و اراده خداوند آگاه (به همه نیازهای واقعی انسان ها) می باشد. این دین تمام مصالح واقعی و نیازهای واقعی (و نه کاذب و ظاهری) را در احکام خود لحاظ کرده و از جمیع مفسد و زشتیها منزه داشته است. اگر چه ممکن است عقل و دانش بشری نتواند بعضی از این مصالح و مفسد را درک نماید. بنا بر این تمام وظایف و تکالیفی که برای هر یک از زن و

شوهر تعیین کرده است با توجه به در نظر گرفتن منافع و مصالح هر يك به طور جدا گانه و در نظر گرفتن خانواده و اجتماع است. 2 تبعیت و اطاعت زن از شوهر تنها دو مسأله است: الف- اطاعت در امور زناشویی. ب- اطاعت در خروج از منزل. هر کدام از این دو مسأله دارای شرایطی هستند. مثلاً تمکین و زناشویی در صورتی است که زن در سختی و بیماری و مشکلات دیگر نباشد. اجازه خروج از خانه در صورتی است که با انجام وظایف واجب شرعی منافات نداشته باشد. و الا اطاعت واجب نمی شود. در مقابل این اطاعت، بر شوهر واجب است که مسکن و پوشاک و خوراک و درمان و استراحت زن را در حد متعارف تامین کند. به نحوی که اگر مرد این وظایف شرعی خود را انجام ندهد و در تهیه مسکن و خوراک و پوشاک مناسب زن کوتاهی کند، بر زن اطاعت این شوهر واجب نخواهد بود. ولی زن در خانه هیچ گونه مسئولیت مالی و معیشتی ندارد [1]. حتی تهیه غذای خانه و پخت و پز و جارو کردن و ... وظیفه مرد می باشد و زن می تواند در مقابل شیر دادن بچه و کارهای دیگری که در منزل

انجام می دهد (مثل نظافت، تهیه غذا و.. از مرد مطالبه دستمزد کند. در این جا این نکته را متذکر می شویم که اساسا اسلام می خواهد خانواده کانون گرم و صمیمانه ای برای اعضای آن باشد، نه محل کشمکش و دعوا و نزاع، به این جهت توصیه اسلام حاکمیت فضایی اخلاقی و مهربانی است، نه اجرای مواد حقوقی و آئین نامه ای، این امور حقوقی فقط برای مواردی است که اختلافات پیش آمده با گفتگو و نصیحت و اخلاق، قابل حل نباشد. به این جهت پسندیده آن است که زن کارهای خانه را انجام دهد و مرد کارهای بیرون از خانه که نوعا دارای مشقت و سختی بیشتری هستند همچنین اگر مردی رعایت مسائل اخلاقی و رفتار نیکو را نکند و به گونه ای باشد که زن را در عسر و حرج قرار دهد و زندگی را بر او سخت نماید، حاکم شرع می تواند مرد را به رعایت آداب و اخلاق نیکو ملزم گرداند.. 3 در امور خانواده بالأخره باید کسی مدیر باشد و چون مردان نوعا در کشاکش بین عواطف و مصالح، مصالح را بر عواطف ترجیح می دهند این مدیریت به آنان سپرده شده است. و زنان هم امین و مشاور آنان می باشند. این مدیریت يك وظیفه

است نه يك حق صرف، و يك امتياز. 4 اما اصل مطلب كه چرا زن بايد در دو امر گذشته (تمتع جنسي و خروج از منزل) تابع مرد باشد؟ و چرا بايد مرد نان آور خانه و تلاشگر براي حفظ نيازهاي عاطفي و معيشتي خانواده باشد، و زن از اين جهت معاف است؟ در پاسخ بايد بگوئيم: اولاً- بر مرد هم واجب است كه نيازهاي جنسي زن را برآورده كند. ثانياً: زنها نوعاً از مردان در امور جنسي مقاوم تر هستند و مردان كمتر مي توانند در برابر تمايلات جنسي مقاومت كنند. ثالثاً: مردان براي برآوردن نياز جنسي زنان نيازمنند مقدماتي هستند، كه زنها (به لحاظ فيزيولوژي) نيازمنند آن مقدمات نيستند. اگر قرار است كه مرد در يك محيط اسلامي زندگي كند و رعايت قوانين شرع را بنمايد جز همسر خود راهي براي ارضاء غرايز نخواهد داشت و اين زن بايد بتواند پاسخگوي نياز او باشد و اگر هر بار با بهانه و اشكالي، شانه از اين مسؤليت خالي كند، مرد قهراً دچار انحرافات اخلاقي و گرايش به بيرون از خانه خواهد شد، پس بر زن لازم است كه او را از اين جهت حفظ كرده و مانع طغيان و سركشي جنسي او شود، البته بر زن و مرد لازم

است که به لحاظ عاطفی نیز همدیگر را اشباع کنند. اما در مورد خروج از منزل، اولاً: گاهی این خروج از منزل بیهوده است و موجب ضایع شدن حقوق مرد می شود. ثانیاً: در حالتی که زن اضطرار دارد که برای کار مهمی ر از منزل خارج شود، مرد نمی تواند بدون دلیل مانع از خروج زن از منزل شود [ii]. بلکه طبق نظر بعضی از فقهاء این حق مرد در صورتی است که خروج زن از منزل بدون داشتن عذر شرعی باشد [iii]، اما اگر مرد بخواهد بیهوده از این حق خود به عنوان یک اهرم، سوء استفاده کند و اجازه خروج را حتی در شرایطی که زن برای خروج از منزل دلیل شرعی داشته باشد به زن ندهد، در واقع دچار سوء خلق گشته و به لحاظ اخلاقی امری ناپسند و غیر مقبول انجام داده است. زیرا مدیریت خروج از منزل زن، به عهده مرد گذاشته شده است تا به خوبی کنترل شود، نه این که مورد سوء استفاده قرار گیرد. 5 نکته آخر این که از نظر اسلام این روح آدمی و جوهره انسانیت است که اصل است و این روح و جوهره نه مؤنث است و نه مذکر، بلکه این احکام (مذکر و مؤنث بودن)،

معطوف به بدن آدمیان می باشد. و احکام ویژه هر کدام نیز معطوف به همان خواص بدنی است نه روحی. زیرا به لحاظ روح، هم زن و هم مرد، انسان هستند و همه شرایط انسانی و مراتب کمال را دارا هستند. البته مشورت بین زن و مرد در امور مربوط به خانواده، امری پسندیده و نیکو است بلکه مشورت با بچه های منزل هم نیکو و پسندیده است و در اسلام بدان سفارش شده است. معنای مدیریت، عمل يك جانبه نیست بلکه معنای مدیریت این است که در موارد اختلافی، بعد از مشورت و به نتیجه یکسان رسیدن، تصمیم آخر را مدیر اخذ می کند. [1] - توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني)، ج 2، ص: 478 - مسأله 2414 [ii] - توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني)، ج 2، ص: 477 - مسأله 2412 [iii] همان پایگاه حوزه 0886

ص: 179

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر

چرا وقتی صحبت انجام امر به معروف و نهی از منکر می شود مردم تن شان می لرزد؟ (چرا مردم از اجراء امر به معروف و نهی از منکر وحشت دارند؟) (تا زمانی که قلم ها را بشکنند، دهانها را ببندند، افکار را فراری دهند و تهدید به نابودی و نداشتن گوش شنوا باشند دچار نافرجامی های مدنی و بی اعتمادی خواهیم بود.) امر به معروف و نهی منکر از فروع دین اسلام و اجراء آن باعث برپا شدن واجبات و از بین رفتن منکرات و برقراری امنیت و آسایش در جامعه می شود. زیرا از نظر اسلام جامعه انسانی يك واحد به هم پیوسته است که اگر جلوی میکروب های موجود در يك عضو گرفته نشود ناراحتی و مرض از يك عضو به سایر اعضا سرایت خواهد کرد. امر به معروف و نهی از منکر به منزله واکسیناسیون جامعه و جلوگیری از ابتلاء به بیماریهای روحی و روانی است. بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر برای همه جوامع ضرورت تام دارد. مثال امر به معروف و نهی از منکر مثال جلوگیری از انسان نادانی است که سوار کشتی شده و قصد سوراخ کردن آن را دارد که اگر

از این کار او جلوگیری نشود با سوراخ شدن کشتی، خود او و دیگر مسافران کشتی غرق خواهند شد. آیا اگر چنین فردی اعتراض کند که هیچ کس حق ندارد آزادی مرا سلب کند زیرا من تنها زیر صندلی مخصوص خود را که اختیار آن را دارم، سوراخ می کنم و تنها خودم غرق می شوم!!! کسی به اعتراض او توجه می کند؟ مسلماً کسی اعتراض او را نمی پذیرد زیرا همگان می دانند که سوراخ شدن یک نقطه از کشتی همان و غرق شدن همه کشتی با تمام سر نشینان هم همان. بنابراین اگر در جامعه ای امر به معروف و نهی از منکر ترک شود گناه و فساد یک نفر یا یک گروه به سایر افراد و سایر گروه ها نیز سرایت می کند و جامعه ای را آلوده می کند. البته ممکن است گاهی در اجراء امر به معروف و نهی از منکر در جمهوری اسلامی اشتباهات یا تخلفاتی صورت گرفته باشد که ما منکر آن نیستیم و شاید دلیل نارضایتی بعضی افراد نیز به سبب خاطرات تلخی است که از آن اشتباهات دارند. ولی توده های مردم مسلمان از امر به معروف و نهی از منکر و اجراء آن به شکل صحیح، استقبال می

کنند. البته افرادی هم که اهل منکرات هستند همیشه از اجراء امر به معروف و نهی منکر احساس وحشت دارند و اجزای آنرا به ضرر خود می‌پندارند، در صورتی که اجراء صحیح امر به معروف و نهی از منکر به نفع آنان نیز می‌باشد. امر به معروف و نهی از منکر مراتب و شرایطی دارد که اگر همگان مخصوصاً مجریان و ضابطین این فریضه مهم با آنها آشنا گردند و آن را بصورت صحیح در جامعه پیاده کنند، همه افراد جامعه آنرا اصلی ضروری و مترقی و قابل دفاع خواهند یافت. برای آشنائی بیشتر با مراتب و شرایط آن می‌توانید به رساله توضیح المسائل امام خمینی (ره) مراجعه فرمائید. [i] [i] توضیح المسائل مراجع، ج 2، از ص 618 تا ص 624 پایگاه حوزه 2-8875

ص: 182

چرا در ایران گروه امر به معروف و نهی از منکر جان مردم را به لبشان رساندند؟ به نظر می‌رسد که فلسفه امر به معروف و نهی از منکر از جانب شما مورد بی‌مهری قرار گرفته است در اسلام این دو دستور، ابزاری هستند برای جلوگیری جامعه از غرق شدن در فساد. یعنی به منظور صیانت جامعه از فساد، اسلام گفته است بر هر مسلمان واجب است که امر به معروف و نهی از منکر کند. شما فرض کنید که در درون قایقی نشسته اید و عده‌ای هم در کنار شما هستند و شما هم شنا بلد نیستید. ناگهان در وسط دریا، کسی می‌خواهد قایق را سوراخ کند یا کاری انجام دهد که مردم غرق بشوند، در این حالت آیا شما خواهید گفت که این شخص آزادی دارد که هر کاری را بکند، مزاحم او نشوید؟ یقیناً شما به منظور جلوگیری از غرق شدن قایق و آسیب نرسیدن به سر نشینان آن، در جای خود نمی‌نشینید، مگر این که کاری از دست شما بر نیاید. آیا انتظار دارید که دیگران به کمک شما بیایند یا به کمک خرابکار؟ البته ممکن است شما در تلقی خود، جامعه را همانند

کشتي در دريا ندانيد که در اين بستر انسانها بايد به ساحل نجات راه يابند، اما اين مباني خاص خودش را دارد که بايد در فرصت ديگري بدان پرداخت. نکته اي که در پايان لازم است متذکر گرديم اين است که شايد شما به نوع عملکرد بعضي ها اشکال و اعتراض داشته باشيد و آن را موافق دستورات اسلامي ندانيد، اما اينها ربطی به اسلام ندارد و اشکالاتي به ما در اجراي احکام اسلام وارد است و کسي هم در اين جا اين ادعا را ندارد که ما توانسته ايم دستورات اسلام را آن جوري که اسلام از ما خواسته است، اجرا کنيم. پایگاه حوزه 1-5175

فلسفه روی نیاوردن دنیای اسلام به بعضی از هنرها مثل مجسمه سازی

فلسفه روی نیاوردن دنیای اسلام به بعضی از هنرها مثل مجسمه سازی و ... چیست؟ امام خمینی و دیگر فقها ساختن مجسمه را حرام می دانند. لازم به ذکر است که امام و عده ای از علما خرید و فروش و نگاه داری مجسمه را بی اشکال دانسته و فقط در ساختن آن اشکال کرده اند. اما در این باره جالب است کلامی از امام برایتان بیاوریم: حضرت امام خمینی (ره) در کتاب المکاسب المحرمه خود در توجیه روایاتی که نقاشی و مجسمه سازی را منع فرموده است: ظاهر این است که مراد از این اخبار تصویر صورت هایی باشد که بر آن عبادت می کردند و گمانی که موافق با اعتبار و طبیعت مردم است این است که جمعی از اعراب بعد از نابود شدن اساس کفرشان و شکسته شدن بت ع هایشان به دست مبارک پیامبر اکرم (ص) و به دست امراء، به آن اشکال و صور، علقه و دلیستگی داشتند و در ته دل خود به آن علاقه داشتند پس امثال آنان را می ع ساختند تا آثار گذشتگان خود را به جهت علاقه به بقاء آن حفظ کنند همانطوری که امروزه می ع بینم که گروهی از مجوسیان و آتش پرستان علاقمند به حفظ آثار

خود هستند و برای باقی ماندن آثار اجداد خود تلاش می‌کنند پس پیامبر اکرم (ص) با این شدت و سختی آنان را نهی فرمود که چنین شدتی در نهی فقط مناسب حال کفار و امثال کفار می‌ع باشد و مقصود پیامبر (ص) از این سختگیری همانا ریشه کن نمودن اساس کفر و بی‌دینی و دور کردن این زشتی‌ها از محیط توحید بود. [i] برای شرح و تفصیل بیشتر به مکاسب محرمة ایشان، ج 1، ص 261 به بعد مراجعه نمایید. ولی باید دانست که نظر امام بادر نظر گرفتن مجموع ادله همان است که در ابتداء آوردیم. [i] - المكاسب المحرمة، ج 1، ص 258، للامام خمینی (ره) چاپ اول مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) تاریخ انتشار 1373. ر پایگاه حوزه 4002

ص: 186

اگر زمین لرزه رخ دهد. برای خواندن نماز آیات چقدر فرصت (زمان) است؟ آیا باید همان جا که هستم بایستم و نماز آیات بخوانم؟ آیا همین حکم در صورتی که زمین لرزه کوچک رخ دهد، وجود دارد؟ در باره علائم دیگر چه؟ مانند کسوف، رعد و برق، توفان و سیل که آیا باید سریعاً نماز بخوانم؟ نماز آیات واجب فوری است و باید در اولین فرصت ممکن به جا آورده شود البته مقدمات آن مانند وضو و مانند آن هم لحاظ می شود. اولین فرصت یعنی آن چه که عرفاً به آن تأخیر نگویند. در زمین لرزه و رعد و برق نماز آیات را همیشه با نیت ادا می خوانیم و بعد از زمین لرزه در اولین فرصت واجب می شود و باید به جا آورده شود و اگر به جا نیامد واجب است در فرصت دوم به جای آورد و همین طور تا زمانی که به جا آورد اما در نمازهای دیگر مثل خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی هنگام وجوب از موقعی است که شروع به باز شدن و آزاد شدن می کند و با تمام شدن کسوف و خسوف وقت آن تمام می شود و اگر بعد از آن بخواند باید به نیت قضاء به جا آورد

نه ادا. در حوادثي که نماز آیات واجب است بعضي مثل زلزله و کسوف و خسوف و لو کم و ناچيز رخ دهد نماز آیات واجب مي شود ولي بعضي از آن حوادث مانند رعد و برق و بادهاي سياه سرخ و زرد غير عادي بايد به گونه اي باشد که بیشتر مردم ترسيده باشند تا نماز واجب شود. [i] البته منظور از اينکه گفتيم در اولين فرصتي که مي توانيد مقدمات نماز مانند وضوء و طهارت را کسب کنيد و... در صورتي است که وظيفه اي واجب تر از نماز نداشته باشيد مانند نجات کسي از زير آوار. [i] رتوضيح المسائل امام خميني (ره) نماز آیات مسأله 1491 الي ر 1515. پایگاه حوزه 8934

ص: 188

آيا قمه زدن حرام است و دليل حرمت آن چيست؟ قمه زني نيز مثل زنجير زني و شبیه خواني و... از دير باز مورد اختلاف نظر علما و پيروان و مقلدين آنان بوده و به استفتاء و افتاء مبني بر جواز يا عدم جواز آن مي پرداخته اند. اين مراسم، از نظر شرعي پايه و مبناي ديني ندارد و صرفاً روي علاقه شيعيان به ابا عبدالله الحسين (عليه السلام) انجام مي گيرد. فقها نيز آن را در صورتي كه ضرري نداشته باشد مجاز مي دانند. برخي از فقها نيز به خاطر تأثير نامطلوب قمه زني بر افكار ديگران و در پي داشتن وهن مذهب، آن را ممنوع دانسته اند. البته شرايط زماني در اين مسأله بي تأثير نيست. امام خميني (ره) در پاسخ به استفتايي كه در سالهاي اول پيروزي انقلاب اسلامي در اين زمينه از ايشان شده بود، فرمودند: "در وضع موجود، قمه نزنند..." آيت الله خامنه اي نيز در دیدار با روحانيون در آستانه محرم (سال 1373 شمسي) در ضمن بيانات مبسوطي در خرافه زدائي از عزاداري سيد الشهداء (عليه السلام) فرمودند: "قمه زدن هم از كارهاي خلاف است... اين يك كار غلطی است كه عده اي قمه را بگيرند و بر سر خود بزنند و خون بريزند... كجاي اين كار

و حرکت، عزاداري است؟ اين جعلي است. اينها چيزهايي است که از دين نيست... " و آن را بدعت، خلاف و خرافه دانستند. و در پاسخ به نامه امام جمعه اردبيل، نوشتند: "امروز اين ضرر بسيار بزرگ و شکننده است و لذا قمه زدن علني و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است" علماي ديگر نيز در تأييد موضع و سخن رهبر انقلاب، آنرا موجب وهن مذهب و نا مشروع دانستند. البته اين احساس مذهبي و عواطف ديني که سبب مي شود به عشق حسين عليه السلام چنين کارهايي کنند بايد در مسير صحيحي هدايت شود تا شور و انگيزه جهاد و شهادت بيافريند بعلاوه آنان که به خاطر امام حسين (عليه السلام) حاضرند خون بدهند، چه بهتر که خون خود را در در مانگاهها و مراکز انتقال خون اهداء کنند يا با تأسيس بانک خون از فداکاران و ايثارگران، در روز عاشورا خون گرفته شود و نگهداري گردد تا از آن طريق، جان انسانهاي بسياري که نيازمند خونند، نجات يابد. گرچه اين کار مثل قمه زني، تأمين کننده احساس عاطفي فرد نباشد ولي قطعاً رضاي خداوند و سيد الشهداء عليه السلام را بيشتتر در پي دارد. کاش روزي صدقه دادن خون نيز مثل صدقه و کمک مالي لباس و غذا و ... مرسوم گردد

ص: 190

و با قصد قربت انجام گیرد. کي گفت حسين، بر سرخويش بزني؟ با تيغ، به فرق خويشتن نيش بزني؟ تيغي که زني بر سرخود، اي غافل بر فرق ستمگران بد کيش بزني [1] [1] رجوع شود به کتاب فرهنگ عاشورا جواد محدثي ص 359-358. پایگاه حوزه 1206

ص: 191

لزوم اطلاع محتضر از مقدار ماترك به ورثه

اگر شخصي كه در حال احتضار است داراي اموالي باشد كه ورثه از آن اطلاع دارند و همچنين اموالي دارد كه ورثه از آن بي اطلاع هستند. با توجه به اينكه كليه ماترك وي به وراثت تعلق خواهد داشت آيا اگر اين محتضر به وراثت از وجود اموال مخفي مثل گنج يا طلبي كه ديگري دارد خبر ندهد، به وراثت بدهكار خواهد بود؟ 1- كسي كه نشانه با مرگ را در خود مي بيند، اگر مالي پيش كسي دارد يا در جائي پنهان کرده است كه ورثه نمي دانند چنانچه به واسطه ندانستن حقشان از بين برود بايد به آنان اطلاع دهد. [1] 2- فتواي امام خميني و نظر ديگر فقها مطلق است و شامل زياده بر ثلث و به مقدار ثلث و يا کمتر از آن هم مي شود. 3- وصيت محتضر در ثلث مال خودش نافذ است و بيش از آن موكول به اجازه وراثت است. 4- اگر مال محتضر در جائي پنهان باشد علاوه بر اينكه تضييع حق وراثت است اضعاءه و تلف مال هم محسوب مي شود و جايز نيست و اگر پيش كسي باشد يا بايد تحت يكي از عناوين مانند وصيت، هبه و... او را مالك

قرار دهد که تخصصاً از بحث ما خارج است، یا باید وارث را در جریان آن مال قرار دهد و نمی تواند آن مال را معلق رها کند . [1] توضیح
المسائل امام خمینی مساله 2703 پایگاه حوزه 3149

ص: 193

آيا بعد از تكبيرة الاحرام نماز و قبل از سوره حمد، مستحب است كه انسان بخواند: « وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ... »؟ مستحب است كه انسان علاوه بر تكبيرة الاحرام، شش تكبير ديگر بگويد يا قبل از تكبيرة الاحرام و يا بعد از آن و يا در وسط آنها تكبيرة الاحرام را بگويد و موافق با احتياط، اولي است و افضل اينست كه بعد از آخرين تكبير (تكبير هفتم) بگويد: « وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... [1] » [2] [1] ررر- ررررسوره انعلم، آيه 79. [2] تحرير الوسيله امام خميني (س)، ج 1، القول في تكبيرة الاحرام مسأله 2. پاينگاه حوزه 2-6069

مصرف نذورات در غیر مورد آن

آیا می توان نذوراتی که در دسته جات و هیئت های عزاداری جمع می شوند را در ساخت مدرسه هزینه کرد؟ به جهت نذر بستگی دارد اگر نذورات جهت هزینه شدن در هیئات عزاداری پرداخت شده اند نمی توان در غیر مورد آن را مصرف کرد. [1] [1] توضیح المسائل امام خمینی (ره) مسأله 2663. پایگاه حوزه 4425

ص: 195

معرفي منابعي در باره ي اسرار مناسك حج

لطفا كتابهايي در باره اسرار مناسك حج معرفي نماييد؟ پيام هاي حضرت امام خميني (ره) به حجاج بيت الله الحرام و مجموعه بيانات ايشان در اين مورد، و همچنين پيام هاي مقام معظم رهبري در اين خصوص و كتاب اسرار الحج و صهبائي حج حضرت آيت الله استاد جوادي آملّي و همچنين آقاي ضياء آبادي و آقاي قرائتي را مطالعه فرماييد. پاينگاه حوزه 3173

ص: 196

معروفترین کلام امام خمینی (ره) پیرامون نقش موثر تربیتی زن در اسلام

معروفترین کلام حضرت امام خمینی (ره) پیرامون نقش موثر تربیتی زن در اسلام که در آن موجبات کسب مراتب و مدارج ایمانی مردان می‌گردد، را بیان نمایم. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. 2 زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند. 3 قرآن کریم انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز. پایگاه حوزه 7472

معني بيان امام خميني ره در باره موفق نشدن پيامبران (ع) به اقامه عدل و انجام اينكار توسط امام زمان (عج)

يکي از دوستان سني من مي‌ظگويد در کتاب ظهاي امام خميني آمده است که همه پيامبران براي اقامه عدل در جهان آمده‌اند ولي همگي در انجام اين مهم موفق نشده‌اند، حتي حضرت محمد (ص) نيز اگر چه براي اصلاح بشريت و اقامه عدل آمده است موفق نشده است و تنها کسي که در انجام اين مهم موفق مي‌گردد حضرت مهدي (عج) است که ذخيره الهي است و خواهد توانست در جهان اقامه عدل کند سعي کنيد در اين گونه موارد آدرس منابع خود را مشخص تر بيان کنيد و اينک جواب مطالب: 1- پيامبر عظيم الشان اسلام (ص) و اميرالمؤمنين (ع) و ظايف خود را به نحو احسن انجام دادند و ذره ع اي فروگذار نمودند. کوچکترين تقصيري و يا قصوري از آنان صادر نشده است اما زمينه و بستر عملي شدن همه برنامه‌هاي الهي آنان وجود نداشت. پيامبر عظيم الشان اسلام (ص) چندين سال پيامبري خود را از عموم مردم مکه پنهان مي‌ع داشت، از مکه به مدينه هجرت کرد و در دو سالي که در مدينه بود قريب 70 جنگ داشت. آرزوها و آرمان ع هاي او که آرمان قرآن و اسلام بود، در زمان حيات ايشان به

وقوع نپیوست چون موانعی باعث جلوگیری از اجرای آنها می‌ع شد. امیرالمؤمنین (ع) نیز می‌ع خواست که معاویه برانداخته شود و شام از چنگال فریب او بیرون بیاید ولی نشد و..... مقصود حضرت امام خمینی (ره) این بوده است و نه آنکه خدای نکرده آنان در انجام وظایف خود کوتاهی کرده‌ع اند؛ اصولاً علمای شیعه از جمله امام خمینی ره، معصومین علیهم السلام را معصوم از خطا و گناه می‌ع دانند؛ یعنی نه جهل و نادانی به ساحت آنان راه دارد و نه گناه و معصیت. مقدر الهی شده است که بالاخره روزی دین خدا جهان را تسخیر کند و آن زمانی است که زمینه‌ع ها فراهم باشد و انشاءالله به تقدیر و اذن الهی این مهم در حکومت امام زمان (عج) رخ خواهد داد و عدل اسلامی با تمام جوانب آن اقامه خواهد شد. اینکه می‌ع گوئیم آن حضرت نتوانستند به این معنا نیست که پیامبر اکرم (ص) یا امامان (ع) قدرت این کار را نداشتند و یا کوتاهی کردند، بلکه مراد این است، همانطور که مشیت الهی بر این قرار گرفته تا انسان‌ها با اختیار خود راه کمال را انتخاب کنند، مسئله حکومت نیز همینطور است. امامان تلاش خود را نمودند و در جایی که مردم آنان را همراهی نمودند و حکومت غیر مشروع را ترجیح

دادند، وظیفه امامان آن نیست که آنان را با زور به حکومت اسلامی بکشانند، البته تبلیغ و ارشاد می نمودند. پس علت عدم موفقیت امامان به عدم اراده مردم از داشتن يك حکومت مشروع بر می گردد والا از راه غیر عادی آنان می توانستند بر انسان ع ع ها مسلط شوند. 2- آن چیزی که راجع به حضرت فاطمه (س) نقل شده است و به عنوان مصحف فاطمه معروف است که آنچه بر ذریه آن حضرت تا روز قیامت وارد می شود در آن مکتوب است، چیزی نیست که امام خمینی از پیش خود گفته باشد، بلکه این حدیث از امام صادق (ع) و دیگر ائمه وارد است و امام این حدیث شریف را تحلیل و تفسیر نموده است. [3] 1- در مورد امام حسن (ع) علاوه بر آنچه که در شماره يك آمد باید گفت که امام ره از وضعیت زمان امام حسن مجتبی (ع) و امیرالمؤمنین (ع) متأثر است نه از امام علی بن ابی طالب و حسن بن علی علیهما السلام که برای روشن شدن موضوع چند جمله از بیانات ایشان را نقل می کنیم: امام راجع به مشکلات زمان حضرت امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است از هیچ قشر دیگری نخورده است و نمونه بارز آن

مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین علیه السلام است که در تاریخ روش است. [ii] این پنج سال حکومت یا پنج شش سال حکومت حضرت امیر این با همه گرفتاری ع هایی که بوده است و با همه زحمت ع هایی که برای حضرت امیر فراهم شد، سلبش (نبودش) عزای بزرگ است و همین پنج یا شش ساله، مسلمین تا به آخر باید برایش جشن بگیرند جشن برای عدالت جشن برای بسط عدالت. [iii] امام راجع به امام حسن مجتبی (ع) می فرمایند: امام حسن مجتبی (ع) قیام کرد تا وقتی که می توانست. وقتی که يك دسته علاف نگذاشتند که کار را انجام بدهد، با آن شرایط صلح کرد که مفتضح کرد معاویه را، آنقدر که حضرت امام حسن (ع) معاویه را مفتضح کرد به همانقدر بود که سیدالشهداء یزید را مفتضح کرد. [iv] امام حسن علیه السلام آنقدر گرفتاری که از این دوستان و اصحابش داشت از دیگران نداشت. اصحابی که توجه نداشتند که امام زمانشان روی چه نقشه دارد عمل می کند، با خیال ع های کوچکیشان با افکار ناحقشان در مقابلش می ع ایستادند و غارتش کردند و اذیتش کردند و عرض می ع کنم که شکستش دادند. معاهده با دشمنش کردند و هزار جور بساط درست کردند. [v] خوب چنانچه ملاحظه شد امام به اوضاعی اعتراض دارند که امام علی (ع) و امام حسن (ع) به آن

اعتراض داشتند نه نعوذ بالله به ائمه (ع). خداوند همه ما را هدایت کند. [i] - در این رابطه به اصول کافی ج 2 ص 355 رجوع فرمائید. [ii] - صحیفه نور، ج 21 ص 92. [iii] - صحیفه نور ج 1 ص 167-168. [iv] - صحیفه نور ج 1 ص 173. [v] - صحیفه نور ج 8 ص 89. پایگاه حوزه 8002

ص: 202

معنی حجاب های هفتگانه ای که در آداب الصلاة امام راحل آمده است

حجاب ظهای سبعة (هفت ظگانه) که امام خمینی (ره) در کتاب آداب الصلاة گفته اند کدامند؟ حجاب در اصطلاح عرفا عبارت است از انطباع صور کائنات در قلب (قلب انسان را مادیات پر کند) بنحوی که مانع از تجلی نور حق گردد. حجاب در نزد عارفان به حجاب ع های نورانی و ظلمانی تقسیم می شود و این نیز گرفته شده از روایات نبوی «ص» و ائمه معصومین علیهم السلام است. حجب ظلمانی در عالم جسمانی است و حجب نورانی در ماوراء الطبیعه که مجرداتند، می ع باشد. این حجاب ع ها آدمی را از مشاهده ملکوت و جمال حق که کمال حقیقی است، باز می ع دارد. پس انسان سالک برای وصول به شمس حقیقت باید از این حجاب ع ها خلاصی یابد تا فانی در حق و باقی در حق گردد. [i] حضرت امام راحل «ره» می ع فرماید [ii] : «اول شرط تحقق سیر الی الله، خروج از بیت مظلم نفس و خودی و خود خواهی است. چنانچه در سفر حسی عینی تا انسان به منزل و جایگاه خویش است، هر چه گمان مسافرت کند بگوید من مسافرم، مسافرت تحقق پیدا نکند، مگر به خروج از منزل و اختفای آثار بد، همین طور این سفر عرفانی الی الله و مهاجرت شهودی، تحقق

پیدا نکند مگر به خروج از بیت مظلم نفس و اختفای آثار آن. تا جولان تعینات و دعوت اذان کثرت در کار است، انسان مسافر نیست، گمان مسافرت است و دعوی سیر و سلوک است، قال الله تبارک و تعالی: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» [iii] (پایان کلام امام ره) موانع سیر و سلوک: مانع از وصول و رسیدن به قرب خداوند، حرکت نکردن و به راه نیافتادن است و مانع از حرکت نکردن، اراده نکردن است و مانع از اراده نکردن، عدم ایمان است و سبب عدم ایمان، هدایت نشدن است. [iv] و کسی که اراده سیر و سلوک می نماید، شرط اولش این است که سدّها و حجاب ع های بین خودش و خدای خودش را برطرف کند و سدّها، مال و تعصب و جاه توأم با معصیت می باشد. [v] و اما حجاب ع هایی که در آداب الصلوة ج 2، ص 110 به آن اشاره شده است، حجاب ع های است مه مانع بهره بردن کامل از قرآن می شود، نه حجاب ع های میان خلق و حق و حجاب ع های مصطلح عرفانی. امام راحل «ره» می فرماید: بر متعلم و مستفید از کتاب خدا لازم است که یکی

دیگر از آداب مهم را بکار ببرند تا استفاده حاصل شود و آن رفع موانع استفاده است که ما از آنها تعبیر می‌کنیم به حجب بین مستفید و قرآن و این حجاب‌ها بسیار است که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم: یکی از حجاب‌های بزرگ، حجاب خود بینی است که شخص متعلم خود را بواسطه این حجاب مستغنی ببیند. خلاصه برداشت از حجاب اول که امام ره ذکر می‌کند این است که آن کمالی که دارد مانع شود و طبق همان فنی که دارد، در فهم قرآن به آن بسنده کند و از افکار علما در فنون دیگر استفاده نکنند و حال اینکه موسی (ع) در مقابل خضر به علم خودش بسنده نکرد و حضرت ابراهیم (ع) از پروردگار ایمن و اطمینان شهودی خواست و "قل رب زدني علما" [vi] درباره حضرت رسول (ص) نازل شده، که انبیا به آنچه داشتند بسنده نکردند و از خدا زیاده عاقل را خواستند. امام راحل می‌فرماید: حجاب دیگر حجاب آراء فاسده و مسالك و مذاهب باطل است و خلاصه آنچه در این مبحث توسط حضرت امام ره بیان شده را می‌توان چنین بیان نمود که معنی این حجاب، آن عقائد فاسدی است که در ذهن رسوخ کرده، مانند اینکه پنداشته است

راه معرفت الله بکلی مسدود است و دنبال فهم آیاتی که راجع به معرفت است نرود و حال اینکه معرفت الله غایت بعثت انبیاء است، الخ. یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از قرآن است، اعتقاد به آن است که جز آنکه مفسرین نوشته یا فهمیده اند، کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبر در آیات شریفه را با تفسیری که ممنوع است اشتباه نموده اند..... در صورتی که استفاده اخلاقی و ایمانی و عرفانی بهیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رای باشد..... پس محتمل است تفسیر به رای راجع به آیات احکام باشد که دست آرا و عقول از آن کوتاه است و از ائمه سلام الله علیهم باید اخذ شود. یکی دیگر از حجب که مانع از فهم قرآن شریف است، حجاب معاصی و کدورات حاصله از طغیان و سرکشی نسبت بساحت مقدس پروردگار عالمیان است که قلب را حجب شود از ادراک حقائق الخ. یکی دیگر از حجب غلیظه که پرده ضخیم است بین ما و معارف و مواعظ قرآن، حجاب حب دنیا است که بواسطه آن قلب تمام هم خود را صرف آن کند و وجهه قلب یکسره دنیا می شود و قلب بواسطه این محبت از ذکر

خدا غافل شود الخ. [iiiv] در این صفحات، از آداب الصلوة که ذکر کردیم، پنج حجاب در رابطه با فهم معانی و معارف و مواعظ قرآن امام راحل ذکر می فرماید که بطور مختصر و خلاصه ذکر کردیم. و اما فرمایش امام راحل «ره» در کتاب "چهل حدیث" راجع به هفت حجاب که بطور خلاصه نقل می کنیم آن است که می فرماید: در این فقره از حدیث شریف که می فرماید: "کیف یوصف عبدا احتجب الله عز و جل بسبع" [iiiiv] احتمالاتی داده اند که بعضی از آنها را ذکر می کنیم: احتمال اول: از فیض کاشانی است که می فرماید: برای خداوند هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت است از این هفتاد هزار 7 حجاب برای رسول اکرم (ص) باقی مانده است. احتمال دوم: امام ره این احتمال را از علامه مجلسی «ره» نقل می نماید که مقصود این است: چطور می توان بنده ع ای (رسول اکرم) را توصیف کرد که خداوند که از بندگان به هفت حجاب پنهان است، اطاعت از او را (رسول اکرم) در زمین مثل طاعت خود (خدا) در آسمان قرار داده است. علامه مجلسی ره در اینجا مراد از سبع حجاب را هفت آسمانی که وحی حق از ماوراء آنها توسط پیامبر به ما می رسد گرفته است. احتمال سوم: قریب

به این احتمال، ولی هفت حجاب را حجب نوریه اسمائیه گرفته اند. احتمال چهارم: معنای حدیث این طور می‌ع شود: چگونه می‌ع تواند بنده ع ای را توصیف کرد که حق تعالی محتجب نموده او را به هفت حجاب الخ. هفت حجاب از طبیعت تا مرتبه مشیت مطلقه. بررسی: این هفت حجاب مربوط به حجب نوریه که مخصوص رسول اکرم می‌باشد و مقصود آنرا خدا و رسول الله و ائمه می‌ع دانند گفته شد مقصود آن هفت حجب یا هفت آسمان یا هفت حجب نوریه سمائیه یا هفت حجب از طبیعت تا مشیة مطلقه رسول اکرم است که این سه قول را از علما ذکر کردیم. و این هفت حجاب در این حدیث عمومی نبود و مخصوص رسول اکرم بود. والله عالم بالصواب. و اما حجب هفت گانه ع ای که در فرمایش حضرت امام راحل در سرّ الصلوة ص 129 آمده است این است که می‌ع فرماید: هشام به حضرت موسی ابن جعفر «ع» می‌ع گوید: به چه علت تکبیرات مستحبه اول هر نماز هفت تکبیر شد؟ امام (ع) می‌ع فرماید: خداوند هفت آسمان و زمین را هفت طبقه و حجب را هفت حجاب خلق کرد، وقتی رسول اکرم شبانگاه به معراج رفت و میان او مقام پروردگار، قاب قوسین او ادنی بیشتر فاصله نبود، خداوند تبارک و تعالی

برای رسول اکرم يك حجاب از هفت حجاب را برداشت. رسول اکرم هم يك تکبیر گفتند. حضرت رسول کلماتی که در اول نماز می خوانند را قرائت فرمودند. حجاب دوم برداشته شد، باز رسول اکرم تکبیر گفتند، و هر حجابی که برداشته می شد يك تکبیر می گفتند تا حجاب های هفت گانه مرتفع شد و هفت تکبیر کامل شد. بعد از گفتن هفت تکبیر، خداوند متعال فرمود: الان به مقام مخصوص من رسیدی. پس نام مرا بر زبان جاری کن. بعد از اینکه گفته شد حدیثی که عدد هفت حجاب داشت مربوط به پیامبر (ص) بود، گفته می شود حجب میان خلق و حق زیاد است و قابل شمارش نیست. همین طور که در حدیث اشاره شد ان لله سبعین حجاب من نور و ظلم. حجاب ع های ظلمانی عبارت از حجاب های معصیت و حجاب ع های نوری عبارت از حجاب ع های فضائل و کمالات و مکاشفات است و انسان سالک در مثالی که از امام راحل «ره» نقل شد، مانند مسافری که وقتی تمام دیوارهای وطن را پشت سر گذاشت و دیوارها را ندید مسافر می ع شود، وقتی تمام چیزهایی که غیر خداست (تعینات مادی و معنوی) را ندید و مانند مسافر در راه توقف نکرد و هر حجاب نوری و ظلمانی را

باقدم همت و ایمان طی کرد و همیشه مقام پروردگار را در نظر داشت به مقام پروردگار نزدیک می ع شود. آنوقت است که می ع تواند به اذن پروردگار کار خدایی بکند. [i] - دائره المعارف تشیع، ج 6، ص 81. [ii] - چهل حدیث امام «ره»، ص 625. [iii] - وَ مَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يَدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده ای در زمین می یابد. و هر کس بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرارسد، پاداش او بر خداست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (سوره نساء، آیه 100) [iv] - احیاء العلوم، ج 3، ص 80. [v] - احیاء العلوم، ج 3، ص 81. [vi] - فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَ لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَ حَيْهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (طه 114) رپس بلندمرتبه است خداوندي که سلطان حق است! پس نسبت به (تلاوت) قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود؛ و بگو: «پروردگار!

علم مرا افزون کن!« [iiv] - آداب الصلوة، ج 2، ص 117. [iiiv] - کافی ج 2 ص 182 حدیث 16. پایگاه حوزه 6-3627

ص: 211

ملاك در صحت قرائت نماز از حيث ادای مخارج حروف چیست؟

آیا در قرائت نماز لازم است که مخارج و صفات حروف لحاظ گردد؟ ررر مدار و ملاك در صحت قرائت اداء کردن حروف از مخارج به وجهی است که اهل آن زبان بگویند فلان حرف را ادا کرده است ولي دقتهای علماء تجوید نیازی به رعایت ندارند این در مورد مخارج حروف بود اما صفات حروف (از قبیل شدت و رخوت ج تفخیم و ترقیق و استعلاء و ...) نیازی به رعایت ندارند بلی احتیاط واجب در رعایت مد لازم می باشد [1] [1] تحریر الوسیله امام خمینی (ره) ج 1 القول في القرائة و الذکر، مسئله 13. پایگاه حوزه 9-6132

ص: 212

ملاکها و شاخصهای اصلی تفکر دینی که از طریق نهادینه کردن آنها می توان احیای تفکر دینی کرد در کلام بزرگان مخصوصا امام و مقام معظم رهبری چیست؟ از زمان غیبت کبری تا کنون، اسلام از میان دانشمندان و متفکران و دلسوزان، احیاء گران بزرگی را دیده است که همواره سعی در احیاء تفکر دینی در میان مسلمانان و نجات آنان از چنگال استعمارگران و استثمارگران را داشته اند. از آنجایی که اسلام دارای ابعاد متعدد عرفانی، کلامی، فلسفی، اخلاقی و فقهی و... می باشد هر يك از این احیاءگران سعی کرده اند با احیاء بعدی از این ابعاد به احیاء تفکر دینی بپردازند. امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری از بعد فقهی اسلام به این مهم همت گماشته اند و این وجه تمایز احیاءگري امام خمینی (ره) از سایر احیاءگران است که موفقیت های چشمگیری را عاید جامعه اسلامی کرده است. این روش احیاء دارای ملاک ها و شاخص های زیادی است که در میان آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد: [1] 1- فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. 2- فقه جوابگوي تمام مسائل مطرح (مسائل روز جامعه) می باشد. 3- فقه ادعای سازگاري میان مدرنیته

و دین را ندارد و این مدرنیته است که باید حل مسائل خود را از دین طلب کند. 4- فقه قافله سالار احیاء دین است. بنابر این فقه باید قوی شود و فقیه در رأس قدرت قرار گیرد. 5- قدرت فقیه در سطح قدرت معصوم علیه السلام (صاحب احکام ولایتی و حکومتی) است. 6- فقیه باید به زمان خود آگاهی داشته باشد. 7- دگرگون شدن اجتهاد سنتی با در نظر گرفتن دو عنصر زمان و مکان در آن در جهت افزایش توانمندی فقیه. 8- تکیه بر اجتهاد سنتی جواهری، با حفظ پویایی فقه در همه زمینه ها. 9- حضور دین در زندگی اجتماعی مردم و حل مسائل بشری و جهت دهی زندگی اجتماعی از زندگی تا حکومت. 10- اعتماد بر مردم و نشان دادن قدرت عملی مسلمانان در برخورد با مسائل و مشکلات و توطئه های شوم. 11- حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمام زوایای زندگی بشریت و برخورد با تمامی مشکلات و معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. 12- حکومت دینی باید واجد مصلحتی فراتر از هر مصلحت دینی تصور گردد و مصلحت نظام باید در زمره احکام اولیه باشد. 13- حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است یکی

از احکام اولیه اسلام است و بر تمام احکام فرعیه مثل نماز و روزه و حج و... مقدم است. ر اینها مهم ترین شاخص هایی است که با نهادینه کردن آنها می توان به احیاء تفکر دینی موفق شد. [1] مجله حوزه و دانشگاه، ش 30، ص 62- مقاله امام خمینی و احیاء دین و نظریه ولایت فقیه، ص 62 به بعد. پایگاه حوزه 3556

ص: 215

موارد جواز استفاده از حریر

استفاده از حریر تا چه حد جائز است؟ 1- در فقه شیعه پوشیدن لباس، از حریر خالص برای مردان حرام می باشد و نیز برای مردان خواندن نماز با آن حرام ورموجب بطلان نمازراست [1]. 2- اگر لباس حریر ناخالص باشد و الیاف دیگری در آن بکار رفته باشد پوشیدن آن و نماز خواندن با آن اشکال ندارد. 3- نماز خواندن بر روی سجاده ای که از حریر باشد اشکال ندارد و می توان در هنگام خوابیدن هم جنس حریر را به خود پیچانده وربعنوان پتو و لحاف راز آن استفاده رکدرولی لباس پوشیدن از حریر خالص برای مردان در نماز خواندن و غیر نماز اشکال دارد [2]. [1] توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 1 ص 464 مسأله 834. [2] تحریر الوسيله ج 1 ص 139 مساله 15، مقدمات الصلاة، الستر و الساتر. پایگاه حوزه 7564

ص: 216

موارد وجوب نماز آیات و شرائط آن

چه موقع باید نماز آیات را باید بجا آورد؟ نماز آیات به واسطه چهار چیز واجب می شود: 1- گرفتن خورشید 2- گرفتن ماه گر چه مقداری کمی از آنها گرفته شود و کسی هم نترسد. 3- زلزله اگر چه کسی نترسد 4- رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها در صورتی که بیشتر مردم بترسند که بنا بر احتیاط واجب برای اینها هم باید نماز بخواند. از وقتی خورشید یا ماه شروع به گرفتن می کند انسان باید نماز را بخواند و بنا بر احتیاط واجب باید به قدری تأخیر نیاندازد که شروع به باز شدن نماید. رموقعی که زلزله و رعد و برق اتفاق می افتاد انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است. [1] [1] توضیح المسائل امام خمینی (ره) ص 214 مسأله های 1491 تا 1506. پایگاه حوزه 6635

ص: 217

آیا می‌شود در مورد موسیقی و موردهای جائز و غیر جائز آن توضیح دهید؟ 1- در میان فقهای عظام بحثی مطرح است که آیا غنا حرمتی ذاتی دارد یا وقتی همراه با باطل و اشاعه فحشاء و فساد و یا سخنی که انسان را از خدا دور کند حرام می‌شود؟ عده اول بر اثبات حرمت غنا به قرآن و سنت و اجماع استدلال کرده اند ولی دسته دوم این استدلال را کافی ندانسته و می‌گویند همه ادله فی الجمله دلالت بر حرمت می‌کند مثلاً خداوند با آوردن (لهو الحدیث) نوع غنای (آواز) حرام را مشخص کرده است. با توجه به این که این بحث کاملاً تخصصی است و از ورود به آن صرف نظر می‌کنیم، به هرحال فقهای معاصر اکثراً قائل به عدم حرمت ذاتی غنا شده اند. 2- در استفتائی که از محضر امام خمینی (ره) شده است ایشان فرموده اند (آن چه در اسلام حرام است موسیقی مطرب است) تشخیص مطرب بودن یا نبودن هم بر عهده خود مکلف است و این یک موضوع عرفی است به این معنا که شارع مقدس احکام را بر موضوعات بار کرده و تشخیص موضوعات نیز بر عهده عرف و مردم واگذار شده است و در صورت شك هم حکم به عدم حرمت

مي شود [i] . [i] معصومي سيد مسعود، احكام روابط زن و مرد ص 216-201. پاىگاه حوزه 2-8705

ص: 219

موسیقی مجاز از دید اسلام به طور دقیق به چه نوع موسیقی ظای گفته می‌شود؟ برای آگاهی از نظر حضرت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع تقلید متن استفتاء و جواب ایشان را عیناً می‌آوریم: س- حکم موسیقی چیست و به چه آهنگ‌های موسیقی گفته می‌شود و با صدای مشکوک چه فرقی دارد و آیا آهنگ‌های که رادیو و تلویزیون پخش می‌کند از نظر شرعی اشکال دارد؟ جواب حضرت امام خمینی (ره): موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانعی ندارد و تشخیص با عرف است. [i] فتوای حضرت آیت الله خامنه‌ای: س- ملاک تمییز موسیقی حلال از حرام چیست؟ ج- هر موسیقی که به نظر عرف موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش است باشد، موسیقی حرام محسوب می‌شود. تشخیص موضوع هم موقوف به نظر عرفی مکلف است و اگر موسیقی این گونه نباشد به خودی خود اشکال ندارد. [ii] س- منظور از موسیقی مطرب و لهوی چیست؟ و راه تشخیص موسیقی مطرب و لهوی از غیر آن چیست؟ ج- موسیقی مطرب و لهوی آن است که به سبب ویژگی‌های هائی که دارد انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی بندوباری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص

موضوع عُرف است. [iii] فتوای حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: صوتی که با ترجیع و طرب همراه باشد و مناسب مجالس لهو لعب باشد «غنا» و حرام است. و در پاسخ این سؤال که غنا چیست؟ فرموده اند: غنا آوازی است که در آن صدا را در گلو می ع گردانند (که در زبان عرفی چهچه می ع گویند) که طرب انگیز و مناسب مجالس لهو و لعب هم باشد و این حرام است. [iv] فتوای حضرت آیت الله مکارم شیرازی: کلیه صداها و آهنگ ع هایی که مناسب مجالس لهو و فساد باشد حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف «متدینین» خواهد بود. [i] [v] - کتاب استفتائات از محضر امام ج 2، ص 14. [ii] - أجوبة الاستفتاءات (ترجمه فارسی) ص 248 سؤال 1127. [iii] - أجوبة الاستفتاءات (ترجمه فارسی) ص 248 سؤال 1129. [iv] - جامع المسائل، ج 1، ص 252. [v] - بخش استفتائات توضیح المسائل مراجع، ج 2، ص 803، و قید متدینین را ایشان در کتاب استفتائات خود ذکر کرده است. پایگاه حوزه 2327

ص: 221

موضوع وصیت نامه امام خمینی(ره) چیست؟ وصیت نامه حضرت امام(ره) يك وصیت سياسي، الهی، عبادي، اخلاقي، اجتماعي است که ایشان محصول عمر خود را که تماماً در مسیر کمال و تعالی جسم و روح بوده تقدیم کرده است، عمري که تماماً خودسازي و معرفت و تقه و عرفان و مبارزه بوده، مبارزه با تمامی مظاهر شرک، تمامی ابرقدرتها با همه قوای سياسي و نظاميش. حضرت امام(ره) در این وصیت نامه چگونگی رسیدن به کمال در پرتو قرآن و ائمه معصومین سلام الله عليهم و حقانیت مذهب تشیع (دوازده امامي) و بطلان عقائدي چون وهابیت و جامعیت اسلام به عنوان دین واحد و مسائل مهمي چون اتحاد دین و سیاست، مراکز تعلیم و تربیت، دانشگاهها و حوزه هاي، مجلس شوراي اسلامي و جایگاه آن، اهمیت قوای مسلح و... اشاره کرده است. پایگاه حوزه 2-6364

نام روزه های مستحبی

نام چهار نوع روزه مستحبی که خیلی سفارش شده است چیست؟ به جز روزه های عید قربان و عید فطر که روزه گرفتن حرام و عاشورا که روزه گرفتن مکروه و ماه مبارک رمضان که روزه گرفتن واجب است، در تمام روزه های سال، روزه گرفتن مستحب است. ولی استحباب بعضی از روزه ها و ایام سال بیشتر تأکید شده است مانند: الف- تمام روز های ماه رجب و ماه شعبان ب- روز های پنجشنبه اول و آخر هر ماه. ج- روز های 29 ذی القعدة و اول تا نهم ذی الحجه و 18 ذی الحجه و اول و سوم محرم د- روز مبعث پیامبر اکرم (ص) (27 رجب) روز میلاد پیامبر اکرم (ص) (17 ربیع الاول) روز 25 ذی القعدة (دحو الارض) روز 24 ذی الحجه (روز مباحله) تمام روزه های پنجشنبه و جمعه های سال و روزه های 13 و 14 و 15 هر ماه (ایام البیض) [i] . [i] - توضیح المسائل (المحشی للإمام الخمینی)، ج 1، ص: 967، 968 پایگاه حوزه 1-3375

ص: 223

نباید در لباس نمازگزار اجزای حیوان حرام گوشت باشد

در رساله آیت الله فاضل لنکرانی بیان شده است که: بودن موی گربه بر لباس نمازگزار باعث باطل شدن نماز می شود، می خواستم سؤال کنم که آیا مراجع تقلید دیگر با این نظر موافق می باشند؟ از شرایط لباس نمازگزار این است که از اجزای حیوان حرام گوشت، همراه آن نباشد. حضرت امام خمینی - آیت الله بهجت آیت الله سید موسی شبیری زنجانی و دیگر فقهاء در فرض مرقوم نماز را باطل می دانند ولی حضرت آیت الله سیستانی يك موی حیوان حرام گوشت (مثل گربه) یا چیزی از آن که مثلاً در قوطی باشد و با خود حمل کند مبطل نماز نمی دانند (اگر چه اجزاء حیوان حرام گوشت را در لباس جایز نمی دانند). (ر.ک رساله عملیه دوازده مرجع، بحث مربوط به لباس نمازگزار مسأله 824) موارد مربوط: شرایط لباس نمازگزار احکام نماز - (وقت شناسی - قبله شناسی و پوشش) - فصل چهارم: پوشش - محمد وحیدی شرط سوم لباس نمازگزار... رتوضیح المسائل حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) - لباس نمازگزار - شرط چهارم پایگاه حوزه 6209

ص: 224

نزدیکی با همسر در ایام عادت

اگر با همسر خود که در زمان عادت ماهانه است همبستر شویم؛ حکم آن چیست؟ جماع کردن در ایام پریود (عادت ماهانه) هم برای مرد و هم برای زن حرام است و اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن با زن خود در قبل [i] رجماع کند، بنابر احتیاط واجب هیجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهد. و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند، باید چهار نخود و نیم بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند باید هیجده نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم بدهد. [ii] [i] مقصود نزدیکی در فرج و عضو جنسی می ع باشد. [ii] جواب طبق فتوای حضرت امام می باشد. توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني) ج 1 رر ص 261 رر مسأله 452 . پایگاه حوزه 2-3295

ص: 225

نظر امام خميني (ره) درباره اهل سنت

امام خميني (ره) فرمودند كه شيعه و سني برادران همدیگر هستند و ما با هم متحد هستیم، اما من از يك شخص شنيدم كه امام خميني (ره) اين را فرمود تا از سني ها در جهت اسلام استفاده كنند و در واقع امام خميني (ره) با گفتن شيعه و سني برادر هم هستند تقيه کرده است. حال من مي خواهم بدانم آیا سني ها واقعاً برادر ما هستند؟ 1- ما با برادران اهل سنت خود در بعضي از مسائل اعتقادي اختلافاتي داریم اما دعوا و درگيري نداريم زیرا در تمام زمينه ها اشتراكات زيادي داریم. ما مي گوييم شيعه و سني بايد بر مشتركات خود تقيه کرده و اختلافات خود را با منطق و گفتگو و دور از احساسات غلط و ضد عقل و درايت به بحث بگذارند و دشمنان جدي جهان اسلام يعني صهيونيست ها و مشابه آنان را هدف قرار دهند. وحدت بين شيعه و سني يك ضرورت عقلي و لازم است. 2- روايات رسیده از بزرگان تشيع و خاصه ائمه اهل البيت عليهم السلام حاكي از سفارش آن حضرات به حفظ وحدت و در عين حال حفظ حدود حقيقي تشيع مي باشد. ائمه اهل اليت عليهم السلام سفارش کرده اند كه تفرقه ايجاد نشود و حتي به نماز خواندن

پشت سر برادران اهل سنت، جهت تقویت شوکت جهان اسلام سفارش و تشویق نموده اند. 3- حضرت امام خمینی (ره) هم که منادی اسلام ناب محمدی (ص) بودند، بر احوال مسلمین غیرت می ورزیدند و از وضعیت آنان بسیار متأثر بودند و به طور جد و حقیقی خواهان وحدت کلمه مسلمین بر علیه دشمنان مشترک آنان و دشمنان اصل اسلام و دیانت بودند و در این بیان خود محتاج به تقیه و امثال آن نبودند. پایگاه حوزه 7545

ص: 227

چند نفر از علما شرکت در نماز جمعه را واجب می‌ظنند؟ اگر ممکن است نام ببرید؟ و نظر آقای بهجت و سیستانی را هم بگویید؟ حضرت امام خمینی (قدس سره) و آیت الله العظمی اراکی (ره) نماز جمعه را واجب تخییری می‌دانند یعنی مکلف در ظهر جمعه مخیر است که نماز ظهر را بجای آورد یا نماز جمعه. گرچه طبق نظر این دو مرجع نماز جمعه افضل از نماز ظهر است و کافی از نماز ظهر است. آیت الله العظمی فاضل لنکرانی نیز قائل به وجوب تخییری می‌ع باشند و همچنین حضرات آیات عظام خوئی [i] (ره) و سیستانی (مدظله) نظر به وجوب تخییری نماز جمعه دارند حضرات آیات عظام گلپایگانی (ره) و صافی (مدظله) نماز جمعه را واجب نمی‌دانند بلکه جایز می‌دانند و آن را کافی از نماز ظهر نمی‌دانند. آیت الله العظمی بهجت نماز جمعه را واجب تخییری می‌دانند و کفایت از نماز ظهر می‌کند. قائد عظیم الشان انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نماز جمعه را واجب تخییری می‌دانند و طبق نظر ایشان کفایت از ظهر می‌کند. آیت الله العظمی جواد تبریزی در صورت اقامه نماز جمعه با شرایط آن، آن را بنابر احتیاط، واجب می‌دانند. آیت الله العظمی مکارم شیرازی نماز جمعه

را واجب تخييري مي دانند [i] . [ii] - ايشان مي گویند: اصل اقامه ي آن واجب تخييري است اما وقتي با شرايطش اقامه شد مثلا امام جمعه عدالت داشت و...، حضور در نماز به احتياط وجوبي واجب است. صراط النجاة (للخوني مع حواشي التبريزي)، ج 2، ص: 81]

[ii] - جواب با استفاده از توضيح المسائل مراجع تهيه شده است. پایگاه حوزه 4603

ص: 229

نظر مراجع در خصوص نماز جمعه

نماز جمعه از نظر کدام يك از مراجع عظام فعلي واجب عيني و يا حرام و يا مباح مي باشد؟ لطفا مدارك اين سه قول را بيان بفرمائيد. نماز جمعه از نظر حضرات امام خميني (ره)، آيت الله اراكي، آيت الله خامنه اي: واجب تخييري است. واز نظر حضرت آيت الله مكارم شيرازي: در زمان تشكيل حكومت اسلامي احتياط در انجام نماز جمعه است اما رعايت اين احتياط لازم نيست. واز نظر حضرت آيت الله شبيري زنجاني: در زمان غيبت حضرت عليه السلام خواندن نماز ظهر در وقت امکان حضور در نماز جمعه با شرايط معتبر، خلاف احتياط است. از مراجع عظام فعلي نظر كسي را كه قائل به حرمت نماز جمعه باشد نيافتيم. [i] [i] -توضيح المسائل مراجع، جلد 1، صفحه 871 به بعد. پاينگاه حوزه 5754

ص: 230

نظرات مراجع در خصوص ریش تراشی

نظرات مراجع در خصوص تراشیدن ریش، چیست؟ مراجع بزرگی هم چون حضرت امام(ره)، فاضل لنکرانی، سیستانی، وحید خراسانی، تبریزی و مقام معظم رهبری احتیاط واجب در ترك مي دانند و دیگر بزرگانی چون آقایان بهجت، نوری همدانی، شبیری زنجانی و صافی قائل به حرمت شده اند [1]. [1] توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني)، ج2، ص: 1019 و 1018، س 1412 و 1413 و 1414 و 1415 و 1417 و 1419. پایگاه حوزه 6135

ص: 231

نماز جماعت با اهل تسنن

آیا باید قضای نمازهایی که در مکه برای حفظ وحدت با اهل تسنن به جماعت می خوانند به جا آورند؟ (از آیت الله مکارم شیرازی تقلید می کنم) فتوای آیت الله مکارم شیرازی در مورد نمازهایی که در مکه با اهل سنت به جماعت خوانده شده است این است که قضا و اعاده لازم نیست و کافی است [i] . [i] مناسک حج امام خمینی با حواشی مراجع صفحه 508، مسأله 1313 . پایگاه حوزه 1-9854

ص: 232

نماز در مأموریت و عدول به مجتهد دیگر

آیا کسی که مقلد امام خمینی (ره) است و حداقل هفته ای یک یا دو روز به مأموریت می رود و باید طبق فتوای ایشان نمازها را شکسته بخواند، می تواند به فتوای مرجع تقلید دیگری که نماز چنین شخصی را کامل می داند، مراجعه کند؟ بستگی دارد که این شخص به تقلید کدام مجتهد زنده به تقلید امام (ره) باقی مانده است. اگر آن مجتهد بقاء بر میت مجتهد را در صورتی که اعلم باشد واجب می داند و این شخص هم امام (ره) را اعلم می داند، نمی تواند به مجتهدین کنونی عدول نماید. [i] [i] توضیح المسائل مراجع، ج 1، ص 25 پایگاه

حوزه 1775

ص: 233

نماز شب را چگونه می خوانند؟

می خواهیم روش خواندن نماز شب را یاد بگیریم؟ 1. نماز شب و فضیلت آن الف: از منظر آیات: ردر بین نوافع، نماز شب از فضیلت بیشتری برخوردار است و در قرآن درباره آن تأکید و سفارش بسیار شده است. خدای متعال به پیامبرش می فرماید: مقداری از شب را به تهجد پرداز این برای تو مستحب است شاید خدا تو را به مقام برگزیده ای مبعوث گرداند [1] و در تعریف بندگان خاص الهی می گوید: کسانی که شب را برای پروردگارش در حال سجده و قیام بیتوته می کنند [2] و در توصیف مؤمنین می فرماید: شبها پهلو از بستر خواب جدا کنند و با بیم و امید خدای را بخوانند و از آنچه به آنها دادیم انفاق کنند، پس کسی نمی داند چه نعمتهایی که موجب چشم روشنی آنها می شود و در پاداش اعمالشان ذخیره شده است [3] ب: از منظر روایات: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خدای متعال به دنیا و حی کرد که خدمتگزارانت را به تعب بینداز و تارکین خودت را خدمت کن هنگامی که بنده خدا در تاریکی شب با پروردگارش خلوت و مناجات می کند خدا قلبش را نورانی می گرداند، وقتی می گوید: یارب یارب از جانب خدا گفته می شود: لبیک عبدی، هر

چه می خواهی طلب کن تا عطا کنم و خدا به فرشتگانش گوید... شما شاهد باشید که بنده ام را آمرزیدم. [4] و رسول خدا (ص) فرمود: اشراف امت من حاملین قرآن و شب زنده داران هستند [5] و هم فرمود: آن قدر جبرئیل درباره نماز شب به من سفارش کرد که گمان کردم نیکان امت من شب را نخواهند خوابید [6] و باز فرمود: دو رکعت نماز در وسط شب از دنیا و ما فیها نزد من محبوبتر است. [7] آثار نماز شب در روایات: رامام صادق (ع) فرمود: نماز شب صورت را زیبا و خلق را نیکو و انسان را خوشبو می کند، رزق را زیاد و قرض را ادا می کند و اندوه را برطرف می سازد و چشم را جلا می دهد. [8] پیامبر عظیم الشان اسلام فرمود: نماز شب وسیله ای است برای خوشنودی خدا و دوستی ملائکه، نماز شب سنت و روش پیامبران و نور معرفت و ریشه ایمان می باشد. بدن را آرامش می دهد و شیطان را خشمگین می کند سلاحی بر علیه دشمنان و وسیله ای است برای اجابت دعا و قبول شدن اعمال، روزی انسان را توسعه می دهد شفیع بین ملک الموت و نمازگزار می شود، چراغ و فرش قبر و جواب (دو فرشته) منکر و نکیر می باشد. در قبر تا قیامت مونس

و زائر نمازگزار خواهد بود نماز بر سرش سایه می افکند، تاجی بر سرش و لباسی بر بدنش می گردد، نور پیش رویش حائل بین او و آتش دوزخ خواهد بود، برای مؤمن حجتی است نزد خدا و وسیله سنگین شدن میزان اعمال و حکم عبور بر صراط و کلید بهشت می باشد زیرا نماز تکبیر است و حمد و ستایش و تسبیح و تمجید و تقدیس و تعظیم و قرائت و دعا و البته بهترین اعمال خواندن نماز در اول وقت آن است [9] 2. کیفیت نماز شب الف: وقت نماز شب: از نصف شب تا فجر صادق (اذان صبح) وقت نماز شب است و نماز شب در سحر از فضیلت بیشتری برخوردار است و تمام ثلث آخر شب سحر محسوب می شود و بهترین وقت سحر هم نزدیک فجر صادق است و بهتر از این آن است که نماز شب به تفریق خوانده شود چنانچه این سنت پیامبر (ص) بوده است (یعنی پشت سر هم نخواند و با فاصله بخواند) ب: رکعات نماز شب: 11 رکعت است که 8 رکعت آن (4 نماز دو رکعتی) به نیت نافله شب خوانده می شود که شکل آن مانند نماز صبح است [با این تفاوت که اولاً به نیت نافله شب می خواند و مستحب است و ثانیاً

می تواند بلند یا آهسته بخواند] و بعد از آن 2 رکعت به نیت شفع می خواند و در آخر هم يك رکعت به نام وتر بجای می آورد. ج: مستحب است که در قنوت نماز وتر 70 مرتبه " استغفرالله ربي و اتوب اليه " و برای 40 مؤمن دعا و استغفار کند مثلاً 1. اللهم اغفر الامام الخميني 2. اللهم اغفر آيت الله البروجردي 3 اللهم اغفر شهيد چمران و... و 300 مرتبه الهي العفو بگويد و هفت مرتبه " اللهم هذا مقام العائذ بك من النار " بخواند. البته اگر بعضي از اينها 70 مرتبه استغفار و يا دعا برای 40 مؤمن و يا 300 مرتبه العفو گفتن را هم بخواند ایرادي ندارد. و: چنانچه مقداري از نماز شب را خوانده باشد و اذان صبح (طلوع فجر) سر رسد می تواند بقيه نماز شب را هم به نیت اداء بخواند. ه: اگر وقت کم باشد می تواند تنها شفع و وتر را بخواند و اگر کمتر وقت داشته باشد تنها شفع را بخواند. ج: خواندن دو رکعت نافله صبح از شفع و وتر افضل است. د: برای عمل به اعمال مستحبي ديگر در نماز شب به کتب مبسوطه رجوع فرمائيد. (با استفاده از تحرير الوسيله ج 1 ص 123 حضرت امام خميني ره

و کتاب خودسازي (تزکيه و تهذيب نفس) آيت الله ابراهيم اميني ص 281 279. [1] سورة اسراء، آيه 79 [2] سورة فرقان، آيه 64 [3] سورة سجده، آيه 16. [4] بحار الأنوار ج 87 ص 139 [5] بحار ج 87 ص 138 [6] بحار ج 87 ص 130 [7] بحار ج 87 ص 148 [8] بحار ج 87 ص 153 [9] بحار الأنوار ج 87 ص 161، خودسازي تهذيب و تزکيه، ابراهيم اميني ص 279. پایگاه حوزه 1221

ص: 238

نگه داري و تنبيه بچه يتيم 7 ساله

نگه داري و تنبيه بچه يتيم 7 ساله چه حكمي دارد؟ 1- (خدمت و محبت به يتيم بسيار قابل ستايش و مورد رضايت خداوند است يتيم از آن جهت كه پدر كه منبع لايزال محبت به فرزند است را از دست داده است نياز مند جبران نسبي اين كاستي در محبت است و البته ابراز محبت مي تواند به شكل خدمت هايي متنوع ظهور يابد. گاهي با خريدن لباس نو و گاهي با خوراندن غذايي دلخواه او و گاهي با تفريحات سالم و گاهي هم با تاديب و آموختن آداب فردي و اجتماعي و وادار كردن او به رعايت اخلاق انساني و پيشرفت در علوم و فنون. 2- تنبيه بدني جز در موارد اندك شيوه اي ناپسند و غير مقبول است خصوصاً اگر در اين تنبيه بدني به جاي توجه به آثار تربيتي آن دنبال تخليه عصبانيت ها و عقده هاي خود باشيم و اين بدترين نوع تنبيه بدني و سركوفت هاي زجرآور است. نصيحت به جوانان و نوجوانان و كودكان بايد غير مستقيم و مهربانانه باشد. 3- به لحاظ احكام شريعت اگر كتك زدن كودك موجب سياه يا سرخ يا كبود شدن بدن او شود ديه دارد و بايد ديه آن به آن كودك پرداخته شود.

ص: 239

[1][1] توضیح المسائل المحشي للإمام الخميني، ج 2، سؤال 22، ص 831. پایگاه حوزه 0674

ص: 240

اطلاعاتی درباره ی طرز برخورد و رفتار بزرگان دینی و اولیاء الهی در مصائب، برای من ارسال نمایند. قرآن از فلسفه خلقت انسان به عبادت و بندگی خدا یاد نموده است، و بندگی که خود سیر تکاملی است همراه با گرفتاری و مشکلات است، چنانچه در قرآن به این معنا توجه شده است: **يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَيَّ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ [1]** را بمعنی تلاش نمودن و خسته شدن دانسته است. و از این کلمه «سیر» هم استفاده می شود چون با کلمه «الی» متعدی شده است، و از کلمه «فملاقیه» هم استفاده می شود که هدف نهایی این سیر و تلاش خدای سبحان و ملاقات با اوست. [2] انسان در این سیر تکاملی دائماً با سختی و گرفتاریها و مصائب روبرو است، به همین جهت قرآن و عترت انسان را دعوت به پایداری و مقاومت نموده چنانچه آن بزرگواران از گرفتاریها و مصائب در راه خدا و بندگی استقبال نموده اند نه آن که از سر بی اطلاعی با گرفتاریها روبرو شوند. بلکه در متون روایی آمده است: «البلاء للولاء» [3] یعنی بلا و گرفتاری برای ولی خداست. اگر

خدا نسبت به بنده ای لطف مخصوص دارد، او را گرفتار سختی ها می کند. « ان الله اذا احب عبدا غته بالبلاء غتا ». [4] خدا زمانی که بنده ای را دوست دارد او را در دریای شدائد غوطه ور می سازد. [5] مانند مریبی شنا که شاگرد تازه کار خود را وارد آب دریا می کند تا تلاش کند و دست و پا بزند، در نتیجه ورزیده شود. و شناگری که شنا را یاد گیرد، خدا هم بندگانی را که می خواهد به کمال برساند در بلاها غوطه ور می سازد. [6] نمونه بارز این معنا قیام ابا عبدالله (ع)، امام سجاد (ع) حضرت زینب کبری (س) و سایر شهدا و اسراء در جریان کربلا- است. واقعا زینب کبری (س) نه تنها صبر کرد، بلکه صبر را از کار خود حیران نمود، چنانچه از سخنان آن حضرت پیداست: « اللهم تقبل منا هذا القليل من القربان » [7] این سخن نمایشگر عظمت عرفان و صبر و پایداری حضرت زینب (س) است. زینب (س) تربیت شده دامن فاطمه زهرا (ع) است حضرت زینب (س) که جای خود دارد بلکه اسماء بنت عمیس که افتخار خدمتگذاری حضرت زهرا را دارد، از این خاندان فرا گرفته است که چگونگی باید

در گرفتاریها صبر پیشه کند. این بانوی بزرگوار وقتی خبر شهادت فرزندش محمد بن ابی بکر را - که در سن 28 سالگی عمال معاویه سر او را بریدند سپس در شکم الاغ قرار دادند و بعد او را سوزاندند، ربه او دادند، این بانوی بزرگ گر چه این خبر برایش سنگین بود تا آنجا که از پستانش خون جاری شد لکن صبر کرد. همچنین شهادت شهید ثانی به جرم شیعه گری که به طور وحشیانه ای انجام گرفت، او را سوزاندند و خاکسترش را به باد دادند. و نیز مرحوم حضرت امام خمینی (ره) وقتی در نجف اشرف با مرگ آقا مصطفی رو برو می شود می فرماید: « مرگ مصطفی از الطاف خفیه الهی بود ». [8] جهت اطلاع از اینکه اولیاء خدا و علماء بزرگ چگونه با مصائب برخورد نموده اند به کتابهای: « آرامش بخش دل‌های داغ‌دیده »، ترجمه مسکن الفؤاد، شهید ثانی. شهدای راه فضیلت، از علامه امینی (ره). قصص العلماء. عدل الهی، شهید مطهری. قصص الانبیاء. مراجعه نمایند. و نیز تفسیر قرآن ذیل آیاتی که در رابطه با صبر و گرفتاری بحث می کند. [1] - رسوره انشقاق، آیه 6. [2] - المیزان، ج 2، ذیل آیه

6 سورة انشقاق . [3] - ميزان الحكمه ج1، ص520 . و نیز ر. ك: تفسير الميزان ج 5، ص 250 . [4] - اصول كافي ج2، ص 253. [5]
- عدل الهي، ص 141. [6] - عدل الهي، ص 141 . [7] - ربه نقل از كتاب بانوي شجاع كربلا، ص 142 . [8] - ترجمه مسكن الفؤاد،
از شهيد ثاني، ص 18. پاىگاه حوزه 6676

ص: 244

وسواس و رعایت طهارت و نجاست در اسلام

اگر انسان در انجام رعایت طهارت و نجاست به حالت وسواس برسد آیا رعایت آن ضروري است یا خیر؟ اولاً تا یقین به نجس بودن چیزی نداشتیم اجتناب از آن لازم نیست، و ثانیاً در جایی که یقین به نجاست چیزی داشتیم لازم است رعایت شود و در شرائطی که به حد وسواس رسید نباید اعتناء شود. [i] - [i] کتاب استفتاء از محضر حضرت امام خمینی ج 1 ص 110. ر پایگاه حوزه 5714

ص: 245

وقت افطار طبق نظر شیعه

آیا در ماه مبارک رمضان می توان با اذان برادران اهل سنت (که زمان پنهان شدن خورشید را اذان مغرب می دانند) افطار کرد؟ لازم است که فاصله بین غروب و مغرب را صبر کند و البته بعد از مغرب که حدود 15 الی 20 دقیقه با غروب فاصله دارد، هم نماز را می توان خواند و هم می توان افطار کرد. [i][i] - توضیح المسائل (المحشی للإمام الخميني)، ج 1، ص: 979 پایگاه حوزه 9975

ص: 246

وقت نماز مغرب و عشاء

وقت نماز مغرب و عشاء تا چه ساعتی می‌تواند باشد و هرکدام در چه ساعتی قضاء می‌شوند؟ نماز مغرب و عشاء هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد و وقت مخصوص نماز عشاء موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشاء به نصف شب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را عمداً نخواند، باید اول نماز عشاء و بعد از آن نماز مغرب را بخواند. و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشاء، وقت مشترک نماز مغرب و عشاء است، که اگر کسی در این وقت اشتباهاً نماز عشاء را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد. [i] ر آخر وقت نماز عشاء نصف شب است. و احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشاء و مانند اینها، شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد، و برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب نمایند. [ii] ر (امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، فاضل، مکارم: تقریباً یازده ساعت و ربع بعد از ظهر شرعی، آخروقت

نماز مغرب و عشا است. خوئي و تبريزي: دوازده ساعت بعد از ظهر شرعي، آخر وقت نماز مغرب و عشا است.) [iii] ر اگر از روي معصيت يا به واسطه عذري نماز مغرب يا نماز عشا را تا نصف شب نخواند، بنا بر احتياط واجب بايد تا قبل از اذان صبح بدون اينکه نيت ادا و قضا کند، بجا آورد. [i] [iv] توضيح ع المسائل مراجع ج 1 مسئله 736. [ii] توضيح ع المسائل مراجع ج 1 مسئله 739. [iii] توضيح ع المسائل مراجع ج 1 پاورقي مربوط به مسئله 739. [iv] توضيح ع المسائل مراجع ج 1 مسئله 740. پایگاه حوزه 1-3417

چرا بچه های طلاق توسط پدر نگهداری می شوند؟

چرا بچه های طلاق توسط پدر نگهداری می شوند و چرا پیش مادر گذاشته نمی شوند؟ یکی از آثار سوء و نتیجه بد طلاق، مشکل سرپرستی و نگهداری فرزندان است؛ و این مشکل هیچ گاه به صورت کامل حل نخواهد شد، بلکه باید تدبیری اندیشید تا بتوان از شدت بحران و مشکل کاست. برای سرپرستی چنین فرزندان، چند صورت قابل تصور است: هیچ کس حق نگهداری آنها را نداشته باشد، یعنی بی سرپرست باشند. فردی (حقیقی یا حقوقی) غیر از پدر و مادر، این حق را داشته باشند. پدر و مادر، به طور اشتراکی دارای چنین حقی باشند. این حق را به "مادر" بدهیم. "پدر" را صاحب این حق بدانیم. فرض اول مقبول نیست، چون مستلزم فساد و انحراف فرزندان است، و صورت دوم نیز چون دیگران چنان دلسوزی برای این فرزندان ندارند، و فرض سوم به دلیل اینکه اختلاف زن و شوهر که علت طلاق آنها بوده موجب سرگردانی بچه ها خواهد شد، مقبول نیستند. اما در میان دو صورت معقول باقیمانده، اسلام بهترین راه را انتخاب نموده که مشکلات کمتری دارد، (هر چند مشکل به طول کامل حل نخواهد شد) و آن اینکه می گوید: "بچه هائیکه نتیجه طلاق هستند

اگر پسر باشند، تا سن دو سالگی؛ و اگر دختر باشند، تا سن هفت سالگی، حق نگهداری آنها مربوط به مادر است؛ و حق نگهداری پدر، از این سن به بالاتر شروع می‌شود. [1] و به نظر می‌رسد این فرض مشکلات کمتری دارد، چون پسر ها تا دو سال و دختر تا هفت سال، وابستگی زیادی به مادر دارند، بهمین جهت حق نگهداری تا این سن به مادر داده شده است؛ اما بعد از آن، بخاطر رعایت مصلحت "فرزند" و "مادر" این حق به پدر داده شده است. چون اولاً: معمولاً زنها استقلال اقتصادی ندارند، و کار کردن در بیرون خانه، برای آنها مشکل است، در نتیجه در تامین زندگی خود و فرزندان، و نیز تربیت آنها، دچار مشکلاتی خواهند شد. ثانیاً: زنهای طلاق گرفته، معمولاً به ازدواج نیاز دارند (حال یا بخاطر مسائل اقتصادی یا نیازهای جنسی)؛ و چون در اغلب جوامع، بلکه در طبیعت زن و مرد چنین است، که محوریت خانواده، به دست مرد است؛ و زن حالت تبعیت از مرد دارد، به این جهت، وجود بچه های زن، در نزد شوهر جدید مشکلاتی برای زن و فرزندان، به وجود می‌آورد. اما این مشکلات برای مرد، بدلیل استقلال اقتصادی، و توانایی کار در بیرون

منزل و محوریّت داشتن در خانواده، کمتر خواهد بود، در نتیجه زمینه تربیت برای فرزندان بهتر فراهم خواهد شد. [1] تحریر الوسیله، امام خمینی، کتاب النکاح، احکام الولاده، ج 2، ص 297. پایگاه حوزه 1-6337

ص: 251

چگونگی خواندن نماز مستحبی در حال حرکت

حکم نماز مستحبی در حین حرکت (مثلاً راه رفتن یا در اتومبیل) چیست و چگونه انجام می‌گیرد؟ نمازهای مستحبی لازم است در حال استقرار، روبه‌قبله باشد اما در حال حرکت و یا سوار بودن و در کشتی بودن مثلاً، رعایت قبله لازم نیست. [1] در این حالات، شرایط دیگر نماز گذار (مثل نزدن حرف اضافه عمداً دارای طهارت بودن و...) را رعایت کرده و برای رکوع و سجود اشاره کرده و سپس تشهد و سلام نماز را هم می‌دهیم. [1] ر ر ر - تحریر الوسيلة امام خمینی (ره)، ررج 1، کتاب الصلاة المقدمة الثانية في القبلة - مسأله 1، ص 141. پایگاه حوزه 2-6049

ص: 252

چگونگی رفتار با اعضای فاسق خانواده.

رفتار ما با افراد فاسق و فاجر عضو خانواده و بستگان که با آنها معاشرت می‌کنیم، چگونه باید باشد؟ در شرایط متفاوت باید رفتارهای متفاوتی را در پیش گرفت. اگر ترك معاشرت موجب می‌شود اشخاص مورد نظر دست از خلاف خود بردارند لازم است از معاشرت با آنان خودداری نمائید. و الا گفتگو و رفت و آمد با آنان اشکال ندارد بخصوص اگر موجب هدایت آنها شود ولی تصرف در اموال آنها در صورتی جایز است که علم به وجود مال حرام در آنچه مورد تصرف است نباشد و با مراعات شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر آنان را امر و نهی نمائید [1] [1] مستفاد از استفتائات حضرت امام خمینی (س) بخش امر به معروف و نهی از منکر ج 1 ص 484-485 چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم پایگاه حوزه 10-6132

ص: 253

کارهای اقتصادی زمان شاه و محبت امام خمینی ره بین مردم

آیا کسی در ایران واقعاً (امام) خمینی ره را دوست دارد، شاه منابع گازی و نفتی را می فروخت بمنظور تأمین کردن کشور و تقویت و تکمیل اقتصاد در حالیکه وقتی خمینی (ره) به قدرت رسید بدترین چیزی که می شد اتفاق بیافتد رخ داد آیا هنوز هم مردم عقیده دارند که خمینی (ره) انتخاب خوبی بوده است؟ چرا؟ در مورد عملکرد اقتصادی دوران شاه باید گفت که دوران شکوفایی اقتصادی قبل از انقلاب اسلامی مقطعی بین سالهای 54 تا 50 بود که در اثر افزایش ناگهانی قیمت نفت حجم عظیمی از پولهای نفتی در اختیار رژیم شاه قرار گرفت. بنابراین می توان گفت که افزایش درآمدهای سرانه ایران در يك مقطع کوتاه چند ساله، ارتباط به برنامه ها و عملکرد اقتصادی رژیم و مدیران اجرایی او نداشت، بلکه ناشی از تغییر و تحولات بین المللی قیمت نفت بوده حتی نحوه استفاده از این حجم عظیم سرمایه در دوره شاه بی کفایتی و عدم کارآمدی اقتصادی رژیم شاه را نشان می دهد. چون بخش عمده این درآمدهای نفتی یا صرف خریدهای کلان تسلیحاتی شد که در آن مقطع ایران هیچ نیازی به آنها نداشت، یا در اثر فساد اقتصادی حیف و میل شده و تبدیل به اموال خصوصی

وابستگان دربار شد. در مورد حرکت شاه جهت جلوگیری از سرمایه داری و انحصار در اقتصاد باید گفت که اتفاقاً در آن دوره بدترین نوع انحصار اتفاق افتاد تا مدتی که بخش عمده بازرگانی خارجی و پیمانکاریهای بزرگ داخلی در انحصار خانواده پهلوی و وابستگان نزدیک آنها بود. (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتب "ایران میان دو انقلاب" نوشته پرواند آبراهامیان (noitulover wot neewteb narI) و کتاب "اقتصاد سیاسی ایران" نوشته محمد علی کاتوزیان ر nainarI (lacitilop ymonoce) مراجعه کنید. اما در مورد تلاش امام خمینی برای رسیدن به قدرت باید گفت که همگان می دانند که هدف ایشان از انقلاب هرگز رسیدن به قدرت نبوده و هیچگاه برای قدرت شخصی خود تلاش نمی کرد. ایشان بر اساس احساس مسئولیت و تکلیف الهی، حرکت خود را آغاز کردند و هر آنچه که به مردم گفتند از روی صداقت بود. ایشان در گفته ها و نوشته ها پرده از استبداد، ظلم و وابستگی برمی داشتند که همگی درست بود. به همین دلیل است که هنوز هم میلیون ها نفر نه تنها در ایران بلکه در خارج از کشور نیز امام خمینی را دوست می دارند و او را مراد و مقتدای خویش می دانند و علت آن، شخصیت بزرگ و بی نظیر امام خمینی قدس سره در دنیای اسلام و جهان

معاصر است. شخصیتی که در راه هدف مقدسی که در پیش گرفته بود، تا پای جان ایستاد. رمز موفقیت امام صداقت وی با مردم بود، در غم و شادی با آنها شریک بود خود را مدیون و خدمتگزار آنها می دانست. قدرت خود را در حکومت از مردم می دانست و لذا در طول انقلاب بارها در تظاهرات میلیونی او را به رهبری معرفی کردند و بلافاصله پس از پیروزی انقلاب فرماندم و انتخابات قانون اساسی و ریاست جمهوری و مجلس یکی پس از دیگری راه را برای اظهار نظر مردم در امور اساسی انقلاب باز کرد. امام ده سال انقلاب و جنگ را اداره کرد و خود، از مال دنیا چیزی نیندوخت و همیشه از مردم به خاطر اشتباهات و کوتاهی‌های دیگران عذرخواهی می کرد. در طول تاریخ کمتر موردی از صداقت و اعتماد بین یک رهبر با یک ملت مثل امام و امت او سراغ داریم. پایگاه حوزه 3803

کتاب قابل مطالعه در زمینه علوم اسلامی و اخلاقی

به طور کلی چه نوع مطالعات و کتاب هایی را در رابطه با علوم اسلامی و اخلاقی توصیه می کنید؟ چهل حدیث امام خمینی (س)، معراج السعاده مرحوم نراقی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی شهید مطهری که در چندین موضوع است، تفسیر المیزان، تفسیر نمونه و همینچنین کتاب پر اهمیت و ارزشمند نهج البلاغه امام علی (ع) را برای مطالعه سفارش می کنیم. پایگاه حوزه 6-2674

ص: 257

اگر فرد سید با وجود توانایی لازم از دیگران تقاضایی کند حکمش چیست؟ 1- تکدی و گدایی يك امر مکروه است البته اگر همراه با دروغ و فریب نباشد [1]. 2 ج سعی کنید به لحاظ اخلاقی اگر امکان ارشاد وجود دارد او را ارشاد و راهنمایی کنید. 3 ج چه سید و چه غیر سید اگر از شما تقاضای کمک کرد و توانستید به او کمک کنید کمک کنید اگر چه کم باشد این در حالی است که می دانید دروغ می گوید یا مستحق نیست اما اگر بدانید راست می گوید و مستحق است و به او کمک نکنید کار شما به لحاظ اخلاقی مذموم و ناپسند است. 4- آن چه حرام است که به سادات داده شود، صدقه واجب مثل کفارات و زکات فطره و زکات مال، می باشد. [1] استفتائات امام خمینی، ج 2، ص 45 پایگاه حوزه 3365

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

